

مجموعه سبزها جلد ۵۰

آثار حضرت اعلی

مقدمه فایل‌های ورد مجموعه سبزها

به نام یزدان مهربان

با درود فراوان،

بدین وسیله به اطلاع پژوهشگران و دوستداران آثار بابی و بهائی می‌رساند:

طی مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل‌های ورد Word آثار مندرج در مجموعه «کتاب‌های جلدسبز» ارائه می‌گردد. کتاب‌های جلدسبز، کتاب‌هایی است که عمدتاً طی دهه‌ی پنجاه خورشیدی، توسط محفل ملی بهائیان ایران، عجلالتا جهت حفظ، تکثیر شده است. فایل اسکن‌شده‌ی این کتاب‌ها، پیشتر در برخی از وبگاه‌های اینترنتی از جمله کتابخانه‌ی بهائی (<https://bahai-library.com>) و کتابخانه‌ی افنان (<https://afnanlibrary.org>) موجود بود. اما مجموعه‌ای که اینک تقدیم می‌شود، فایل ورد همان کتاب‌هاست که قاعدتاً از حیث جستجو و قابلیت کپی برداری از عبارات، کارایی بیشتری برای پژوهشگران عزیز دارد.

فایل ورد در دنیای امروزی همچون قلم و کاغذ الکترونیکی می‌ماند و حکم کاغذ و قلم و دوات محققین قدیمی را دارد که با آن می‌نوشته‌اند و تأملات خود را مکتوب می‌داشته‌اند. معاصرین ما از طلبه و دانشجو گرفته تا محقق و پژوهشگر و استاد، استفاده‌های زیاد و متنوعی از فایل‌های ورد می‌کنند و آنها را عصای دست خود می‌سازند. اما بر اهل فن پوشیده نیست که وثاقت و اعتبار محتویات فایل‌های ورد، به دلیل ماهیت خاصی که دارند، خصوصاً به‌خاطر امکان تغییر، دست‌خورده شدن تایپ متن و درهم ریختن حروف‌چینی واژه‌ها، از نوع خاصی است و در قیاس با متن اصلی و نسخه‌ی اسکن از متن اصلی در مقام برتر قرار ندارد. با این همه، امروزه طیف وسیعی از افراد متخصص و غیرمتخصص این ابزار الکترونیکی مفید را، با وجود چنین نقیصی مورد استفاده قرار می‌دهند و از مزایای آن برخوردار می‌شوند. به تهیه‌ی فایل ورد از آثار بهایی نیز می‌توان از همین دریچه نگریست؛ ضمن آنکه بهترست که برای حفظ شأن و مقام والای نصوص مبارکه تلاش شود تا حتی المقدور فایل‌هایی از متون بابی و بهایی تهیه شود که اشتباه و اشکال کم و نادری داشته باشند. نظر به همین مطلب، بسیاری از فایل‌ها در مجموعه‌ی حاضر مقابله و تصحیح شده است. در تصحیح آثار مندرجه در مجموعه‌ی جلد سبزها به چند نکته توجه شده است:

۱- در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، نسخه‌های جلدسبز با سایر نسخه‌های چاپی یا خطی موجود مقابله و تصحیح شد. در خصوص آثار حضرت باب، با توجه به اینکه هر یک از نسخ در دسترس ما دارای اشکالاتی بود و نمی‌توانستیم هیچ نسخه‌ای را بتمامه مبنا قرار دهیم، برآن شدیم تا در مواردی که به نظرمان اشکال، اشتباه یا تردیدی وجود دارد، آن موارد را با ملاحظه‌ای کلی اصلاح و نسخه‌ی تایپی را بر همان مبنا تهیه کنیم. در این باب برای تصحیح متن یک اثر از آثار حضرت باب در جلدی از

مجلدات سبزه‌ها، نه تنها آن را با متن همان اثر در دیگر مجلدات سبزه‌ها مقابله کرده‌ایم بلکه اگر نسخه‌ای از همان اثر در اثری خارج از این مجموعه بوده، از آن نیز استفاده کرده‌ایم. در نتیجه، نسخه‌ی پیش‌رو در برخی مواضع با مندرجات نسخه‌ی اصلی (جلد سبز) تفاوت‌هایی دارد؛ اما محض ارجاع‌دهی درست، شماره‌ی صفحات اصلی (شماره‌ی صفحات نسخه‌ی جلد سبز) در دل متن درج شده است.

۲- آثار حضرت بهاء‌الله مقابله نشده، اما در ضمن تایپ، تا حدی قابل قبول، تصحیح شده است.

۳- در مجموعه‌ی حاضر، برخی توابع حضرت باب که سابقاً به‌طور ناقص نشر یافته (مثل کتاب صحیفه عدلیه، مندرج در جلد ۸۲ که فاقد باب پنجم است، و یا صحیفه بین‌الحریمین و صحیفه اعمال سنه که بیشتر مختصراً نشر یافته) با توجه به سایر منابع به‌طور کامل، و تصحیح شده، منتشر می‌شود.

۴- در مجموعه‌هایی که سابقاً و از روی اضطرار منتشر شده بود نواقص عمده‌ای به چشم می‌خورد: از جمله، تفسیر «بسم‌الله» که در چندین مجموعه بدون مقدمه و خطبه نشر یافته بود، و یا توقیع حروف مقطعات قرآن که نیمی از آن ناقص منتشر شده، و یا تفسیر (های هذا) در جلد ۶۰ که در داخل متن افتادگی‌هایی دیده می‌شد، و یا چند باب اول این اثر در مجموعه‌ی ۹۸ که به‌طور ناقصی منتشر شده بود. در مجموعه‌ی حاضر، همه‌ی این نواقص با توجه به مجموعه‌های دیگر برطرف شده است.

۵- در مواردی که نتوانستیم درج صحیح لغتی را تشخیص دهیم آن را نشانه‌گذاری (های لایت) کرده‌ایم و یا با چند علامت سؤال (؟) آن را مشخص کرده‌ایم.

۶- برای مقابله‌ی نسخ آثار حضرت باب از نسخ مختلفی بهره برده‌ایم. از جمله، از تمامی مجلدات جلد سبز استفاده کرده‌ایم. فی‌المثل در تصحیح جلد ۱۴ تفسیر «های هو» از مجموعه کتاب‌های جلد سبز تنها اکتفا به همین جلد نشده، بلکه از مجلدات دیگر مثل جلد ۵۳، ۶۷، ۸۶ و منابع دیگر نیز استفاده کرده‌ایم. افزون بر نسخه‌های جلد سبز، مجموعه‌ی پرنستون و کیمبریج و نشریات ازلیان و مجموعه شخصی خود را نیز مدنظر و پیش‌رو داشته‌ایم.

۷- در مواردی رسم الخط واژه‌ها به‌گونه‌ای انتخاب شده که برای جستجو مناسبتر باشد. مثلاً گاهی کاتب در نسخی اصل کلمه‌ی «جلالت» را به‌صورت «جلالته» نگاشته است و ما ترجیح داده‌ایم آن را «جلاله» تایپ کنیم و

در پایان یادآور می‌شود که از آغاز کار تایپ و تصحیح فایل‌های اسکن شده مایل بودیم که از همکاری فضلا و مطلعین جامعه در تصحیح نسخه‌های موجود، بیشتر بهره‌مند باشیم؛ اما این مهم، جز در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء، محقق نگشت. در همین‌جا به‌ویژه از جناب ولی‌اله کفاشی سپاسگزاریم. کار بازخوانی، مقابله و تصحیح فایل‌های تایپ‌شده‌ی آثار حضرت باب تماماً توسط ایشان انجام و نهایی شد. در عین حال، امیدواریم که در ادامه‌ی راه از مساعدت و همراهی تعداد بیشتری از یاران فاضل و مطلع مستفید شویم. ضمن آنکه از همه‌ی خوانندگان این فایل‌ها درخواست می‌کنیم تا اگر در حین مطالعه به اغلاط تایپی برخوردند آن موارد را از طریق سایت به ما اطلاع دهند. امید و هدف دیگرمان اینست که در آینده، تمام فایل‌های این مجموعه، با مقابله‌ی علمی و اسلوبی دقیق‌تر - دست‌کم در حد آنچه که در مورد آثار حضرت باب و حضرت عبدالبهاء انجام شده - تقدیم دوستان و یاران علاقمند شود.

فهرست مجموعه ۵۰ سبز

صفحه	عنوان
۱	۱- زیارت نامه جامعه کبیره
۱۸	۲- دعای روز جمعه (از باب ششم صحیفه بین الحرمین)
۲۳	۳- دعای بعد از نماز صبح (از باب پنجم صحیفه بین الحرمین)
۲۵	۴- دعای اول ظهر (از باب پنجم صحیفه بین الحرمین)
۲۷	۵- دعای بعد از نماز ظهر
۲۹	۶- دعای روز عرفه و قبل و بعد ان و روز غدیر و هر جمعه (از صحیفه اعمال سنه شهر ذوالقعدة)
۳۲	۷- دعای روز و شب عاشورا (از صحیفه اعمال سنه شهر محرم)
۳۵	۸- دعای ظهر در هر روز ماه شعبان (از صحیفه اعمال سنه شهر شعبان)
۳۸	۹- دعای هر روز ماه رمضان بعد از هر نماز (از صحیفه اعمال سنه شهر رمضان)
۴۲	۱۰- دعای قنوت در نماز عید فطر (از صحیفه اعمال سنه شهر شوال)
۴۳	۱۱- دعای اول ذی الحجه
۴۵	۱۲- صحیفه بین الحرمین (متن کامل)
۸۷	۱۳- صحیفه اعمال سنه (متن کامل)

زيارت نامه جامعه كبريه

١

بسم الله الرحمن الرحيم

بسمه المكنون الرؤف الرحيم الحمد لله رب العالمين وانما الصلوة على محمد رسول الله وخاتم النبيين وانما السلام على آل الله وآل رسول الله وآل آل الله بما شاء الله و اراد

٢

انه لا اله الا هو الحق المبين و بعد فاذا اردت زيارة حبيب الله او احد من ائمة الدين طهر اولاً جسمك من كل مايكرهه فواذك ثم اغتسل بسبع كف ماء على راس ثم على اليمين باربعة كف ثم على اليسار بثلاثة كف فاذا فرغت البس احسن ثيابك و استعمل العطر ثم اجلس تلقاء الكعبة و استغفر الله ربك اثنين وماتين

٣

مرة ثم امش بالوقار والسكينة وكبر الله في سبيلك الى ان تصل الى باب الحرم هنالك قف وكبر الله ربك اثنين وماتين مرة ثم ادخل بلا ان تقرأ حرفا و امش بالسكون الى ان تصل بسبعة اقدام تحت الرجل هنالك قف و قل اشهد لله في مقامي هذا عرش الرب بما شهد الله لنفسه من دون ان يقدر احد دونه

٤

انه لا اله الا هو العزيز الحكيم ثم التفت الى المستوى على عرشه والمستقر على كرسيه و قل اول جوهر طرز و اشرق ثم طلع و لاح من ساحة قرب حضرت الازل عليكم يا محال الوحي و مواقع الحكم و معادن الامر و مواضع الذكر و اركان التوحيد و علامات التقريد و آيات التقديس بما شاء الله و اراد في عز الازلية

٥

وَجَلالِ الصَّمَدانِيَةِ وَجَمالِ الكَبِريائِيَةِ وَهَيْبَةِ القَدَّوسِيَةِ وَطَلْعَةِ السُّبُوحِيَةِ وَمَجْدِ الهَوِيَّةِ وَفَضْلِ الاِحدِيَةِ
بِما لا يُحِيطُ بِهِ عِلْمِ اِحدٍ دُونَ اللهِ خالِقِ البَرِيَّةِ بِابِي انْتُمْ وَامِي وَ مَنْ هُوَ فِي عِلْمِ رَبِّي كَيْفَ اصْفُ
جَوْهراً مِنْ جَوْاهِرِ تَجَرِّدِكُمْ وَنوراً مِنْ اِنوارِ تَقْدِيسِكُمْ وَطَرزاً مِنْ اطرازِ مَشِيتِكُمْ وَسِراً مِنْ اسرارِ ارادَتِكُمْ
وَ ذَكَراً مِنْ اذكارِ تَجْلِيِكُمْ

٦

وَ حُكْماً مِنْ احكامِ عُبُودِيَتِكُمْ وَوَرَقَةً مِنْ اوراقِ شَجَرَةِ وِلايَتِكُمْ بَعْدَ ما عَرَفَنِي اللهُ سَدَّ السَّبِيلِ عَن ساحَةِ
قَدْسِكُمْ وَاشْهَدَ لِي اللهُ قَطَعَ الطَّرِيقَ عَن مَقامِ ذِكْرِكُمْ لا وَعَزَّتْكُمْ لا ذَكَرَ لِي وَلا لَاحِدِ اليَكُم وَلا وِصْفَ
لِي وَلا لَاحِدٍ لَدَيْكُمْ اذ كَلَّ المَوْجُوداتِ بِجَوْهَرِيَّةِ كَافُورِيَةِ كَيونِياتِها مَعْدومَةٌ بَحْتُهُ عِنْدَ بَهاءِ قَمْصُ
طَلَعَتِكُمْ وَانَّ

٧

المُمكِناتِ بِتَجَرِّدِ سَازِجِيَةِ ذاتِياتِ مَفقُودَةٍ صَرفِها عِنْدَ تَجَلِيِ ذَكَرِ مِنْ اِنوارِكُمْ بِابِي وَامِي وَ ما فِي عِلْمِ
رَبِّي بِذَكَرِكُمْ يَثبِتُ التَّوْحِيدَ لِلَّهِ وَ شَهِدَتِ العُقُولُ عَلى مَعْرِفَتِهِ وَ اسْتَدَلَّ النُّفُوسُ عَلى عَدْلِهِ وَ طُولِهِ وَ
خَضَعَتِ الاجسادَ لِهيبتِهِ وَ خَشَعَتِ الاصواتُ مِنْ جَلالِ جَلالَتِهِ وَ سَبِحَ كُلُّ شَيْءٍ

٨

وَ لَولا كُمْ لَمْ يَعبُدِ اللهُ شَيْءٌ وَ لَولا كُمْ لَمْ يَقدِّسِ اللهُ شَيْءٌ وَ لَولا كُمْ لَمْ يَذَكَرِ اللهُ شَيْءٌ وَ لَولا كُمْ لَمْ يَصفِ
اللهُ شَيْءٌ وَ لَولا كُمْ لَمْ يَنعَتِ اللهُ شَيْءٌ وَ لَولا كُمْ لَمْ يَحمدِ اللهُ شَيْءٌ بِابِي انْتُمْ وَامِي وَ ما فِي عِلْمِ رَبِّي
بِكَيونِياتِكُمْ قَطَعَتِ المَوْجُوداتِ عَن ساحَةِ قُرْبِها وَ بِذاتِياتِكُمْ اِنعَدَمَتِ الاشياءُ عَن مَقامِ ثنائِها وَ
بِجَوْهَرِياتِكُمْ سَجَدَتِ الكُلُّ لِلَّهِ

٩

بِكَيونِياتِها وَ بانِياتِكِ شَهِدَتِ العُقُولُ وَ الانفُسُ بِالعِظَمَةِ لِلَّهِ وَ الفِناءُ فِي ساحَةِ قُرْبِها وَ بِعُبُودِيَتِكُمْ
وُجِدَتِ رَبوبِيَةُ ما سِوا كُمْ وَ باشِعَةِ اجسادِكُمْ خُلِقَتِ حَقائِقُ ما دُونِكُمْ وَ باثارِ اِنوارِ مَجْدِكُمْ طَرِزَتِ

جَوهریاتِ الكائناتِ لديكمِ بابي وأمي وما في علم ربي كيف اذركم بلساني هذا الكالِ وعلمي
بوجود نفسي

١٠

في ذلك الحالِ مع اني لأعلمُ باليقينِ بآنٍ وُجودي ذنبٌ في مُلككمِ و دالٌّ على عجزى في
مملكتمِ و أنّ ما يصدُرُ من الذنبِ ذنبٌ و ما يدلُّ على المفتقرِ عجزٌ. فكيف بي و ذلك الشانِ
اجتراحي على ثنائكمِ او انطقُ بين ايديكمِ بمدحتكمِ لا وعزّتكمِ اقدسكمِ عن كلّ وصفٍ دونَ وصفِ
نفوسكمِ و انزهكمِ عن كل نعتٍ

١١

دون نعتِ كينونياتكمِ ما لي و ما ذكرى بين يدي طلعتكمِ و ما لي و ما ثنائى بين يدي عزّتكمِ و ما
لي و ما حدى بين يدي جلالتمِ و ما لي و ما موقفى بين يدي كبريائيتكمِ و مالى و ما مقامى بين
يدي عبوديتكمِ ما لي و ما عملى بين يدي طلعتكمِ مالى و ما ثنائى بين يدي قدس عزّتكمِ ان قلتُ
انتم انتم فقد

١٢

حدثت الارض اخبارها بآنٍ ائمتكمِ لاتوصفُ بها و ان كلّ الوجودُ من الغيبِ و الشهودِ ذكر من
اذكارها الّتى جردت بجوهرية تجليها لا من ظهورٍ من نفسٍ لديها و لا من تجلى من عندها اليها كأنها
هى شجرة توجد بنفسها لنفسها و دلت على ازالة الصنع لربها و نطقت على علو المجد عن بارئها
من دون ان يعرف حدّا

١٣

دون حدّها او ان يذكر ذكراً دون نفسها فسبحان الله بارئها ما لي و موقفى بين تلقا مدين قدسكمِ فو
عزّتكمِ لما ارجع الى حد نفسي و أشاهد موقفى بين ايديكمِ يكاد الروح من ان يفارق من سري

لِعِظْمَةِ نَفُوسِكُمْ وَجَلَالَةِ اجْسَادِكُمْ لِأَنِّي مَعَ فَقْرِي وَفَاقَتِي وَضُرِّي وَمَسْكَتِي الَّذِي خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ
انوار احد

١٤

مِنْ شِيَعَتِكُمُ الْمُقْرَبِينَ أَرَدْتُ ثَنَائِكُمْ وَاجْتَرَحْتُ عَلَيْكُمُ بَشَانِي عِنْدَكُمْ فَسُبْحَانَ رَبِّكُمْ مِنْ مَصِيبَاتِي
الْكُبْرَى وَجَرِيرَاتِي الْعِظْمَى وَمَوِيقَاتِي الْقُصُوى الْكُبْرَى بَيْنَ يَدَيِ انْوَارِ عِزَّتِكُمْ فَوَعِزَّتِكُمْ لَوْ أَرَدْتُمْ لِي
حُكْمَ الْعَدْلِ لَأَكُونُ مَعْدُومًا كَيَوْمِ الَّذِي مَا كُنْتُ شَيْئًا مَعَ أَنِّي لِأَعْلَمُ بَأَنِي عَلَى مَقَامِي بَيْنَ أَيْدِيكُمْ

١٥

لَأَكُونُ بِمِثْلِ يَوْمِ الَّذِي مَا كُنْتُ شَيْئًا لَأَنَّ مَا يُبْدَعُ الْإِبْدَاعُ فِي كُلِّ انٍ وَيَخْتَرَعُ الْاِخْتِرَاعُ فِي كُلِّ شَأْنٍ
بِامْرَأَةِ رَبِّكُمْ وَآذِنِ بَارئِكُمْ هُوَ فِي مُلْكِكُمْ لَمْ يَتَغَيَّرْكُمْ فِي قَدِيمِ الدُّهُورِ وَلَا يُبَدِّلْكُمْ فِي بَدْوِ الظُّهُورِ
لِأَنَّ بِكُمْ تَثَبَتِ آيَاتُ الْمَعْرِفَةِ لِلَّهِ وَعَلَامَاتُ الْهُويَّةِ لِحَضْرَتِهِ وَدَلَالَاتُ الْوَحْدَانِيَّةِ لِكِبْرِيَانِيَّةِ ***١٦***
وَظُهُورَاتِ الصَّمْدَانِيَّةِ لِجَلَالِهِ وَتَجَلِيَّاتِ الرَّحْمَانِيَّةِ لِقُدْسِهِ وَمَقَامَاتِ الْارْزَلِيَّةِ لِعُلُوِّ ذِكْرِهِ وَ لَوْ يَجْرِي
فِيكُمْ مَا يَجْرِي لَدُونِكُمْ فَيَبْطُلُ التَّوْحِيدُ وَتَعْدَمُ آيَاتُ التَّجْرِيدِ وَتَضْمَحَلُ عِلَامَاتُ التَّفْرِيدِ وَتَبَدَّلُ
ظُهُورَاتُ التَّمْحِيدِ وَسُبْحَانَهُ وَتَعَالَى قَدْ جَعَلَكُمْ مُسْتَقْرِّينَ عَلَى عَرْشِهِ وَالنَّاطِقِينَ مِنْ

١٧

عِنْدِهِ وَالْمَعْطِينَ إِلَى كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ وَالْمُبَلِّغِينَ إِلَى كُلِّ ذِي حُكْمٍ حُكْمَهُ وَالشَّاهِدِينَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَالْمُدْرِكَةَ كُلِّ شَيْءٍ بِصُنْعِهِ بِظُهُورِهِ فَمَا أَعْلَى قَدْرِكُمْ قَدْرُكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي
وَمَا أَحْلَى ذِكْرِكُمْ ذِكْرِكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَمَا أَرْفَعَ حَقِّكُمْ حَقِّكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَ

١٨

مَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَمَا أَجْلَى نِعْمَاتِكُمْ نِعْمَاتِكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَمَا أَخْفَى سِرِّكُمْ سِرِّكُمْ
بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَمَا اسْنَى شَانِكُمْ شَانِكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَمَا أَبْقَى

سَلَطْتَكُمْ سَلْطَتَكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي فَمَنْ شَاءَ اللَّهُ بَارِئَكُمْ نَزَلَ بِسَاحَتِكُمْ وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ
مُوجِدَكُمْ أَوْ تَحَلَّى إِلَى

١٩

فَنَائِكُمْ وَمَنْ عَرَفَ اللَّهُ رَبَّكُمْ شَرِبَ لَذَّةَ قَرِيبِكُمْ وَمَنْ وَحَدَّ اللَّهُ خَالِقَكُمْ عَرَفَ حَقَّ ذِكْرِكُمْ وَمَنْ قَدَسَ
اللَّهُ مَحْصِيَكُمْ انْقَطَعَ إِلَى أَنْوَارِ تَجْلِيِكُمْ وَمَنْ حَمَدَ اللَّهُ رَازِقَكُمْ أَدَّى حَقَّ مَدْحَتِكُمْ وَمَنْ سَجَدَ لِلَّهِ
مَجِيْبِكُمْ ذَلَّ وَخَضَعَ عِنْدَ حَضْرَتِكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي انْقَطَعَتِ الْأَسْمَاءُ وَالصِّفَاتُ عَنِ
ص ٢٠

سَاحَةِ قَدْسِكُمْ وَأَضْمَحَلَّتِ الْآيَاتُ فِي مَلَكُوتِ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ عَنِ الْوُرُودِ عَلَى بَسَاطِ مَجْدِكُمْ
وَأَنْعَدَمَتِ الْجَوْهَرِيَّاتُ مِنَ الْمُمْكِنَاتِ بِعِرْفَانِ أَدْنَى آيَةٍ مِنْ آيَاتِ عِزَّتِكُمْ وَأَنْعَدَمَتِ جَوْهَرِيَّاتُ
كَيْنُونِيَّاتِ الْمُتَلَاتِحَاتِ عِنْدَ طُلُوعِ نُورٍ مِنْ أَنْوَارِ بَهَاءِ طَلْعَتِكُمْ فَبِكُمْ عَرَفْتَكُمْ عَنْ غَيْرِكُمْ وَبِكُمْ
٢١

نَزَهْتُمْ عَمَّا دُونِكُمْ فَلَوْلَاكُمْ مَا أَنَا وَمَا شَيْءٌ حَتَّى يَعْرِفَكُمُ بِحَقِّكُمْ وَيَشْكُرْكُمْ نِعْمَائِكُمْ يَتْنِي عَلَيْكُمْ
بِمَدْحَتِكُمْ وَيَبْلُغُ إِلَى غَايَةِ شُكْرِكُمْ وَيَعْرُجُ إِلَى سَمَاءِ ذِكْرِكُمْ وَيَصْعَدُ إِلَى جَوْفِضَلِكُمْ وَيَنْقَطِعُ إِلَى
مَلِيكِ مَمْلَكَتِكُمْ وَيَسْتَلِدُ بِقَرِيبِكُمْ وَيَسْتَرِيحُ بِأَنْسِكُمْ وَيَشْتَاقُ إِلَى رُؤْيَتِكُمْ وَيَنْسَى كُلَّ ذِكْرٍ دُونَ ذِكْرِكُمْ
٢٢

وَيَسْتَقِرُّ عَلَى عَرْشِ فَوَادِهِ بِالنَّظَرِ إِلَى طَلْعَتِكُمْ وَيَسْتَمِدُّ الْمَدَدَ مِنْ بَارِئِكُمْ بِمَنْكُمُ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي
عِلْمِ رَبِّي بِأَنْوَارِكُمْ ظَهَرَتْ لَجَجِ التَّجْرِيدِ فِي عَوَالِمِ اللَّاهُوتِ وَبِأَسْرَارِكُمْ تَمَّتْ مَظَاهِرُ التَّفْرِيدِ فِي عَرْشِ
الْجَبْرُوتِ وَبِأَحْكَامِكُمْ فَصَلَّتْ مَعَادِنُ التَّقْدِيسِ فِي عَالَمِ الْمُلْكِ بِفَضْلِكُمْ وَبِأَسْرَارِكُمْ ***٢٣***
وَلِهَتْ جَوْهَرِيَّاتُ مُجَرَّدَاتِ الْمُمْكِنَاتِ فِي عَالِمِ الْمَلَكُوتِ بِمَنْكُمُ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي فَمَا
اعْظَمَ حَقِّكُمْ حَقِّكُمْ وَمَا أَكْبَرَ شَانِكُمْ شَانِكُمْ وَمَا أَدْوَمَ ذِكْرِكُمْ ذِكْرِكُمْ وَمَا أَلَذَّ ثَنَائِكُمْ ثَنَائِكُمْ وَمَا

اعلى بهائكم بهائكم و ما اكرم اسمائكم اسمائكم و ما ارفع ايامكم ايامكم فوعزتكم و حق
كينونيتكم و جواهر

٢٤

ذاتيتكم و تجرد انيتكم و كافورية نفسانيتكم و ساجية ظهوراتكم و قدوسية تجلياتكم لو عذبنى الله
بثنائى عليكم بكل ما هو عليه فى علمه لاكون راضياً به و شاكراً نفسه و حامداً ذاته و متملقاً جنابه و
خاضعاً بهائه و خاشعاً كبريائه و ساجداً كينونيته و عابداً

٢٥

نفسانيته لانى ما خلقتنى الله الا لكم و ما عجت طينتى الا لمحبتكم و ما فطر فوادى الا بثنائكم و
ما رزقنى ربى الا بالقيام بين يدى حضرتكم و ما اعطانى شيئاً الا لادائى حق شكركم و ما ارادنى
بشيء الا للنفاء فيكم و هرق دمي فى سبيلكم بابى و امى و ما فى علم ربى فاين ايام دولتكم حتى
أجاهد بين ايديكم

٢٦

و اين ايام عزتكم حتى استدرك فيض طلعتكم و اين ايام سلطنتكم حتى اخذ ثاركم من اعدائكم
و اين ايام ظهوركم حتى استغنى عما دونكم و اين ايام بروز آثار ربوبيتكم حتى اقول باذنكم لما اريد
كن فيكون موجوداً بين ايديكم و اين ايام التى وعد الله عبادته فى رجعتكم فيكم يغنى الله كلاً من
سعته و يستوفى كل

٢٧

بحقه و يبلغ الممكن الى غاية فيضه و تفرغ الافئدة من محال حده و يسقر العقول على مواقع حكمه
و ليسكن النفوس عن ملهمات سره بابى و امى و ما فى علم ربى لا علم ان ذكرى عند انفسكم نار
تحرق فوادى و تنعدم كل آثارى ولكن و عزتكم لاكون راضياً بتلك النار لانه عفو ***ص ٢٨***

الجَبَّارِ فِي وَسْتَرِ السَّتَارِ عَلَيَّ وَفَضْلَ الْمُخْتَارِ فِي نَفْسِي وَعَدْلَ الْقَهَّارِ فِي عَلَانِيَتِي وَجُودَ الْجَبَّارِ فِي كِينُونِيَتِي بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي فَكَلَّمَا أَصْعَدُ إِلَى مَقَامِ ذَرْوَةِ مَعْرِفَتِكُمْ وَأَعْرُجُ إِلَى غَايَةِ فَيْضِ تَجَلِّيِكُمْ لَمْ أَشَاهِدْ إِلَّا أَقْلَ مَا عَرَفَتِ النَّمْلَةُ حَقَّ رَبِّهَا وَشَهِدَتِ الذَّرَّةُ فِي حُكْمِ مَوْجِدِهَا وَكَيْفَ ***٢٩***

لَا وَإِنَّ سُبُلَ الْإِنْفِطَاعِ بِجَوْهَرِيَّتِهَا مِنْ أَنْوَارِ الْقُدْسِ لِامِعَةِ وَإِنَّ حَقَائِقَ الْإِمْتِنَاعِ بِمَجْرَدِيَّتِهَا مِنْ ظُهُورَاتِ التَّجَلِّيَّاتِ بَاهِرَةٌ وَإِنَّهَا كَمَا هِيَ عَلَيْهَا مُنْقَطَعَةٌ عَنِ كَافُورِيَّةِ ذِكْرِكُمْ وَمَفْرَقَةٌ الْأَسْمَاءِ عَنِ سَازِجِيَّةِ اسْمِكُمْ بَابِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي كَيْفَ اصْفُوكُمْ وَإِنَّ الْوَصْفَ يَخْجُلُ بَيْنَ يَدَيِ طَلْعَتِكُمْ وَكَيْفَ انْعَتِكُمْ ***٣٠***

وَإِنَّ النِّعْتَ يَسْتَحْيِي بَيْنَ يَدَيِ حَضْرَتِكُمْ فَآهَ أَنَا الَّذِي اجْتَرَحْتُ عَلَيْكُمْ بِنَائِي بَعْدَ مَا عَرَفْتُ حُدُودَ نَفْسِي وَحُدُودَ حُكْمِ رَبِّي فِي فُؤَادِي وَأَنَا الَّذِي لَمْ اسْتَحْيِي عَنْكُمْ وَادْكُرْكُم بَعْدَ عِلْمِي بِقَطْعِ الذِّكْرِ عَنِ مَقَامِ بَابِكُمْ وَمَنْعَ النِّعْتِ عَنِ مَقَاعِدِ قُدْسِكُمْ وَأَنَا الَّذِي بَارَزْتُكُمْ بِجَوَاهِرِ مَحَامِدِي بَعْدَ عِلْمِي بَعَلُو جَلَالَتِكُمْ ***٣١***

وَقَدِيرِكُمْ وَأَنَا الَّذِي أَحَبَّ الْفَنَاءَ فِيكُمْ وَادْكُرْ ذِكْرَ الْحَيَاةِ بَيْنَ يَدَيِ طَلْعَتِكُمْ وَأَنَا الَّذِي مَا كُنْتُ مَذْكُورًا عِنْدَكُمْ وَإِنَّ الْآنَ أَقَارِنُ عَرْشَ رَتْبَتِكُمْ وَأَنَا الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ حَظِّي الْعَجْزَ وَنَصِيْبِي الْفَقْرَ عَنْ ظُهُورَاتِ مَعَارِفِكُمْ وَإِنَّ الْآنَ اجْتَرَحْتُ بِبِنَائِكُمْ وَأَرَدْتُ التَّسْلِيمَ عَلَيْكُمْ وَالْفَنَاءَ فِيكُمْ فَآهَ مَا أَكْبَرَ ذَنْبًا مِثْلِي ***٣٢***

وَمَا أَعْظَمَ خَطَأً شَبِهِي مَا أَكْبَرَ جَرِيرَةً عَدْلِي فَوَعِزَّتِكُمْ لَمَّا أَنْظَرُ إِلَى نَفْسِي وَأَشَاهِدُ مَا اكْتَسَبَتْ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ يَنْقَطِعُ عَيْشِي وَيَنْكَدِرُ سُرُورِي وَتَزَلْزُلُ أَرْكَانِي وَتَقْشَعُرُ جِلْدِي لِأَنِّي مَعَ عِلْمِي بِأَنْتُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَا اسْتَحْيَيْتُ عَنْكُمْ فِيمَا اكْتَسَبَتْ يَدَايَ فَبَائِي لِسَانِ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي وَبَائِي نَظْرًا أَنْظُرُ إِلَى عَمَلِي فَوَعِزَّتِكُمْ لَوْ يَطَّلِعُ

٣٣

غَيْرِكُمْ عَلَى مَا اكْتَسَبْتُ لَا يَنْظُرُ إِلَيَّ وَيَفِرُّ مِنْ سَطْوَةِ عَدْلِ اللَّهِ فِي حَقِّي وَلَكِنْ أَنْتُمْ مَعَ كِبَرِ شَانِكُمْ وَ
عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَ جَلَالَةِ بَهَائِكُمْ وَ تَمَامِيَّةِ حُجَّتِكُمْ قَدْ عَفَوْتُمْ عَنِّي وَ سَتَرْتُمْ عَلَيَّ كَانِي مَا اكْتَسَبْتُ ذَنْبًا وَ
مَا عَمِلْتُ خَطَأً وَ مَا قَرَبْتُ بَعْدًا فَلَمْ أَرِ كَرِيمًا مِثْلَكُمْ يَقْتَدِرُ عَلَى عَبْدٍ شَبِيهِ وَ لَمْ أَرِ جَوَادًا شَبِيْهِكُمْ

٣٤

يَعْفُو عَنْ عَبْدٍ مِثْلِي وَ مَا أَشَاهِدُ أَفْضَلَ عَدْلِكُمْ يَحْسُنُ لِي مَعَ عِلْمِكُمْ بِذَنْبِي فَآه آه لَوْ أَبْكِي بِمَاءِ
الْبَحْرِ دَمًا وَ أَطْرُقُ رَاسِي بِتَرَابِ الْأَرْضِ كُلِّهَا أَبَدًا وَ اجْلِسْ فِي الرَّمَادِ فَوْقَ جِبَالِ الرُّوَاسِخِ دَائِمًا وَ اَضْحَ
وَ اصْعَقْ ثُمَّ اشْهَقْ وَ أَنْادِي لِمَا أَطْلَعْتُمْ عَلَيَّ مِنْ جَرِيرَاتِي وَ أَشْهَدْتُمْ عَلَيَّ مِنْ مَوْبِقَاتِي ***٣٥***
مَا يَفْرَغُ فُؤَادِي وَ لَا يَسْكُنُ سِرِّي وَ لَا يُرَوِّحُ عَلَانِيَتِي وَ لَا يَسْتَرِيحُ جَسَدِي فَآه آه لَا مَلْجَأَ لِي إِلَّا إِلَيْكُمْ وَ
لَا مَفْرَأَ لِي إِلَّا لَدَيْكُمْ فَبِكُمْ اسْتَشْفَعُ إِلَيْكُمْ وَ بِحَضْرَتِكُمْ الْوَدَّ لَدَيْكُمْ وَ مِنْ عَدْلِكُمْ أَهْرَبُ إِلَيْكُمْ وَ مِنْ
حِلْمِكُمْ اسْأَلُ جُودَكُمْ وَ فَضْلَكُمْ فَوْعِزَّتِكُمْ لَوْ أَنْتَهَرْتُمُونِي عَنْ بَايِكُمْ فَبِمَنْ الْوَدَّ وَ أَنْ رَدَدْتُمُونِي عَنْ
جَنَابِكُمْ فَبِمَنْ أَعُوذُ فَوْعِزَّتِكُمْ

٣٦

إِنَّ السُّبُلَ غَيْرَ فَضْلِكُمْ مَسْدُودَةٌ وَ إِنَّ الطُّرُقَ غَيْرَ جُودِكُمْ مَرْدُودَةٌ لِأَنَّ كُلَّ الْخَيْرِ يَنْزِلُ مِنْ سَحَابِ
رَحْمَتِكُمْ وَ كُلُّ النِّعْمَاءِ يَبْلُغُ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ مِنْ عَطَاءِ كَرَمِكُمْ وَ أَنْ كُلَّ الشَّرِّيَّةِ بِحُكْمِكُمْ لِمَنْ أَعْرَضَ
عَنْ ذِكْرِكُمْ وَ اسْتَكْبَرَ عَلَى شِيْعَتِكُمْ وَ حَارَبَ أَوْلِيَاءِكُمْ وَ أَحَبَّ أَعْدَائِكُمْ فَانِّي بِكُمْ أَعُوذُ بِحَضْرَتِكُمْ
مِمَّا لَا يَحِبُّ اللَّهُ

٣٧

لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِ مَحَبَّتِكُمْ وَ اسْأَلُ بِجُودِهِ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ وَ قَدَّرَهُ لَكُمْ وَ أَحَبَّهُ لِمَنْ اتَّبَعَكُمْ
فَبِكُمْ يَسْلُكُ إِلَى مَسْلَكِ الرِّضْوَانِ مِنَ الْوَالِكُمْ وَ بِكُمْ يَنْزِلُ إِلَى دَرَكِ النِّيرَانِ مِنْ عَادَاتِكُمْ وَ بِكُمْ يُعْرَجُ
إِلَى ذُرْوَةِ عَلِيٍّ الْبَيَانِ مِنْ عَرَفِ ذِكْرِكُمْ وَ بِكُمْ يَعْدَبُ فِي الْحُسْبَانِ مَنْ لَا يَلْعَنُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

٣٨

لِاجْلِكُمْ فَبِكُمْ خَرَجَتْ لالى ابحر التوحيدِ وِ بكم تنبتُ اغصانَ شَجَرَةِ التجريدِ فى الحجِّ التفريدِ ما
من موحِدٍ وَحَدَّ اللهُ رَبِّكُمْ اَلَا وَهُوَ شَارِبٌ مِنْ كَاسِ فَيْضِكُمْ وَ مَا مِنْ مَنْقَطِعٍ يَنْقَطِعُ بِحَضْرَتِهِ بِكَلِّهِ اِلَّا وَ
هُوَ رَاحِلٌ بِفَنَائِكُمْ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ سَجَدَ لِحَضْرَتِهِ خَالِصاً مِنْ شَوَائِبِ ذِكْرِ غَيْرِهِ اِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَى
رَحْمَتِكُمْ وَ مَا

٣٩

مِنْ شَيْءٍ يُسَبِّحُ اللهَ بِمَا فَهُوَ عَلَيْهِ اِلَّا وَفَهُ يُنَزِّهُ حَضْرَتَكُمْ مِنْ وَصْفِ مَا دُونَهُ بِابى وَ اُمى وَ مَا فى عِلْمِ
رَبِّى اَنْتُمْ اَلْاَجْلُونَ مِنْ اَنْ تَوْصَفُونَ بِالْاَنْوَارِ وَ اَلْاَعْظَمُونَ مِنْ اَنْ تُذَكَّرُونَ بِكَلِمَةِ الْقَهَّارِ وَ اَلْاَكْرَمُونَ مِنْ
اَنْ يَنْسَبَ اِلَيْكُمْ ذِكْرُ السَّتَارِ لِاَنَّ بكم ظَهَرَتْ اَسْمَاءُ اللهِ فى مَلَكُوتِ الامرِ وَ الخَلْقِ بِصِفَاتِهِ فى عَوَالِمِ

٤٠

خَلْقِهِ وَ اَنْ بَعْدَلِكُمْ يَسْتَدِلُّ الْعَادِلُونَ بِعَدْلِ بَارِئِكُمْ وَ اَنْ بَعْلُوكُمْ يَسْتَشْهَدُ الْمُسْتَشْهِدُونَ بِعُلُوِّ مَشِيَّتِكُمْ وَ
اِنَّ بِذِكْرِكُمْ يَتَعَرَّفُ الذَّاكِرُونَ ذِكْرَ مُحَدِّثِكُمْ وَ اَنْ بِفَضْلِكُمْ يَتَشَجَّعُ السَّائِلُونَ بِالسُّؤَالِ عَن خَالِقِكُمْ وَ اِنَّ
بِحُبِّكُمْ يَنْقَطِعُ الْمَنْقَطِعُونَ اِلَى اللهِ بِالْفِنَا حَوْلَ اِفْتِدَاتِكُمْ وَ مَا لِاحِدٍ حِظٌّ اِلَّا فى عِرْفَانِكُمْ وَ لَا شَرَفٌ
اِلَّا فى

٤١

ثَنَائِكُمْ وَ لَا فَخْرٌ اِلَّا بِالذَّلِّ عِنْدَ طَلْعَتِكُمْ وَ لَا مَجْدٌ اِلَّا بِالْعِزِّ عِنْدَ قَدْرَتِكُمْ فَبِكُمْ ظَهَرَتْ مَا يَظْهَرُ فى
الْبَطُونِ وَ خَفِيَتْ مَا يَسْتُرُ فى اِسْمِ الْمَكْنُونِ وَ لَوْلَاكُمْ لَمْ يَكْ شَيْءٌ دُونَكُمْ وَ لَوْلَاكُمْ لَمْ يَصِفْ شَيْءٌ
اَنْفُسَكُمْ اِذْ بَطُّهُوَ مَشِيَّتِكُمْ تَحَقَّقَتْ الْمَتَحَقِّقَاتِ وَ بِاَنْوَارِ اِرَادَتِكُمْ تَدَوَّتْ الْمِتَدَوِّتَاتِ وَ بِهِنْدَسِهِ قَدْرَكُمْ
يَقْدِرُ كُلُّ مَنْ فى مَلَكُوتِ

٤٢

الاسماءِ وَ الصِّفَاتِ وَ بَقَضَائِكُمْ يُقْضَى الْقَهَّارُ لِلْمُمْكِنَاتِ وَ بِأَذْنِكُمْ يَأْذِنُ الْجَبَّارُ لِلْمَوْجُودَاتِ وَ بِالْبَهَاءِ
الْلَامِعِ وَ النُّورِ السَّاطِعِ مِنْ ظُهُورِ أَجْلِكُمْ يَمِيتُ اللهُ كُلَّ الذَّرَاتِ وَ بِآيَاتِ كِتَابِكُمْ يَحْصِي لَوْحَ الْحَفِيظِ
كُلَّ الْكَائِنَاتِ فَمَا مِنْ ذِي عِزٍّ شَامِخٍ رَفِيعٍ وَ لَا ذِي شَرَفٍ بَازِخٍ مَنِيعٍ إِلَّا وَهُوَ أَذِلُّ مِنْ ذَرَّةٍ تَرَابٍ عِنْدَكُمْ
وَ اخْضَعْ

*** ٤٣ ***

مِنْ يَدِ الْمَقْطُوعِ لَدَيْكُمْ أَنْتُمْ الْعَالُونَ وَ كُلُّ بَعْلُوكُمْ يَسْتَدْلُونَ وَ أَنْتُمْ الْغَالِبُونَ وَ كُلُّ بَجْدِكُمْ يَنْتَصِرُونَ
إِنَّمَا الْقَضَاءُ الْمَثْبُتُ وَ الْإِمْضَاءُ الْبَحْتُ يَطُوفُ حَوْلَ بَدَائِكُمْ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يَنْزِلُ مِنْ خَزَائِنِ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا
وَ هُوَ يَهْبِطُ عَلَيْكُمْ وَ يَنْزِلُ مِنْ عِنْدِكُمْ أَشْبَاحُ فَضْلِهِ عَلَى غَيْرِكُمْ بَابِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي قَدْ قَصُرَتْ
الْقَصَارَى عَنْ قَضَائِكُمْ وَ عَجَزَتْ

*** ٤٤ ***

الْقَضَايَا عَنْ مَصِيبَاتِكُمْ فَبِكُمْ تَجْرَى بِحُورِ الْإِبْدَاعِ بِفَضْلِكُمْ وَ بِكُمْ تَمُوجُ طَمَاظِمُ يَمِ الْإِخْتِرَاعِ
بِجُودِكُمْ وَ لَوْلَاكُمْ لَمْ يَكُنْ مَا دُونَكُمْ وَ لَا يَظْهَرُ تَوْحِيدُ اللَّهِ لِغَيْرِكُمْ فَسُبْحَانَ اللَّهِ بَارئِكُمْ مِمَّا أَحْصَيْتُهُ فِي
شَانِكُمْ وَ أَنْزَلْتَهُ فِي مِدَادِي مِنْ أَوْصَافِكُمْ فَمَا لِي وَ حَدَّتِي بَانَ اسْلَمَ عَلَيْكُمْ أَوْ أَتْنِي حَضْرَتِكُمْ لَدَيْكُمْ
إِذْ حَضْرَةُ الْجَبَّارِ لَا يَزَالُ هُوَ

*** ٤٥ ***

شَاهِدِكُمْ وَ مَثْنِيكُمْ اسْتَغْفِرْكُمْ مِنْ كُلِّ ذِكْرٍ دُونَكُمْ وَ اتُوبُ إِلَيْكُمْ مِنْ كُلِّ ثَنَاءٍ سِوَاكُمْ إِذْ لَا يَلِيقُ بِسَاحَةِ
قُدْسِ قَرَبِ كَيْنُونِيَّتِكُمْ دُونَ ذِكْرِ كَافُورِيَّتِكُمْ وَ لَا يَطْلَعَةُ حَضْرَتِ ذَاتِيَّتِكُمْ إِلَّا ثَنَاءً سَازِجِيَّتِكُمْ وَ لَا يَسْتَحِقُّ
بُعْلُوَّ مَجْدِ نَفْسَانِيَّتِكُمْ إِلَّا جَوْهَرُ ضِيَا أَشْرَاقِ نُورِ قَمِصِّ طَلْعِيَّتِكُمْ وَ لَا يَصْعَدُ إِلَى جَوْ هَوَاءِ مَقَامِ قَرَبِ

*** ٤٦ ***

أَنْبِيَّتِكُمْ إِلَّا نَعْتُ تَجَرَّدِ أَنْوَارِ قُدْسِ مَشِيَّتِكُمْ بَابِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي بِكُمْ تَوْصِيفُ الْعِبَادِ بَارئِهِمْ
بِذِكْرِ الْأُولِ وَ الدَّوَامِ وَ بِكُمْ يَنْعَتُ أَهْلُ الْفُؤَادِ مَوْجِدَكُمْ بِذِكْرِ الْقَدَمِ وَ الْكِبْرِيَاءِ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ

من ان اقترن معكم ذكر شىء أو اصفكم نعت شىء أو انعتكم بثناء شىء إذ اعلى جوهر مجرد ثناء
حضرة الإبداع معترف

٤٧

بالفناء البحت عندكم وإن أعلى طرز جوهر حضره الاختراع مقر بالنفى المحض لديكم بابى وأمى
وما فى علم ربى لما كان حكم النفى والاثبات لديكم سواء وذكر النور والظلمه عندكم على حد
الإنشاء لاصفكم بما يلقى الروح فى فؤادى وياذن روح الامر فى سرى بابى وأمى وما فى علم ربى
فما اجل ذكركم الذى هو ذكر الله و

٤٨

ثنائكم الذى هو ثناء الله وحكمكم الذى هو حكم الله وحبكم الذى هو حب الله ومعرفتكم التى
هى معرفة الله وطاعتكم التى هى طاعة الله ومعصيتكم التى هى معصية الله فيكم يظهر حكم
الايمان ويفصل بين اهل البيان ويتبين حكم ما فى الامكان عما هو فى الاكوان ويظهر ما فى الكيان
الى مقام

٤٩

العيان و اشهد الله و من هو فى علمه بأنكم أنتم العالمون بكل شىء و الشاهدون على كل شىء و
المبلغون الى كل شىء حقا كل شىء و المستغفرون من قبل كل شىء عن كل شىء و اذ بعفوكم وجد
من وجد وبستركم استمد من يمد و لولا فضلكم يدرك الكل لكانوا كيوم عدمه و لولا جودكم يحيط
الكل ليعذب

٥٠

كل بما نظر الى نفسه بابى وأمى وما فى علم ربى قد قصرت الالسن عن اداء مجدكم وعجزت
العقول عن ثناء فضلكم اذ كل ما ينسب اليكم ينسب الى الله موجدكم وكلمنا نسب اليه لعلو كينونيته

يُنْسَبُ إِلَيْكُمْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي بِذِكْرِكُمْ تَفْرَعُ الْاِفْتِدَاءُ مِنْ ذِكْرِ غَيْرِكُمْ وَ بِشَائِكُمْ تَثْبِتُ الْعُقُولُ فِي مَعْرِفَتِكُمْ

٥١

وَ بِالْقِيَامِ بِخِدْمَتِكُمْ تَشْهَدُ النُّفُوسُ بِحَقِّكُمْ فِيكُمْ ظَهَرَتْ جَوَامِعُ الْكَلِمِ وَ تَمَّتْ مَوَاقِعُ الْاِمْرِ فِي مَلَكُوتِ الْاِمْرِ وَ الْخَلْقِ فَكَيْفَ اذْكُرْ لَدَيْكُمْ مَا قُضِيَ عَلَيَّ وَ اَنْتُمْ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ لَوْلَا رَجَائِي فِيكُمْ وَ صَبْرِي لِلَّهِ رَبِّكُمْ وَ خَوْفِي مِنْ عَدْلِكُمْ وَ رَغْبَتِي إِلَيْكُمْ لَانْعَدَمْتُ مِنَ الْاِحْوَالِ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَيَّ وَ لَكِنِ الْاِنْقِضَى مَا قُضِيَ اِحْمَدُكُمْ بِكُلِّ مَا

٥٢

جَرَى عَلَيَّ وَ اذْكُرْكُمْ بِمَا يَقْضَى مِنْ بَعْدِ بَامِرِكُمْ وَ مَا مِنْ قَضَاءٍ مَثْبِتٍ اِلَّا وَ هُوَ مَقْضَى بَامِرِكُمْ وَ مَا مِنْ حَكْمٍ مَنْفَى اِلَّا وَ هُوَ مَحْوَ بَاذْنِكُمْ وَ اِنْ مَقَادِيرَ الْاُمُورِ بِكُلِّهَا يَجْرِي مِنْ خَزَائِنِ اِمْرِكُمْ وَ اِنْ مَهَابِطِ الْوَحْيِ نَزَلَتْ فِيكُمْ وَ مِنْ سَاحَةِ قُدْسِكُمْ تَصِلُ اِلَى مَا دُونِكُمْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي اِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ مُدَوَّنُهُ وَ اِنْ ذَكَرَ الشَّرُّ كُنْتُمْ

٥٣

مُحَقَّقُهُ لِانَّ مِنْ سَمَاءِ الْاِبْدَاعِ لَا يَنْزِلُ شَيْ اِلَّا وَ هُوَ سَاجِدٌ لِلَّهِ فِي يَمِينِكُمْ وَ يَصْعَقُ فِي ظِلِّكُمْ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يَنْزِلُ مِنْ سَمَاءِ الْاِخْتِرَاعِ اِلَّا وَ هُوَ مَذْكُورٌ فِي شِمَائِلِكُمْ وَ مَحْشُورٌ فِي حِطَائِرِ عَكُوسَاتِ اِنْوَارِكُمْ فَبِفَضْلِكُمْ وَجَدَتِ الْجَنَّاتُ كُلُّهَا وَ اَزَلَّتِ الْغُرَفَاتُ بِاعْرَاشِهَا وَ جَرَتِ الْبِحُورُ فِي اَرَاضِي الرِّفْرِفِ بِمَنْعِكُمْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي

٥٤

بِعَدْلِكُمْ وَجُدَّتِ النِّيْرَانُ وَ تَحَقَّقَتْ الْحُسْبَانُ وَ لَعِنَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحِسْبَانِ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَا فِي عِلْمِ رَبِّي كُلِّ الْخَيْرِ مِنْ بِيُوتِكُمْ طَالِعَةٌ وَ كُلِّ الْعَدْلِ فِي اِفْعَالِكُمْ شَاهِدَةٌ وَ كُلِّ النِّعْتِ فِي اَسْمَائِكُمْ مَدْلَةٌ وَ

كَلِّ الوَصْفِ فِي انواركم معدة بابي و أمي و ما في علمِ رَبِّي أَشْهَدُ أَنَّ مَشِيَّتَكُمْ ذاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ فِي عَوالمِ خَلْقِهِ وَ أَمْرِهِ وَ أَنَّهُ كَمَا هُوَ

٥٥

عَلَيْهِ خَلُو مِنْ دُونِهِ وَ لَا يَقْتَرِنَ بِشَيْءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ شَيْءٌ وَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ هُوَ الْفَرْدُ الْاِحْدُ الصَّمْدُ لَا يَدْرِكُهُ شَيْءٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ارادَتَكُمْ ذاتُ ارادةِ اللَّهِ فِي عَوالمِ امره و نهيهِ وَ أَنَّ فَعْلَ الْقَدَمِ بِكُلِّهِ يَظْهَرُ بِامْرِكُمْ وَ يَبْدَعُ لِامِنْ شَيْ لظهوركم بابي و أمي و ما في علمِ رَبِّي قَدْ قَامَتِ السَّمَوَاتُ بِلا عَمَدٍ بِاسْمِكُمْ

٥٦

وَ اسْتَقَرَّ الْعَرْشُ عَلَى الْمَاءِ بِامْرِكُمْ وَ اقْتَرَنَ الْكافُّ بِالنُّونِ لِذِكْرِ مُصِيبَاتِكُمْ وَ حُدِدِ الْقَدْرُ بِالْهِنْدَسَةِ الْكُونِيَّةِ وَ الْحَدُّ الْاِمْكَانِيَّةُ لَمَّا رَأَى فِي نَفْسِهِ ذِكْرًا مِنْ ظُهُورَاتِ تَجَلِّيَاتِكُمْ بابي و أمي و ما في علمِ رَبِّي مَا جَرَى الْقَلَمُ اِلَى فِي ثَنائِكُمْ وَ مَا يَحْصِي اللُّوحُ اِلَّا مِدْحَتَكُمْ وَ مَا فِي الْوُجُودِ اِلَّا نِعْتَكُمْ وَ مَا

٥٧

فِي الْمَفْقُودِ اِلَّا عِلْمَكُمْ بابي و أمي و ما في علمِ رَبِّي قَدْ شَهِدَتِ الْقِصَارَى بِالِاِقْتِصَارِ وَ انْطَقَتِ الْقِضَايَا بِالِاخْتِيَارِ وَ مَا كَانَ ذَلِكَ اِلَّا فَضلاً عَنْكُمْ وَ جُوداً مِنْ سَاحَةِ قَدْسِكُمْ وَ كَرَمًا مِنْ سَمَاءِ مَشِيَّتِكُمْ وَ اِنْعَامًا مِنْ فَوَاضِلِ عَطَاءِكُمْ بابي و أمي و ما في علمِ رَبِّي كَيْفَ اذْكُرْ مَكْنُونِ سِرِّكُمْ وَ اشِيرُ اِلَى مَخْزُونِ عِلْمِكُمْ

٥٨

وَ انْطَقَ بُنْشاءُ مَصُونِ حُكْمِكُمْ وَ أَنَّهُ كَمَا هُوَ عَلَيْهِ مَعَ عُلُوهِ الَّذِي هُوَ عَالٍ لِعُلُوكُمْ وَ دَنُوهُ الَّذِي هُوَ دَانٍ لِدُنُوكُمْ اِنْقَطَعَتِ الْاَسْمَاءُ عَنْ سَاحَةِ ذِكْرِهِ وَ اَضْمَحَلَتِ الصِّفَاتُ عَنْ مَقَامِ عِرْفَانِهِ وَ مَا هُوَ اِلَّا عَبْدٌ فِي مُلْكِكُمْ وَ مَمْلُوكٌ فِي مَمْلِكَتِكُمْ وَ مَا نَطَقَ الْكِتَابُ بِالِثْناءِ وَ دَلَّ الْعَمَاءُ بِالْبَهَاءِ ذِكْرًا مِنْ جُودِكُمْ فِي حَقِّهِ

٥٩

وَنَعْتُ مِنْ فَضْلِكُمْ فِي ثَنَائِهِ بِأَبِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي لَمَّا ضَاقَتْ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِرَحْبِهَا وَسَكَنْتُ
عَلَى وَسَطِ الْجِبَالِ بِأَحَاطَتِهَا أَشْكُو إِلَيْكُمْ مَا نَزَلَ بِي فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا لِيَفْرَغَ بِهِ فُؤَادِي فِي تَلْقَاءِ مَدِينِ
عِزِّكُمْ وَيَرِقَّ قَلْبِي فِي مَقَامِ إِظْهَارِ جَلَالَتِكُمْ وَيَدْمَعُ عَيْنَايَ فِي بَيْنِ يَدَي رَحْمَتِكُمْ لَعَلَّ بِذَلِكَ تَدُلُّ
آثَارُ عِبُودِيَّتِي بِظَهُورَاتِ

٦٠

عُبُودِيَّاتِكُمْ وَتَحْكِي مَقَامَاتِ مُصِيبَتِي بِمَقَامَاتِ مُصِيبَاتِكُمْ لِيُثَبَّتْ بِذَلِكَ الدِّينَ الْقَوِيمَ بِأَمْرِكُمْ وَ
يَتَحَقَّقُ ذِكْرُ الْحَكِيمِ بِأَذْنِكُمْ بِأَبِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي مَا أَظْهَرْتَ التَّجَرُّدَ فِي جَوْهَرِيَّاتِ الْفُؤَادِ إِلَّا
لِإِظْهَارِ فَضْلِكُمْ وَرُبُوبِيَّتِكُمْ الْمُتَجَلِّيَّةِ مِنْ بَارئِكُمْ وَمَا رَضِيْتُ بِآثَارِ الذَّلِّ وَالْإِنْفِرَادِ إِلَّا مَا رَدْتُ مِنْ
ظُهُورِ عِبُودِيَّتِكُمْ

٦١

الْمُتَشَعِّعَةِ عَنْ فَضْلِ رَبِّكُمْ لِأَنِّي أَنَا مَا كُنْتُ شَيْئاً حَتَّى اخْتَارَ لِنَفْسِي أَمراً قَدْ خَلَقَنِي اللَّهُ بِفَاضِلِ نُورِكُمْ
وَجَعَلَنِي مُحَدِّقاً بِعَرْشِكُمْ وَطَائِفاً فِي حَوْلِ حَرَمِكُمْ وَنَاطِقاً بِتَقْدِيرِكُمْ وَمَا يَجْرِي اللَّهُ عَلَيَّ إِلَّا مَا هُوَ
خَيْرٌ لِي لِإِظْهَارِ مَقَامِكُمْ وَارْتِفَاعِ كَلِمَتِكُمْ وَعُلُوِّ ذِكْرِكُمْ وَثُبُوتِ شَانِكُمْ وَبَيَانِ عِزِّكُمْ وَمَقَامِ تَجَلِّيِكُمْ
وَحَقِّ جُودِكُمْ

٦٢

بِأَبِي وَأُمِّي وَمَا فِي عِلْمِ رَبِّي وَلَوْلَا الْأَرْضُ لَمْ يَظْهَرْ نُورُ الشَّمْسِ وَلَا يُبَيِّنُ حُكْمَ السَّمَاءِ فِي تَلْقَائِهَا وَ
أَنَا مَا كُنْتُ شَيْئاً حَتَّى اذْكُرْ نَفْسِي لَدَيْكُمْ وَلَكِنْ أَعْلَمُ أَنَّ ذِكْرَكُمْ لَا يَظْهَرُ إِلَّا بِذِكْرِي وَأَنَّ أَمْرَكُمْ لَا يَثْبُتُ
إِلَّا بِأَمْرِي وَأَنَّ دِينَكُمْ لَا يُبَيِّنُ إِلَّا بِحُكْمِي وَأَنَّ كَلِمَتَكُمْ لَا تَرْفَعُ إِلَّا بِخُضُوعِي وَلِذَا اجْتَرَحْتُ بَيْنَ
أَيْدِيكُمْ بِمُوبِقَاتِ

٦٣

نفسى وجريرات ذاتى بابى وامى وما فى علم ربى أشهد ان المقبل عليكم غير مردود والوارد على بابكم غير مطرود والناظر بطاعتكم غير مايوس والسائل من جودكم غير ممنوع والمنقطع اليكم غير مقطوع والمنفق فى سبيلكم غير منقوص والناطق بفضلكم غير مكذوب فلدا جعلت النار فى فوادى نوراً ورضيت

٦٤

بالحزن فى كينونيتى سروراً لانكم شهداء على بالستر والافصال وادلا لمقام صعودى الى الله فى السرو والاجهار فبعزتكم لواقبل على جنود الارض كلها مع اتكالى عليكم غير خائف ولا مضطرب ولو مكروا فى حقى من على الارض كلها وانى كنت معتصماً بحبلكم ما ابالى ولا اتندربابى وامى وما فى علم ربى

٦٥

لاخوف لى لانكم لا يعزب عن علمكم شىء ولا يخرج من سلطانكم شىء ولا يفر من ملكوتكم شىء وان المؤمن حين ايمانه مقبل اليكم بمنكم عليه وان الكافر حين انكاره مقبل اليكم بعدلكم فيه لان الكل يستمد الفيض من بهاء جلالكم ويمشى خاضعاً على الارض بين ايدى سلطنتكم لان ارادتكم قاهرة نافذة و

*** ٦٦ ***

قدرتكم محيطه رافعة ولا لاحد قبض فى ملك الله ولا بسط الا باذنكم وان الظالم لا يظلم الا بما تحكمون عليه بعدلكم وان المظلوم لا ينتصر الا بما توعدون به بفضلكم ولكم البهاء الاعلى فوق كل بهاء والثناء الاجلى فوق كل ثنا لا يعزب من علمكم ما نزل على ولا يفوتكم حكم ما فات عنى و

ص ٦٧ و ٦٩ ***

لا يعجزكم شئ في السموات ولا في الارض لان باسمكم يصلح كلمة التور ويظهر كل الظهور و
 يعلن كل البطون ويخفي كل الرموز بابي وامي وما في علم ربي مالي خوف من الذين ظلموني
 لانكم شهداء علي و المنتقمون عنهم في و ليس لهم اشد عذاباً عندكم من انكارهم حَقَّكم و
 جحدهم امركم و طغيانهم

٧٠ و ٦٨

في ايامك و استكبارهم علي ضعفا شيعتكم فاسئلكم بجودكم يا شهداء الخلق و ادلاء الحق بان
 تنظروا الي بنظرة قريبة تصلح بها كل الامور و تبدل كل الاحزان بالسرور و تفرج به الكروب و يسهل
 لي سبيل المحبوب اذ من سماء مشييتكم ينزل الفرج و من مهبط ارادتكم يظهر اذن المخرج و ما لي
 ان اسئل

٧١

الا منكم و لا ان اتوكل الا عليكم و لا ان اهرب الا اليكم و لا ان اتوسل الا لديكم فبحقكم اقسكم
 ان تنزلوا علي كل الخير ما احاط به علمكم و ان تدفعوا عني حكم الشر ما يحصى به كتابكم فانتم
 عباد مكرمون لا تسبقون الله ربكم في حكم و انتم بامرہ تعلمون و انني انا استغفركم من كل ما احصى
 الله مني و اتوب اليكم

٧٢

من كل ما علم الله في حقي اذ وجودي ذنب و ما ينسب الي الذنب ذنب و ها انا ذا رجاء لعفوكم
 اختم ثنائي عليكم بما نزل الله في كتابه حيث قال و قوله الحق لمن عرف حَقَّكم في ملكوت الامر
 و الخلق سبحان رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين .

أن إقرأ هذا الدعاء في ليلة الجمعة (از صحيفه بين الحرمين)

ص ٧٣ بسم الله الرحمن الرحيم

أحمد لله الأحد الفرد القيوم الذي لا إله إلا هو العلي العظيم يا إلهي أنت الذي تبعد بقدرتك الخلق لا من مثال قبلها علي هيكل محبتك ابتداعا وتخترع حقايق الأفئدة علي شكل قبولها بلا شبه يعادلها اختراعا ثم قد أقمت الخلق في منهاج معرفتك جودا و امتنانا

ص ٧٤

فلك الحمد و العظمة بما قد تجليت للخلق بعز قدرتك طهرا من ضرب الأمثال و نعت الأشباه فسبحانك يا إلهي قد جلّت عظمتك و علت قدرتك و لا يمكن حقّ العرفان في آلائك و لا أداء الحقّ بشيء من عطايك أنت الذي لن تعرف بكنه الكينونية و لن توصف بعزّ الذاتية إذ ما سواك محدود بحدود الانشائية و محدثة

ص ٧٥

بوصف المثلية فأشهد أنك أنت الله لا إله إلا أنت وأشهد أنّ ذاتيتك يا إلهي مقطعة الكلّ عن الاشارة إليك و أنّ كينونيتك مدّلة علي نفي الدلالة لغيرك فكيف أصف حسن ثنائك بعد ما أعلم سدّ السبيل للخلق و منع الدليل في الوصف و لا يدرك العبد إلا إيّته و لا يوصف الخلق إلا

ص ٧٦

ذاتيته فكيف يمكن معرفتك للخلق بعد ما قد أبدعتهم لا من شيء بغير وصف من نفسك و لا دلالة من ذاتك فسبحانك حاشا الظنّ بك من معرفة الكنه و لا الوصف علي أزلية الصنع أنت الذي لن تحدّ و لن تجسّ و أنت الذي لن توصف و لا تحسّ مشيتك مدّلة بنفي وجودها من قرب ذاتك وإرادتك

ص ٧٧

محدّثة بالمنع عن معرفتك فلك الحمد بما تعرّفني نفسك علي حقيقة ربوبيّتك و لك
المجد بما تلهمني من ذكرك علي علوّ أزلّيتك و لقد قصر بي السّكونات بالذّكر من آلائك
وقصاري الاقرار بالنّعت عن امتنانك أنت العالي و لا شبه لنفسك و أنت الكبير و لا مثل
لعدلك فتعالى نفسك عن الوصف و

ص ٧٨

جلّت كينونيّتك عن النّعت فلا يدلّ نعت الخلق إلا وصف أنفسهم و لا تحكي حقايق الأفتدة
في علوّ المعرفة إلا بنعت حقايقهم فها أنا ذا أعرّف في مقامي هذا بالعجز و التّقصير و ما
عرفتك كما تعرّفني نفسك و ما عبدتك كما تدعونني إليك فلم تزل إنّك الاله الفرد
المتفضّل العزيز المتكبر لن يشبه عطيتك شيء و لم يعادل

ص ٧٩

إحسانك شيء فلك الحمد من ثناء نفسك نفسك و لا يصعد إليك إشارة من خلقك فإنّك
يا إلهي قد خلقتني و لم أك شيئاً و ربّيتني في عوالم محبّتك بأيدي رحمتك جوداً بعد ما لا
أستحق بشيء منها فلك الحمد و الجلال و العظمة و الثّناء بما يستحقّ ذاتك في إبداع
الصّفات و اختراع الشّئونات إنّك أهل البهاء و الجمال و إنّك

ص ٨٠

أنت الكبير المتعال يا إلهي هب لي بجودك في الشّهر الحرام كمال الانقطاع إليك في
البيت الحرام واجذبني بنفحات قدسك إلي مقعد العزّ و الجلال و ألهمني آيات محبّتك
في كلّ شأن بما قد أحاط علمك لأن أدخل ساحة قربك و أقرّ لدي محضرك بما قد تجلّيت
لي في يوم إنشائك بنور ندائك أشهد أن لا إله

ص ٨١

إلا الله وحده لا شريك له فرد قيوم دائم وتر الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له وصف من الخلق لا إله إلا هو ليس كمثلته شيء وهو العزيز الحكيم يا إلهي إن علو إحسانك ظاهرة لا تختلف وإن عظمة امتنانك ناطقة لا تحتجب قد خلقتني ولم أك مذكورا من قبل وأكرمتني نعمائك ما لا نستحق بشيء من

ص ٨٢

بعد فكل ما أذكر نفسي ما أشهد إلا عصيانه وما أرى إلا إحسانك ومداراتك فيا إلهي كيف أذكر نفسي وسيّاته بعد ما كنت أعلم أنّ وجودي لدي وجهك أعظم ذنب لا تشبه نار فسبحانك يا إلهي فبعزتك وجلالتك ولا حول ولا قوة إلا بقدرتك ما أحببت في شأن إلا حبك وما أردت

ص ٨٣

في وجهه إلا وجهك بعد ما قد كسبت إشارات البعد بذكر الحياة ومددته القضاء بالامضاء عدلا من حكمك الذي لا عدل له وإنصافا من أمرك الذي لا شبه له فآه آه ممّا قد أحاط علمك بنفسي من إشاراتها إلي لجة العظمة ودلائلها من غير طمطم الأحدية وسكونها في غير

ص ٨٤

وجه الهوية وقربها إلي دون بهاء الصمدانية فآه آه عمّا يحصي الكتاب من جريرات العلامات من نفسي عمّا يحكي من دون فطرة توحيدك ودلّ علي غير نعت أزلت فبحقك الذي لا إله إلا أنت لو اردت حكم عدل علي جزاء ما اكتسبت نفسي بالاغفال من أمرك لدي محضرك لقد ملأ أركان

ص ٨٥

الابداع من النار وكبرت جسمي علي قصور القدرة في الاختراع ولم يبق شيء من حرّ
سخطك فسبحان الله الربّ البارّ الرؤف لا يردّ سخطك إلا عفوك ولا ينجيني من غضبك إلا
حلمك فلك الحمد حمدا شعشعانيا متلامعا مقدّسا منزها كبهاء ثناء الله علي نفسه حمدا
يفضل علي كلّ شيء كفضل الله علي الخلق

ص ٨٦

أجمعين والله الحمد من إلهامه حمدا يملأ السموات والأرض قسطا ويؤتي كلّ ذي حقّ
كتابا حفيظا فأستلك اللهم يا إلهي بجودك أن تنزل علي حبيبك وآله من نفحات عزّك و
آيات مجدك ما أنت مبدعها لم تزل كما أنت أهله فأستلك اللهم أن تصلّي علي محمّد و
آل محمّد بشئوننا أيام إنشائك ما قد

ص ٨٧

أحاط علمك إنك أنت الله لا إله إلا أنت غنيّ في الذات وعادل في الصفات لن يشبه
شيئا من عطاياك عطية كلّ الخلق ولم يعدل آيات محبتك شيء من العباد فأستلك اللهم
بجودك أن تسلّم علي محمّد وآل محمّد محال معرفتك ومقامات محبتك ومعادن عظمتك
وأركان توحيدك كما أنت أهله

ص ٨٨

ومستحقّه وأشهد يا إلهي في مقامي هذا بفضل محمّد وآله وكما تشاء بما تشاء لم يحط
بعلمك أحد وإنك علي كلّ شيء قدير وأعترف لديك يا مولاي في هذا المشهد الكبري و
الموقف العظمي بأنك من علوّ نفسك الذي لا ينال إليك شيء قد جعلت محمّد وآله مقام
معرفتكم ومعادن ولايتكم وخزان

ص ٨٩

علمك و آيات قدرتك و قضيت لأنفسهم بحمل مشيتك و لشئوناتهم يمكن إرادتك إذ كنت إله إلا أنت لا تدرك شأننا من قدرتك حقايق الأفئدة و الأبصار و لا تحوي بأدني آيتك خواطر الأفكار و لا تحيط بشيء من آثارك غوامض الأنظار و إنه لا إله إلا هو و فوق ما قد نطق الكتاب بالعجز في وصفه

ص ٩٠

: «لا تدركه الأبصار و هو يدرك الأبصار و هو اللطيف الخبير» يا إلهي إن أمواج أبحر محبتك متلاطمة بعز كينونيتك و إن سبل الانقطاع لامعة لأهل الخضوع لدي باب رحمتك فأسئلك بعلو كينونيتك و قرب أهل ولايتك الذين ما بدع لهم شبه إلا لأنفسهم و ما يبدع لهم مثل إلا لقدرة الله

ص ٩١

في شأن تجليهم أن تجعل كل الشئونات وجهة واحدة في محضرك و كل الآيات شأننا واحدا عند تلقاء وجهتك لأن الوجه في كل شأن بلقاء وجه حجتك بن حجتك محمد بن الحسن علي إذن من نفسك و حكم من قدرتك ذو المن القديم و الحكم البديع فأسئلك اللهم أن

ص ٩٢

تصلي و تسلّم علي وليك القائم بأمرك و الغائب بإذنك و المنتظر وعدك بكل شأن أنت أثنت علي نفسك و أن تنجز له ما وعدته و تقرب أيام سلطنته و تظهر أيام كلمته إنك علي كل شيء قدير و بالاجابة قريب جدير و لا حول و لا قوة إلا بالله

ص ٩٣

العلي العظيم و الحمد لله رب العالمين"

دعائه بعد صلوة الفجر (از صحيفه بين الحرمين)

"يا من حكم علي الصّباح بنور الضياء وأظلم الليل علي إمضاء القضاء وأتقن سبل العباد علي ما قضي في البداء لا إله إلا هو فاشهد لديه في مقامي هذا كما شهد ذاته لذاته إنّه لا إله إلا هو عالم حكيم قادر حلیم

ص ٩٤

غنيّ في أزل الآزال لم يزل ما كان له وصف وهو كما هو عليه في عزّ كينونيّته لا يعرفه شيء ولا يأخذه وصف من شيء ولا نعت عن شيء ولا يعلم كيف هو إلا هو عادل في الحكم محمود في الفعل قد بعث محمّدا صلّي الله عليه وآله علي ذروة الانشاء من بحبوحه الابداع علي مقام دلائله مطهّرا عن الدلالة

ص ٩٥

إلي غيره ومنزها عن الاقتران بشيء من عباده ليعلم الناس أنّ ربّهم الرّحمن لا إله إلا هو عادل في الفعل ومطاع في الحكم وهو العليّ المتعال وبعث الأوصياء من ذريّته علي هذا الصّراط القائم بالحقّ لئلا يقول نفس في طوله وفضله من بعض القول حرفا سبحانه وتعالى يعلم ما في السّموات وما في الأرض وهو العليّ الكبير

ص ٩٦

وعلي هذا المنهج البيضاء قد بعث النبيّين والمرسلين والأبواب في هذا الضياء من هذا المصباح في المصباح الرّجاجة الرّجاجة ورقة مضيئة من شجرة مباركة لاشرقية ولاغربية توقد من نار الله قبل أن يمسه نار نور علي نور يهدي الله لنوره من يشاء لا إله إلا هو العليّ العظيم و صلّي الله علي محمّد وأوصيائه مظاهر

ص ٩٧

عزّ القديم في مقعد عزّ كريم و سبحان الله عمّا يصفون و الحمد لله ربّ العالمين".

دعائه في أول الزوال (از صحيفه بين الحرمين)

ص ٩٧

بسم الله الرحمن الرحيم

"اللهم أنت المعبود لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك قصدتك بذكر نفسي لولا أنت لم أدر ما أنت أنت الله جمال نفسك لم تزل ولا يدعي أحد معرفتك إذ ذاتيتك مقطعة الكلّ عن الطريق وكينونيتك

ص ٩٨

مدللة بالسّدّ الطّريق و أنك يا إلهي لا تكلف نفسا إلا ما آتيتها وإني عبدك أقلّ من ذرّ علي إحصاء علمك أشهدك بما تشهد لنفسك في عزّ أزلّيتك قبل أن يكون شيئا مذكورا و إنّك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك و أنّ ما سواك مقطوع عن محبّتك بصحّة الابداع و ممنوع عن معرفتك عن وجود الاختراع

ص ٩٩

فكيف يمكن من له حدّ الحدوث معرفتك فسبحانك يا إلهي ما من نفس قد أرادك بالكينونيّة إلا وقد احتجبت بذكر إنشائك عن نفسه و أعرض عنه كلّ الممكنات بحكم عدلك فتعاليت يا إلهي عمّا يصف المشبهون من أهل إبداعك و قد ادّعي الظالمون في آياتك علوا كبيرا و ها أنا ذا يا مولاي أعترف لديك في مقامي

ص ١٠٠

هذا ممّا تحبّ لنفسك من أهل لجة المحبّة الذين قد جعلتهم محالّ معرفتك و آيات ربوبيّتك حيث ما دلّوا في شأن إلا بالعبوديّة لنفسك و السّدّ الطّريق عن محبّتك كما أنت

أهله ومستحقّه إنك أنت الله لا إله إلا أنت عزّ الموحّدين وعصمة اللّائذين وبهاء المؤمنين
و منتهي غاية الطّالبيين وإله العالمين ليس كمثلك شيء وإنك

ص ١٠١

أنت العليّ الكبير وأشهد لديك يا إلهي لمحمّد وآله وشيعتهم كما قد شئت في عزّ الابداع
في شأنهم إنك علي كل شيء قدير وبكل شيء محيط ولا حول قوّة إلا بالله العليّ العظيم"

دُعَاؤُهُ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ

يا إلهي أشهدك بما قد شهد لنفسك من دون شهادة أولى العلم من عبادك إذ أنهم لن ينالوا
إلا إلى حظ

*** ص ١٠٢ ***

الإبداع ولن يعرفوا إلا جودك على كلمة الاختراع وأنت يا إلهي غني بذاتك عن كل شيء
ولا يعرف الشيء إلا شئيته ولا يحكى الخلق إلا من مقام العبودية وإن الدليل يدل لمن
لا يدل بذاته لذاته وإن الوصف نعت لمن يحتاج إلى نعته فسبحانك يا مولائي أن طرق
الإنقطاع قد منع الكل عن الوصف لدى وجهك

*** ص ١٠٣ ***

وإن علو الامتناع فقد سد الخلق عن النعت لدى محضرك فأى الوصف قد رضيت بنسبتها
إليك وهي شاهدة بتفريقها من انشائك فسبحانك يا إلهي من علو العظمة والمجد ومن
منتهى الحمد والعزة ولا يحصى احد ثناءك كما أنت عليه من القدرة والجلال وأعترف
لديك بأن الواصفون قدرتك قد شبهوها

*** ص ١٠٤ ***

بأنفسهم ولذا قد اجترحوا بآياتك من حيث لا يعلمون وإن الذين قد ادعوا معرفتك فقد
كذبت الدعوة أنفسهم وهم لا يشعرون فيا إلهي أن ذكر أنفسنا لدى وجهك كلمة شرك
لا يعادلها ذنب وإن احتجاب أنفسنا من دون آية نفسك كلمة عدل لا يساويها حكم
فاستغفرك يا إلهي من كل ما قد أحاط به علمك و

*** ص ١٠٥ ***

هربت من كل شيء قد ادعى الحكم من غير نفسك وأسئلك أن تصلني على محمد وآل
محمد كما أنت أهلهم وأشهدك بأنني قد اعترفت في مقامي هذا مقامهم كما تشاء لهم إنك
أنت الله لا إله إلا أنت غني بلا كفو ولا مثال ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم .

فى يوم العرفة و يوم قبله و بعده و يوم الغدير و كل جمعة و يوم البدع و الرابع بعد العشرين
من هذا الشهر بالغسل فانّ فيه اسم الله العظيم لمستور
الدعاء ***ص ١٠٦***

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت السلطان بلا ضدّ وانت المقتدر بلا ندّ قد ابدعت الخلق بحرف من الابداع لا
من شئ وجعلت فى حقائق كلّ شئ ذكرا من نفسك لا من شبه فاشهد لديك بتلك
الآيات القديمة فى ذلك اليوم العظيم بما قد شهد

ص ١٠٧

ذاتيتك لنفسه قبل كل شئ لا اله الا هو ولا يعلم احد كيف هو الا هو يا الهى اشهد ان
ذاتيتك مقطعة الوصف عن البيان وان كينونيتك مسددة التعت عن الاستدلال وانك يا
الهى كما انت لن تعرف الا بنفسك ولن توصف الا بوجهك وان منتهى مقام الخلق قد
تزوّت من نقطة الفصل وان اعلى

ص ١٠٨

جواهر العباد قد تجلجلت من نقطة الياس لن يدّل المثل فى حقائق الممكنات الا بالمنع
ولا تستدل الهندسة فى ذاتيات الخلق الا من مقام القطع فسبحانك يا الهى من عمل
الخلق وكل ما هم عليه من الامر لانهم لا يعرفون الا حظ انفسهم ولا يشهدون الا بما قد
جعلت فى حقايقهم فسبحانك من اراد توحيدك فقد

ص ١٠٩

احتجب بنفسه ولذا قد مدّته القضاء من عندك ليحتمل كلمة الشرك فى صقعه و من
اراد الوصف لنفسك فقد ادعى الضدّ لذاتك لان الوصف لدى الاشارة مردود الى نفسه
فسبحانك كلّ الخير منك ولك وحدك لا شريك لك وما ينسب الى الخلق ويظهر
منهم آيات ملكك لا اله الا انت فسبحانك يا الهى

ص ١١٠

لا احصى ثناء عليك ولا احبّ ذكر الشئ الا لوجهك فكيف اذكر حالى لديك بما قد
احاط علمك دون ما لا اعلم نفسى شيئا منها فاشهد يا الهى بانّ من ذكرى توحيدك قد

اكتسبت سئة لو تعذبني بكل قدرتك جزاء ذلك العمل سرمدًا الابد بدوام ذاتك لكنت
مستحقًا به ولا يعدل ذنبي فآه آه من جريرات الكبرى

ص ١١١

والمصيبات العظمى عما ارتكبت في تلقاء وجهك من دون اذن من حكمك فيها انا ذا
في مقامى لديك استغفرک واتوب اليک واعترف بان استغفاري من الذنب ذنب يحتاج
الى كلمة الاخرى وهى لانفاد لها الا العزمى والعفو منك سبيله لا اله الا انت فاسئلك
اللهم بجودك ان تصلى على محمد وآل محمد بما قد احاط علمك و احصى

كتابك ***ص ١١٢***

انك انت الجواد ذو المن لا يتعاطمك شئ في السموات ولا فى الارض وانك على
كل شئى قدير وبما تشاء سريع قريب اللهم ان اليوم يومك والمقام مقامك فاسئلك اللهم
بحقك الذى لا يعلمه احد سواك ان تصلى على وليك القائم بامرک والرّاضى بحكمك
والدّاعى الى نفسك حجّتک ابن حجّتک الذى قد اخترته

ص ١١٣

لنفسك واجتبيته لمحبتك واصطفيته لولايتك وجعلته مقام نفسك فى المعروفة و
العطاء اذ انت لم تزل لم تقترن بجعل الاشياء ولا تتغير فى شان بالعطاء وانك انت العزيز
المتعال اشهد ان مشيته فى كل شئ ذات مشيتك و ارادته على كل قضاء حكم الامضاء
منك لم تغيره الازمنة والدهور

ص ١١٤

لعزّ جلاله ولا ينال الى قدس معرفته احد من الخلق لعلّو بهائه ولا يغرب من علمه شئى فى
السّموات ولا فى الارض وما من شئى الا بحكمه واليه يرجع حكم الخلق والامر باذنك

انت الله لا اله الا انت الغنى القديم اللهم سلم عليه فى كلّ شان بما انت اهله و مستحقه
واحفظ اللهم غيبته وانجز ما وعدت له انك بكلّ شئ

ص ١١٥

محيط و على ما تشاء قدير و اسئلك اللهم بجودك ان تصلى على عبده الذى قد ارسله
الى الخلق بالآيات البيّنات و بين سبيل معرفته فى آيات المحكمات و اشهد انه قد بلغ ما
حمل من حكمه و انك على كلّ شئ شهيد و لا حول و لا قوّة الا بالله العلىّ العظيم و الحمد
لله رب العالمين.

ص ١١٦

فى يوم عاشورا و ليله

بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله لعبده بشهادة نفسه ان لا اله الا هو الحيّ القديم اللهم انت السلام ومنك السلام
و اليك السلام وحدك لا شريك لك اشهد ان اليوم هذا يومك و المقام هذا مقامك و
الشهيد فيه حجتك ابن حجتك و انت يا الهى قد دعوت لما قد وعدت بالحق لاهل
اجابتك عن زيارة

ص ١١٧

نفسه بنفسك و عن محضر عرشه بقدس عزتك و عن ذكر ذلته بذكر عزتك و عن مقام
مقهوريته بمقام قوتك و عن مصرعه بمقام رحمانيتك انك ذو الجود العظيم اشهد انه و
ان قتل بين ايديك ولكن حيّ لديك و لا يعجز فى قدرته شئ و لا يعزب من علمه شئ و
لا تغيره الدهور و الازمنة لانه من نور ذاتك قد خلقته

ص ١١٨

و لازل له سرمد ابا فجلت مصيبته يا الهى لديك و عظمته بلائه يا الهى عندك و انت
تعلم حقه لاسواك و انك قد عرفت بلائه لادونك فسلم اللهم و اجزه من رضاك كما
انت اهله و انزل الرحمة بجودك على الذين قد قتلوا بين يديه فى ذلك اليوم كما انت
تستحق به فان اولئك لهم الفائزون المقربون و اكتب

ص ١١٩

برحمتك للذين يعملون فى سبيل نفسك و يتبعون انفسهم فى سبيل ذاتك و يبكون فى
ايام العدل لوجهك كل الخير ما قد احاط علمك فانك جواد ذو المن لا تامر به بحكم الا

و تخلق قبل ذكره جزائه فى الفردوس لمن اتبعه وكان من الساجدين السلام عليك يا
 ابا عبدالله ورحمة الله وبركاته اشهد يا مولاي

ص ١٢٠

لديك بانك وان قتلت لم تمت بل بحياتك حتى وجود افئدة الخلق ووجود تارك يقبل
 الله شهادة المتوحدين و اشهد انك نور الله الذى لا يخفى و امر الله الذى لا يقهر و سر الله
 الذى لا يعرف و اسم الله الذى لا يوصف قد علت ذاتيتك عن الوصف و جلّت كينونيتك
 عن التعت و لا يعرف احد كيف

ص ١٢١

انت الا الله الذى خلقك و تلى بذكر تارك الى نفسه لا اله الا هو و اشهد انك حين قطع
 الرأس متصل بنور الله ربك و حين وحدتك على الارض كل الموجودات خاضعة لديك
 و خاشعة لوجهك و منصعقة لمصيبتك لا ذليل نفسك و الله فى كل شأن معزك و لا انت
 مغلوب فى شان الا و كان الله

ص ١٢٢

ناصرك انت القليل بلا مثل و انت الفريد بلا شبهه فصلى الله عليك يا حجة الله كما هو
 اهله انه عزيز حميد اشهد لديك بان من تارك قد تغير حكم احرف الاحدية فى اجمة
 اللاهوت و تبدل حكم كلمه التسبيح باحرف التكبير فى ارض الجبروت و ما من شئ الا و
 قد سبح الله بذكرك و يبكى فى كل شئ

ص ١٢٣

لوجهك الله يعلم يا مولائي مصيبتك و كبر بلائك و ان ما سواك فى حكم الشهادة و
 الالم كتوحيد التملة لديك فسبحان الله الاحد الفرد الحى القيوم الذى لا يعلم احد كيف

هو الا هو اللّهمّ اّنى اشكو ابثى و حزنى فى ذلك اليوم اليك فاسئلك اللّهمّ بجودك ان
تدخلنى فى باب حرمك و تكتب اسمى فى الزّائرین

ص ١٢٤

لنفسك و تعذب الّذين قد جعلوا هذا اليوم يوم الفرح و رضوا بفعل حزب الشيطان بعدابك
الدّئم الابد اّتك تقدر على ما تشاء و تحکم بالعدل لمن تشاء بما تشاء فاسئلك اللّهمّ
بحقّك و بحقّ من قتل فى ذلك اليوم بين يديك ان تعذب اعداء الدّين الّذين قد حاربوا
معك و قتلوا حجّتك و الّذين

ص ١٢٥

اتّبعوا اعمالهم من بعد بما انت تقدر به عند الاخذ اّتك علىّ كل شىء قدير و بكل شىء
محيط و لاقوه الّا بالله العلىّ العظيم و الحمد لله رب العالمين.

اقروا هذا الدعاء فى كل يوم من هذا الشهر عند الزوال

ص ١٢٥ بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله لنفسه قبل كل شىء بمثل ما يشهد الان لنفسه لا اله الا هو العزيز الحكيم اللهم

ص ١٢٦

انى اشهد لديك فى ذلك اليوم من هذا الشهر شهر حبيبك محمد صلى الله عليه وآله

شعبان الذى قد فضلته على اشهر الحرم بفضل حبيبك على كل الخلق ولا يعلم كيف ذلك

الا انت بما تشهد لنفسك بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك غنى لم

يزل والان بمثل ما كنت فى الازل لا يعلم

ص ١٢٧

كيف ذلك الا انت سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا و اشهد لمحمد و

آله صلواتك عليهم كما تقدّر فى شانهم و تشاء لهم فى كل شان انك على كل شىء قدير يا

الهي ان آية هذه الشمس فى ذلك الحين قد كوّرت باذنك الى محل الزوال وان لك

فى كل حين نفحات تمنّ بها على من تشاء ولا يحيط بها احد سواك فاسئلك اللهم يا

الهي

ص ١٢٨

ان تصلى على محمد وآل محمد اصل الخلق فى الابدان و آيات قدرتك فى العباد و

مظاهر عظمتك فى آيات الملك و خلق الفؤاد عبادك الذين انتجتبتهم لنفسك و

اصطفيتهم لمحبتك و جعلتهم مقام نفسك فى كل شأن ليدعوا الناس الى نفسك و

لا يعرف احد بينك و بينهم الا كلمة العبودية لا اله الا انت اللهم صلّ على محمد وآل

محمد كما

ص ١٢٩

قد جعلتهم شجرة العدل فى الانبياء وموضع الرسالة فى الاصفياء ومعدن العلم فى الاولياء
واهل بيت الوحي لما تخلق وتشاء حيث قد بينت ذلك الحكم فى محكم كتابك على
شان قدرتك فى سيد الاوصياء لحبيبك محمد صلى الله عليه وآله للبلغاء المستحفظين
الأئمة الراشدين الذين يعملون بامرک وهم من خشيتک يشفقون

ص ١٣٠

قلت وقولک الحق وما كان لبشر ان يكلمه الله الا وحيا او من راء حجاب او يرسل رسولا
فيوحى باذنه ما يشاء انه على حكيم و بينت حکم تلك الآيه بقولک الحق فى شان
قدرتك وانه فى ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك
المستقر على ابحر الابداع فى يوم الانشاء والسفينة الجارية على يم المسجور فى لوح

ص ١٣١

الاختراع يعلو مرة الى افق السماء وينزل اخرى الى طمطم قعر الابداع اشهد ان من ركبها
يأمن من اشارات الشيطان عن اهل الهلاك وما من عبد تركها الا ويغرق فى دار البوار
جهنم يصلونها و بس القرار اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة المقصود والآية
المحمود عبادك الذين قد جعلتهم كهف العباد فى العالمين وعصمة اهل

ص ١٣٢

الايجاد فى النشأتين ملجأ الضعفاء والمساكين ومنجا اهل الخوف والراجين امنائك
الذين قد فرضت طاعتهم و اوجبت محبتهم وقرنت ولايتهم بولايتك و الاقرار بعبوديتهم
الاقرار بوحدانيتك عبادك المكرمون الذين يعملون بامرهم وهم لوجهه عابدون اللهم صل
على محمد وآل محمد صلوة ينبغى من قدرتك ولا منتهى له

ص ١٣٣

فى علمك صلوة تفضل على كل شى كفضلك على الخلق اجمعين اللهم صل على محمد وآل محمد اداءً فى الامضاء وقضاءً فى ابداء و دائماً بمشيئته الانشاء و سرمداً على غاية الاختراع باذن منك و جود من نفسك و آية من ربوبيتك و ملكة من سلطنتك و هندسة من عظمتك بقوة منك يا مولى العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد

ص ١٣٤

المصطفين الاخير الذين قد جعلتهم محلّ مشيتك و مكن ارادتك و محلّ قضائك و قدرك عبادك الذين مايشاؤون الا بمشيئتك و لا يحكون الا لارادتك و لا يدلون الا عن عظمتك و سلطنتك معدن العلم و منتهى الحلم ائمة الدين و هداة الخلق اجمعين اللهم صل على محمد و آل محمد بما تحب و ترضى و كما انت تصف نفسك

ص ١٣٥

لاسواك وحدك لا اله الا انت اللهم بحقك عليهم و حقهم فى كتابك ان تسكن افئدتنا بمحبتك و قلوبنا بمعرفتك و لاتجعلنا من الغافلين و اكتب لنا كلما تحبّ لحبيبك محمد صلى الله عليه و آله فى هذا الشهر المعظم من نفحات قدسك و آيات مجدك و علامات تجليلك و بما لا يحيط به احد غيرك و لا يقدر بذلك سواك

ص ١٣٦

اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك و استعنت عن الكلّ بالعلم على قدرتك و انت يا الهى لا يخفى عليك شىء فى السموات و لا فى الارض و انت تحكم بين الكل يوم القيمة بالعدل فاكتب الفضل لمن عرفك و العدل لمن لا يعلم حكمك انك قادر على ما تشاء و لا يمنع عطيتك احد من خلقك و انك على كل شى قدير و الحمد لله رب العالمين.

هذا الدعاء فى كل يوم و بعد كل صلوة

الدّعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

ص ١٣٧

اللهم انت المعبود لا شريك لك قد عرفتنى نفسك و الهمتنى ذكرك و دعوتنى الى وجهك ولولا انت ما كنت شيا حتى اعبدك فاسئلك اللهم بجودك فى هذا الشهر الحرام بما تحب لاهل محبتك الذين قد ابدعتهم لامرك و اخترعتهم لطاعتك و اصطفيتهم لمحبتك

ص ١٣٨

و اجتبتهم لمعرفةك و جعلتهم فى كلّ شان مقام عزّتك و مظهر قدرتك لثلايفوت من شىء شىء عن مقام اجابتك و شهد كلّ شىء من خلق كلّ شىء آيات عظمتك حتى لا يحجب عن احد ظهور تجليّك فى شان و يراک ظاهرا موجودا فى كلّ شأن لا اله الا انت العزيز الحكيم و اشهد لديك فى ذلك المقام بما تنزل

ص ١٣٩

فى القرآن من احكام ربوبيتك و آيات قدرتك و ما انت تدع من بعد فى شأن اهل ولايتك الذين قد جعلتهم اركان توحيدك و آيات تقديسك كما انت تعلم لاسواك و كما انت تحب لا دونك انك انت العلى الجواد يا الهى فكيف اعترف بما اكتسبت نفسى لديك فى احكام محبتك و آيات

ص ١٤٠

معرفةك بعد ما لا اعلم شىء منها كما انت تعلم جريرتها فان عملت خيرا لا ريب انه خطأ لنسبته الى نفسى و ان عملت شرا فآه آه بعد حكم كتابك و نهى اهل ولايتك اجترت عليك فسبحانك يا ذا العفو و الرحمة ان تحكم لى بما كنت اهله لم يبق شىء الا ويهلك فى الحين فسبحانك

ص ١٤١

سبحانك فمن يوم الذى خلقتنى الى الان قد تجليت لى فى كل اقل من لمحة ما قد احاط علمك بظهور تجليك مثل يوم الذى لم اك شيئا و الى دوام نفسك قد ايقنت بذلك الفضل منك و هذه كلمة لا يشابهها شىء و لا يعادلها فضل فلما نزلت تلك الظهور احتجبت عن وجهك بما قد اشرت اليها فآه آه كل الان قد

ص ١٤٢

نزل من عندك كل خير قد احاط علمك الى كل شى و لا يستشعر به احد الا الذين قد اردت الحكم لهم و لا يعمل بحكمه نفس الا الذين قد نزلت الامر فى شانهم بل من سوء حالى و جريرات اعمالى لما نزل الامر فى نفسى فمنك خير و فضل ولكن غير بسؤ مقامى حتى ارتفع الحكم منه و يجرح الحكم بمثل نفسى فآه آه اى ذنب اعظم

ص ١٤٣

منه و اى خطاء اكبر عنه فلم ادركيف يسكن القلب لديك و ان سكونها ذنب لا يساويها ذنب فى الهى كل الطرق غير اذنك مردودة و كل السبل بغير رضاك مسدودة ان استشفعت بالخلق فقد كنت مشركا و ان التجأت بدونك فقد كنت هالكا فآه آه ما لى السبيل و لا اجد المقام للدليل و انك يا الهى رب

ص ١٤٤

جليل غنى الذى لا يتعاطمك شىء فى السموات و لا فى الارض و اذك على كل شىء قد يرفيا الهى لما كان فى مقالتي اجتراح عظيم لا يستقر فوادى الا ارتكبت باجتراح اعظم و كلمه اكبر فمن قبل الذكر يا ذى الجود عفوك و من قبل البيان يا ذى العفو سترك فانك عذابى يا الهى فى منتهى املى و ما هى الا فتنتك فلولم يكن خوفى

ص ١٤٥

عن بعد قريبك فمن يقدر ان يحزننى ويبكىنى تلقاء وجهك فسبحانك انت النار يا الهى
بسرى وعلانيتى فلولا خوفى عن حجاب وجهك لعظمة نفسك فمن يقدر ان يحول بينى
وبينك فكل الشدائد يا الهى منك فلولا انت لم تريد فلم يقدر ان يذلنى عن بعد حلمك
فسبحانك سبحانك اقول ولاخاف من احد الا منك لك وحدك لا شريك لك
ص١٤٦

فكل ما شهدت بموارد الخوف لم ار الا من عينك فآه آه ان مقالتي هذا تشهد مقاله عبدة
الاوثان لان من العبد لم يجرى مثل تلك الحكم ولكتك يا الهى تعلم سرى وعلانيتى
لما قد طلاطم ابحر الحزن و الفراق بين يديك يرشح محبتك قد خرج من يدى حبل
سكينة نفسى وبذلك يا الهى تغرق فى الماء وتخرج ثم تغرق
ص١٤٧

فى الماء وتنطق ثم تغرق فى الماء وتعزك فانت يا الهى منتهى مطلبى وقرارى وانك يا
الهى نعمتى ورجائى وانك يا مولائى منتهى مقصدى ومناى واشهد ان كل ذلك سيئة
منى لايعرف احد حدها الا انت وحدك لا شريك لك وان قولى انت انت ذنب على
ذنب وان مقالتي نسبة النار اليك ذنب اعظم من الذنب ولكن
ص١٤٨

كلتيهما لديك مردودة بمثل نفسى وراجعة حكمها الى سرى وان لديك النور كالظلمة و
ان كلمة النار مثل القرار وحكم الاقبال مثل الادبار لمشهود ولو كان اهل المحبه من
اجترحاتى بين يديك يتلذذون اكثر من مقالات عدلى اليك ولكن الحكم لما كان منك
لن يتخلف و ان الامر لما كان من حلمك على قدر المعلوم ينزل لن يتبدل فآه آه
ص١٤٩

من كل ما قلت و احصيت و من كل ما يظهر منى ما قد احاط علمك فمن كل ذلك
استغفرک و اهرب منك و اتوب اليك انک انت الجواد الکریم اللهم انى اسئلك فى
هذا اليوم من الشهر الحرام ان تلاحظنى بنظره عزتك و تنادينى ببناء عظمتك حتى ادخل
بحر محبتك و اعمل بين يديك ببناء سرک جهرا كما تحب و ترضى و امددنى يا الهى
فى هذه الساعة بالانقطاع

ص ١٥٠

اليك حتى يمحو كل شى عنى و تستقر نفسى تلقاء وحدانيتك من غير اشارة الى غيرك
انك قدير عظيم و اسئلك اللهم يا الهى ان تصلى بما انت اهله و تسلم بما انت تستحق
به على محمد و آله و اهل طاعتهم انك حميد مجيد و اسئلك اللهم يا الهى ان تكتب
لابوى و لمن اتبع آياتك بالعدل كل الخير ما احاط علمك و العصمة من كل سوء ما
يحصى كتابك انك انت الله لا

ص ١٥١

اله لا اله الا انت لا يتعاضمك شى و انت على كل شى محيط و عن العالمين غنى حميد
فسبحانك يا الهى لا حول و لا قوة الا بك استغفرک و اتوجه بك بما نزل فى القرآن لاهل
محبتك بان آخذ دعويهم كلمة الحق من عندك ان الحمد لله رب العالمين

دعاء فى فنوت صلاة العيد

بسم الله الرحمن الرحيم

يا الهى ان لك الجلال و البهاء

ص ١٥٢

ومنك قد نزل كلمة العظمة والسناء لا اله الا انت اشهدك بما تشهد لنفسك قبل كل شى
لا اله الا انت و اشهد لمحمد كما قد شئت لنفسه و خلقت الخلق لحكمه لا اله الا انت و
اشهد لاصياء محمد حبيبك كلمة العدل من نفسك لا اله الا انت و اشهد لكل حق قد
آمن بهم و بسرهم ما قد احاط علمك كلمة العفو من نفسك لا اله الا

ص ١٥٣

انت وحدك لا شريك لك اللهم ان يومك و المقام مقامك و اتى اقل ذرة من عبيدك
سائل ببابك و لائد بجنابك فاكتب لى بجدك كل الخير ما تحب لنفسك و اغفر لى و
لابوى و لاهل محبتك ما انت اهله و مستحقه انك اذا اردت بشى فقبل ان تقول له كن
لديك لموجود فسبحانك اللهم و بحمدك اعترفت بحقك ان لا اله الا انت و لا اذكر
لديك الا بما

ص ١٥٤

تصف لى نفسك و انك على كل شى شهيد و بما تشاء كما تشاء قدير و الحمد لله رب
العالمين.

دعاى اول تا دهم ذى الحجة

الدعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله أنه لا اله الا هو لن يحيط بعلمه الا هي سبحانه وتعالى عما يصفون اللهم انّ
الشهر شهرك والايام ايامك اسئلك بمن قد اظهرت حكمه في هذا الشهر وجعلت فضله
ص ١٥٥

لذكر شانه ان تسلّم على على امير المؤمنين وليك القائم بامرک و المنتجب لسرک الّذی
قد اقمته مقام حبيبک فی کلّ شان و خلقت الخلق لیومه فی هذا الشّهر المکرّم كما انت
اهله انک انت الله لا اله الا انت من دون عدّة و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون ذکر
مجده و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون هندسة بدیعة و أنّک انت

ص ١٥٦

الله لا اله الا انت من دون اسم قديمة و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون نعت متشابه
و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون وصف مخترعة و أنّک انت الله لا اله الا انت من
دون آية مبتدعة و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون مثال محدثه و انک انت الله لا اله
الا انت من دون شبه فی الذّکر یحبّه و انک انت الله لا اله الا انت

ص ١٥٧

من دون امر یحدّه و أنّک انت الله لا اله الا انت من دون شأن یقدّره سواک لا اله الا انت
اسئلك ان تصلّی علی محمّد رسولک خاتم النبیین بافضل ما قد احاط علمک و یحصی
کتابک و علی ائمة العدل بمثل ما قدرت له انک ولیّ حمید اشهد لدیك بانّ اسمائهم
قد اشتقت من اسماء نفسک و أنّهم علی و فاطمة و الحسن و الحسين و علی و محمّد و
جعفر

ص ١٥٨

و موسی و علی و محمّد و علی و الحسن و الخلف المنتظر صلواة الله علیهم محالّ محبتک
و اركان توحیدک و آیات عظمتک و علامات عزّتک الّذین بهم کلّ الخلق فی کلّ شان

ليعدلون واسئلك اللهم بجودك ان تنزل على شيعتهم ما كتبت من جودك لنفسك انك
انت الله لا اله الا انت العزيز القديم. انتهى

جهت استفاده قارئین گرامی متن کامل صحیفه بین الحرمین با توجه به نسخ

دیگر ضمیمه این مجموعه گردید

صحیفه بین الحرمین

بسم الله الرحمن الرحيم

إنّ هذا كتاب قد نزل علي الأرض المقدّسة بين الحرمین من لدن عليّ حمید ثمّ قد فصلت عن يد الذّکر هذا صراط الله في السّموات والأرض علي دعاء السّائل الحاج سيّد عليّ الكرمانی في سبع آیات محکّمات بإذن الله علي قسطاس مبين ليعلم المؤمنون كلمة العلیا في سبع من المثاني والقرآن العظيم بإذن ربّك علي ورقات تلك الصّحيفة في هذا المشهد الکریم حتّي قد شهد الناظرون ألي تلك الآيات النّازلة من شجرة السّیناء حجّة الله البالغة علي أهل النّشأتین ليدخل الكلّ في باب الطّنجین علي بيّنة محكمة من عند الله لعلي الحقّ المبين ليهلك الهالكون بحکم ربّك من هذا الماء الطّاهر في هذين النهرین و لينجي النّاجون من كلمة الكتاب علي شرب هذا الماء الكافور من هذين النهرین هذا عذب فرات سائغ للشّارين وهذا ملح أجاج نعمة الله علي المشرکین ليقن كلّ الخلق في حکم هذه الصّحيفة المسطّرة بين الحرمین كلمة اليقين من عند الله علي ألواح مبين ألا يا اهل المقامين أن اشهدوا بين يديّ الله في حکم تلك الكلمة العظيمة فأيّ الحزبين أحقّ بالأمن إن كنتم في دين الله صادقين ألا يا أهل السّموات والأرض أن اسمعوا حکم بقیة الله و اسئلوا من سبل الحقّ من ذکر اسم ربّکم هذا الفتی العربيّ ما شئتم من حکم الحرمین و الكلمة العمائین و الخطّ القائم بين العالمین فإنّ الرّوح يؤیّده في كلّ حين بإذن الله و الله قويّ عزيز أن اعلموا يا أيّها الملأ حکم الله من لديّ فإنّ ابن رسول الله هذا اعلم بعلم التّوحيد و كلّ الصّفات من سبل الحدّ و السّبحات أن اتّقوا الله فيما تشاؤون فإنّ الله يعلم غيب

السّموات والأرض وما كان النّاس من ذكر الله ليسئلون أن اتّقوا الله يا أولي الأبواب إن كنتم
 إيّاه تعبدون وما من غائبة في السّموات والأرض إلّا وقد أحصيناه في كتاب حفيظ قل
 كفي بالله ومن عنده علم الكتاب علي ذكر إسم الله شهيدا لا يعلم تأويل ما نزل إليك في
 ذلك الكتاب إلّا الله ومن شاء الله إنّه لا إله إلّا هو وهو علي كلّ شيء قدير يا أيّها الملائة أن
 اتّقوا الله ولا تجادلوا في آيات الكتاب بغير علم من لدنّا ولا كتاب حفيظ قل ءأنّ الله أذن
 لكم أن تفتروا عليّ بغير حكم من القرآن فاسئلوا من أهل الذّكر تأويل الآيات إن كنتم
 لاتعلمون إنّ الذين يفترون علي ذكر إسم الله فأولئك هم الظّالمون قل وما أجبت دعائك
 إلّا من كلمة الفضل علي سبيل ربّك في الحكمة أن اتق الله يعلمك ما لاتحيط به علما ثمّ
 افعل الخير علي هذا الصّراط القيم لكنت في حكم الكتاب مسطورا إنّ الذين يجادلون
 في آياتنا بغير علم القرآن فأولئك هم الكاذبون وإنّ الذين يفترون علي كلمة الله كذبا فقد
 حقّت عليهم كلمة العذاب وإنّ مأويهم النّار وما لهم في يوم القيمة من وليّ ولا نصير وما
 ننزل عليهم من لديك آية إلّا وهي في حكم الكتاب أكبر من أختها كذلك قد فصلّ الله
 آياته لعلّ النّاس بلقاء الله ليؤمنون وما وجدنا أكثر النّاس مؤمنين بالله إلّا وهم بآيات الله
 ليسخرون فسوف يهدي الله الذين آمنوا بآياتنا ويثبتهم علي صراط مستقيم ذلك من أنباء
 الغيب نوحيك لعلّ النّاس بآيات الله ليؤمنون.

الباب الاول فى الآيه الاولى

بسم الله الرحمن الرحيم

أحمد لله الذي قد توحد بالعرّة و تفرّد بالعظمة و تقدّس بالكبرياء و تعظّم بالثناء لا إله إلا هو العزيز المتعال اللهم أشهدك في مقامي هذا علي تلك الأرض المقدّسة بين حرمك بيت الحرام و حرم حبيبك محمّد رسول الله صلواتك عليه وآله كما تحبّ لنفسك إنّك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك و انك أنت العليّ الكبير و أشهد لأهل محبّتك كما تحبّ عند مطلع ذكرهم لدي تلقاء وجهك و أنت علي كل شى شهيد و أشهد في هذه الليلة أوّل ليلة من الشهر الحرام شهر الله الذي قد قتل فيه التّسيح و التّحميد و أحرف التّهليل و التّكبير بقتل حجّتك ابن حجّتك أبي عبد الله الحسين و أوّل ساعة من السنّة الجديدة سنة إحدى و ستين بعد المائتين و الألف من الهجرة المقدّسة بما قد أحاط علمك لأهل الابداع و ما تحبّ منهم إنّك أنت العزيز الحكيم.

اللهم إنّك تعلم ما نزلت بإذنك علي أهل محبّتك آيات الكتاب و ما يؤمن بها إلا الذين قد وفوا بعهدك و خافوا من عدلك و كذب المشركون من حيث لا يعلمون و إنّ هؤلاء قد زعموا بأنّ بعد الردّ قد بقي لهم حكم من الكتاب فتعالى الله عمّا يصفون.

فسبحانك اللهم يا إلهي إنّك تعلم مقامهم من الذين يستحقّون من حكمك فاحكم بيني و بينهم بالقسط فإنّك أنت الله لا إله إلا أنت عادل في الحكم و غني في الذات ليس كمثلك شيء و إنّك أنت الكبير المتعال فيا إلهي انك تعلم مقامي في هذه الليلة التي قد تقمّص كلّ الموجودات قميص الحزن لمطلع القمر في هذا الشهر الحرام علي ذكر قتل ابن وليّك و لقد سئل عبد من عبادك من آيات من لدن نفس و من آيات من عند نفسه بعد ما قد رأى آيات كتابك و كذب (بالاتباع) باتّباع الهوي ما لا يحيط به علمه و إنّك علي كل شى

عليم فأجبنني يا إلهي وألهمني ذكرك فإنك أنت الغفور الودود فأجبت أمرك يا إلهي بما قد علمتني في كلمة البدع ليعلم المؤمنون في حكم آيات إجابتك كلمة فرقان: «و الله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ» وليشهد الموحدون في آيات عبدك كلمة الكتاب: «وكل شئ أحصيناه في إمام مبین» حتى قد دخل المؤمنون في باب بيتك الحرام بحكم ما قد نزلت في القرآن من قبل أن: «ادخلوا الباب سجدا و قولوا حطة نغفر لكم خطاياكم و سنزيد المحسنين» فسبحان الذي قد بين آيات ذكره في حقايق كل شئ لئلا تبعد نفسي عند مطلع ذكره بشيء و الله قوي عزيز ولقد قالوا أهل الفرقان عند نزول كتابه بما قال المشركون من قبل و ما أجد لسنة الله في بعض من الشئء تحويلا ولن يجد الناس في بعض من القول تبديلا.

اللهم إني أشهدك بما قلت في المسجد الحرام عند الكعبة بيتك الحرام علي السائل تلك الآيات الاولى بما قد نزلت علي حبيبك محمد في القرآن من قبل و إن حاجوك: «فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءكم و نسائنا و نساءكم و أنفسنا و أنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علي الكاذبين» فبحقك الذي لا إله إلا أنت لم يقبل من عبدك و كفي بالله علي شهيدا.

فيا أيها السائل المحيط ألم أقل لك في المسجد الحرام تلقاء الكعبة من شطر {الركن} الغربي علي محللك مقدم المنبر في ليلة النصف من الشهر الحرام شهر الحج بعد ما قد مضت من أول الليل {ثلاث} ساعات اقبل دعائي و قم تباهل معي لدي الركن عند حجر الأسود علي شأن الذي كنت من (عن) قبل أهل الأرض أجمعهم منكرا لعهدى حتى يحكم الله بيننا بالحق و الله علي ما أقول خبير ثم ألم أقل لك مرة أخرى تلك الكلمة في المسجد الحرام بين المنبر و المقام تلقاء وجه الكعبة و الله علي ما أقول وكيل ثم ألم أقل لك في بيت مكة مقعد الصدق تلك الكلمة ثلاث كرات و إنك لم تشعر بأمر الله و الله علي ما أقول شهيد و كفي بنفسك اليوم علي ما نزلنا عليك في ذلك الكتاب شهيدا فما لك حج من

دون حكم البيت وما المشعر وما المنى وما العرفات وما الضحى وما الطواف وما السعي بين الصفا والمروة وما الحل في الحرام وما الحكم في التوبين بيض من حكم الكتاب إلا بإذن الله والله عزيز حكيم تلك الآيات أمثال في كتاب ربك لتعلم حكم الله بالحق و لتكونن من الفائزين فبالأيام الذي كنت في البيت معك ما أردت إلا حكم ربك ولن تجد في أيامك من دون ذكر اسم ربك حبيبا لنفسك أقبل إليّ بمثل {ما} قد جاء السابقون بالحق ولا تخف فإن الله لا يبطل أجر المحسنين أبدا و اتل علي نفسك من مسألة الأولي «من كتاب ربك لا مبدل» لحكمه «ولن تجد من دونه ملتحدا» « و نزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين إلا خسارا» أن استمع بما ذا ألقى إليك من عند ربك الله العزيز الحكيم وإنه لا إله إلا هو قد فصل أحكام كلمة في كتاب من قبل بلسان عربي مبين ليعلم الناس أن الله قد نزل آيات حجته بلسان عبده في كل حين بدعا علي الشأن في حكمه وإن الناس لا يقدرن بآية من مثلها ولو كان الكل علي الأمر ظهيرا.

فيا أيها السائل الجليل فانظر بعين اليقين ودع عن نفسك سبل التدقيق فان الاشارات يحجبك عن الوصول الى علم اليقين وإن كلمة ربك ما يدعو الناس إلي حكم نفسه بل قد دعي الكل إلي ما دعي النبيون والمرسلون من قبله: «ألا تعبدوا إلا الله» وحده خالصا علي الدين القيم هذا إن كنتم إياه تعبدون أفزعمت أنك لو تعرض من حكم ربك يبقي لك عمل من الحقيقة فسبحان الله ربك إن كلمة التوحيد ما تمت إلا بهذا الأمر لأن الله ربك ما خلقك إلا لهذا لو تعلم علم اليقين لتري الشرك في آيه حقيقتك كالحق اليقين ثم لترونها في الأرض الحد كالعين اليقين فاشهد بحكم الله فيما ألقى إليك في ذلك الكتاب فإن عبد الله ما يدعو الناس إلي سبيل ربك إلا بالحكمة وإن حجة الله في يدي حرف من تلك الآيات يكفي أهل السموات والأرض وما علمني الله إلا ما شاء وما يظهر من عند ذكره شيء يمكن فيه كلمة الشيطان وإذا شاء الله يبين من لدي ذكره ما قدره له في الكتاب

أفتعلم حجة في عالم الامكان أكبر مما نزل الروح علي قلبي من اذن بقية الله بعد ما قد نزل في الكتاب كلمة العجز عن الاتيان بآية من مثلها علي أهل السموات و الأرض فما لهؤلاء القوم لا يشعرون بآيات الله إلا قليلا أغير الأبواب قد بينوا آيات سبيلهم إلي الله إلا بالعلم من حكم القرآن أن اتقوا الله يا أولي الأبواب لعلكم تفلحون.

فيا أيها الحبيب سل ما شئت من سبل الثواب فإن للذكر علي الناس كلمة السؤال من حكمه وما عليّ الفرض كلمة الجواب لحكم آل الله سلام الله عليهم في الكتاب وكفي بالله عليّ في كل شأن شهيدا وإن الله لو شاء ليظهر من عند عبده كما شاء بما شاء وما شئت في شيء ألا بما قد شاء الله ربك من قبل إنه لا إله إلا هو علي كل شئ قدير وإن كلمة المشركين بأن الآيات ما كانت حجة علي الكل فقد افتروا علي الله وكذبوا حكم الله في كتابه لأن الله قد نزل في الكتاب كلمة العدل علي الكل ولكن الناس لا يعلمون فهل تري في آيات الله من تفاوت فارجع البصر هل تري من فطور ثم ارجع البصر هل تري من حكم مستور ثم ارجع البصر كرات من اذن مستمر ففي كل رجع ينقلب البصر إليك خاسئا والله عليم خبير وإن الله قد نزل الآيات لقوم يعقلون وما يتذكر بآياتنا من حكم ربك إلا {أولوا} الأبواب وإن أكثر الناس أضلّ من أنعام علي حكم القرآن ولكن أكثر الناس لا يشعرون فما لهؤلاء القوم لا يؤمنون بآيات الله قليلا وإن هؤلاء الناس في حكم القرآن أنعام بل هم لدى أضلّ سبيلا وإن قولك في الأمثال بأن بعضا من الناس ليقدر أن يأتوا بأحرف من مثل الآيات فسبحان الله عما يشركون قل فأتوا بعشر سور مفتريات من آيات محكمات إن كنتم في دين الله صادقين وإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فآمنوا بالله وآياته وإن تكفروا بآيات الله فإن الله لغني عن العالمين جميعا. وإن الذين يدعون من دون الله أهوائهم المؤتفكة لن يقرءوا من كتاب ربك حرفا وكذبوا في آيات ربك بما لا يحيطوا به علما فسوف ينسخ الله ما يلقي الشيطان في أنفسهم ويثبت آياته في قلوب الخاشعين ويديهم إلي صراط مستقيم وإن كلمة سرّك

بأن الآيات لا تثبت قلبي علي الصراط أن استغفر الله ربك و اتل علي نفسك كلمة القرآن و
«جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا» و إن الله ربك لو شاء لهدي
الناس جميعا ولكن الله لا يعذب قوما إلا بعد أن يبعث فيهم نفسا من أنفسهم ليزكيهم بآيات
الله و ليعلمهم الكتاب و الحكمة و إن كانوا من قبل لفي شرك مريب و ما كان عند ذكر اسم
ربك حجه الا و هي قد كانت من لدنا اكبر من اختها كذلك قد بين الله آياته لعل الناس
يلقاء الله ليؤمنون أن اتق الله فإن «زلزلة الساعة شيء عظيم» ما يؤمن عبد بذكر اسم ربك إلا
و قد وضع كل حمل قد اكتسب في غير وجهه و كان الله ربك علي ما أقول شهيدا و إن الله
قد فصل الآيات في ذلك الكتاب ولكن الناس لا يؤمنون بآيات الله إلا من السابقين قليلا
هذا بلاغ من ذكر الله فمن شاء اتخذ إلي الله سبيلا إن اتبعت حكم الله فلنفسك و إن
أعرضت فعليها و ما كان الله ربك بظلام للعبيد و إن كلمة القائل ما استقر النفس بالآيات
أتل عليه كتاب ربك علي حكم الذي قرئت عليك في المسجد الحرام من قبل أن احضر
في حرم الحسين و ادع الله ربك خالق كل شئ الذي لا إله إلا هو لينزل العذاب علي الذين
يفترون علي الله بالكذب و يجادلون في آياته بغير علم و لا كتاب حفيظ و إن لم تفعل ما
نتلو عليك في تلك الورقة أن اتق الله من نار الله «الموقدة التي تطلع بحكم ربك علي
الأفئدة» فإذا جاء أجل الله لن تستطيع بحكمه و إن وعد الله قد كان في أم الكتاب مقضيا
و لقد نزل في القرآن حكم عباد الله الذين لا يسلّمون الحكم من عند أوليائه بعد الحجّة
الواضحة «لكم دينكم و لي دين» ما كنت مفتريا علي الحقّ و ما كنت بدعا من الأبواب و
ما كنت عن العالمين بعيدا فرب البيت لن تجد المفرو و إن إليّ المستقرّ علي سرّ مسترّ من
علم الله في الحكم القدر أوصيك من إذن الله أن لاتقم علي الصراط خمسين ألف سنة
مستتر فإنك قد تراه بعيدا و آتي قد أراه قريبا أن اتق الله و ارحم نفسك و ادخل بإذن الله في
مدينة ربك و قل حطة علي سبيل ما علم علي عبده كميل بن زياد النخعي علي صراط قويم

أن اكشف من هذا الباب سبحات الدلائل من غير إشارة قد نزل من الفؤاد قريبا وإن أردت
الإشارة فقد حرّم عليك لقائه وكنت عند الله في أرض الحدّ مكتوبا هذا ما نزل إليك من
كتاب ربك ممّا قد سئلته من عبده فخذ ما نزلنا باذنه إليك وكن من السّاجدين.

الباب الثاني في الآية الثانية

وأما حكم ما قد قرء السائل من لسانك من سبيل التثليث والتربيع وما يخرج بإذن ربك من حكم الطلسمات علي صراط قويم أن اعلم باليقين ثم اعرف كعلم اليقين ثم اشهد كعين اليقين حكم ربك في كتاب مبين إن كانت نظرتك في وجه المشية منفي عنك الحدين في علم الطلسمين وما دلت هي إلا بالابداع وما تحاكت في سبل سرها إلي الله إلا بالاختراع وقد قطع البالغين في ذروة الانقطاع بالاشارة إليها ويهلك الله العارفين في عز الامتناع بالتوجه إلي دونها وإن ذلك حكم الله للمؤمنين الذين قد جعلهم الله أهل جنة الفردوس بالعدل علي قسطاس مبين وما يعرف ما أشرف بالتصريح في كلمة التبليغ إلا عباد الله الذين قد كتب الله لهم اللقاء في كل شأن من الخلق ألم ترفي وقتك هذا وما هو عبد الله يفصل عليك آياته لعل الناس بقاء الله ليؤمنون وإن كانت نظرتك في وجه جنة السادس فاقطع بحكم ربك من بين الطلسمين شكل التثليث و هيكل التربيع ولاتك كصاحب الحوت في بحر عميق واعلم بأن الله قد حرم للسالكين في جو هذا الهواء ذكرا من دون ذكر النار في شأن من شؤوناتهم وأنه لا إله إلا هو العزيز الحكيم أن املاً بيوت الطلسمات من أسماء ربك ما شئت ولا تشهد فيها إلا ما وحده يضيء الحروف باذن ربك من كل الجهات ويقرن بين المتضادات في كلمة الدلالات ويفرق بين المتجانسات في حرف العلامات ويظهر من فوائد الحروف في عالم السباحات ما لا يحيط به علم من أهل الكتاب ذلك حكم الله للمؤمنين الذين قد جعلهم الله في عرش الارادة فاستشعر أمر الله إن كنت من الصادقين وإن كنت من أهل طمطم المواجه في بحبوحة عز الابتهاج أن اعرف حكم التثليث من نفسك ولا تنظر بما قد أخذت النصاري من هذا الشكل هيكل الصليب وحل الآهوت في الناسوت فسبحان الله وتعالى ربك عما يصف المشبهون علوا كبيرا إقرء كتاب

ربك هذا لا عدل إلا في حكمه والله سميع عليم أن اعرف باليقين أن الله سبحانه قد خلق تلك اللجة وما فيها من نار ظاهرها ماء و باطنها هواء و من ماء ظاهرها نار و باطنها نار، نار في نار علي نار و من هواء لايمسه حر النار و لارشحا من الماء كذلك يضرب الله الأمثال في الكتاب لعل الناس بآيات الله ليوقنوا و لذا قد خرجت الكثرات في عالم النهايات و ما ورائها إلي ما لانهايات بإذن ربك من تلك اللجة و إن فيها موارد لايقطع منزل السالك إلا بالورود عليها و لقد خلق الله تلك الموارد أدق شعرا عن الشعر و أشد حرا عن النار و لا يستطيع أحد بالمشي عليه إلا بما ذا ألقى إليك بإذن الله فخذ ما آتيتك و كن من الشاكرين ثم اطرح سبل الأعداد في بيوت الطلسمات ناظرا بوجه ربك علي نور الفؤاد في كل حرف منها غير مشعر بذكر الكثرة فإذا نظرت إليها صعب الصعود و ربما انفك الحبل إلي قعر النار هنالك ما لك من محيص و إن أنجاءك الله ربك بفضلته فقد عقد الحبل في تحت قدميك و إن تلك العقد علي ذلك الحبل الرقيق يبعدك في الصعود ما لا يحيط به علم الحدود فاتكل علي الله في علم الطلسمات بأن لا تحجبك الشئون عن الدلالات و إنك لو خرجت من حكم تلك اللجة ما أريد عليك بتلك الآيات و أنذرك بما قد قال الامام روجي فداه في جواب السائل: "بينك أنت أنت و ما كنت أنت أنت إنه هو هو" ذلك حكم الله لأهل تلك اللجة و من يتعد حدود الله لن يجد في القيمة ربه عهدا و إن كنت من المؤمنين الذين قد جعلهم الله في حكم جنة الرابع كلمة القضاء ان انظر بالبداة **المطوف في** حول كلمه القضاء و املا قوايم الطلسمات علي ترتيب هبوط الآيات علي تلك الألواح البيضاء و اعلم بأن الله سبحانه ما خلق حول تلك الجنة حظيرة للناس و هي قطب الصفات في عالم الأسماء فإذا قضى الله أمرا ليمضي حكمه و لا مردّ لأمره ذلك تقدير محتوم من لدن علي حكيم و إن كنت من أهل جنة الاذن و ما خلق من ورائها فخذ حظك ممّا ينزل الآن عليك في تلك الورقة من نصيب الكتاب و احمد الله مولاك القديم و كن من الشاكرين و إن كلمة ربك ما

ينزل في الكتاب حرفاً إلا بإذنه والله سميع عليم وإنّ الذين يؤمنون بآيات الله يعرفون بعضاً من القول مما نزلنا إليك في ذلك الكتاب والله ذو فضل عظيم وإن الذين لا يؤمنون بالآخره لم يعرفوا مما نزلنا إليك الآن حكم حرف بديع وإنّ ذلك بما قدّمت أيديهم في سبيل ربك وما كان الله ليظلم علي نفس من بعض خردل وكفي بالله للنّاظرين حسيباً أن اعرف حكم ربك فيما ذا يلقي إليك من كتاب كريم واعلم بأنّ النّقطة لما قد سيرت في العلوم تحيي سبل الحقّ في طرق المعلوم وأنا ذا أذكر رشحا من حكمها ليعلم الكلّ حكم الله في كلّ حرف بديع وهو أنّ الله سبحانه قد خلق كلّ الأشياء علي هيكل مراتب فعله كما قد صرّح السنة آل الله سلام الله عليهم بها في كل كلماتهم بأن: "لا يكون شيء في الأرض ولا في السماء إلا بسبعة بمشيئة وإرادة وقدر وقضاء وإذن وأجل وكتاب" ولا شكّ بأنّ المفعول لا يوجد إلا علي هيكل الفعل ومراتبه وإنّ سبل الحقايق والصفّات في كلّ عالم ليحكى من تلك السبعة وإنّ كلمة التّثليث قد كانت في حكم الكتاب من سرّ الكاف في كلّ الأمور لو قدر نفس علي شكل التّثليث بما قد حكّت كلّ الجهات من إسمه فقد فاز بالطلسم الأكبر ويرى من فيض ربّه ما قد شاء مولاه لعبدّه إنّّه علي كل شىّ قدير وإنّ طلسم التّربيع قد حكّت عن كلمة التّحميد وفيها قد وضع الله من الفضل ما قد شاء لمحمّد رسول الله صلّي الله عليه وآله لأنّها في الحقيقة علي تلك المقام ذكر من حبيبه ولا تدلّ كلمة التّثليث إلا عن وليّه ولا شكل التّربيع إلا عن حبيبه وإنّ الاقترانات في كلّ المراتب قد فصلت بظهور اقترانهما ويحكم الله لكلّ مسألة في سرّ الواقع علي شكل قبولها وفي هيكل الظاهر بما قد جري من السنة أوليائه فيما يشهدون في سلسلة الحدود بما يرى رجال الأفتدة من نور ربّهم وبما يعلم بعض من الاتقياء من حكم الله في عالم التّقارب والتّباعد وما كان لأمر الله في بعض من الحرف تحويلاً وإنّ تلك الآيات بيّنات من عند ذكر إسم ربك أن

لا تظنّ في آيات ربّك بعضا من الاثم ولتكوننّ من الموقنين وما اليوم ظلم عدل ذرّة وما
كان الحكم في كلّ شأن إلا لله العليّ لمكتوب وكفي بنفسك اليوم فيما نزلنا عليك شهيدا.

الباب الثالث في الآية الثالثة

أن اتبع حكم ما نزل إليك ذا فيما سئلت من كلمة ربك و اعبد الله ربك علي هذا الصراط لتكونن من المفلحين و أما {دعائك} من طرق النجوم و ما قد جعل الله مثل ذلك في سبل المعلوم أن اعرف أمر الله بلسان عربي فصيح و هو أن الله سبحانه قد تجلي لكل شى بعز سلطنته فإذا أراد الله أن يظهره ليخشع كل لدي جنابه لأنه نور لا يحكي إلا عن مولاك القديم فقد ظهر في هذا النجم ليستشعر الموحدون سر التقديم (القديم) و ليدخلن الباب بيت القديم و لينزهن مولاهم الحق من كلمه التعليم و ليشهدن حكم ما قد فعلوا آل الله و شيعتهم و ما نزل في آيات القرآن من لدن عزيز حكيم و ما نزل في الكتاب كلمة الرحمن: «و فديناه بذبح عظيم» و في ذكر ربك {عصا} السحرة من موسى: «أقبل و لاتخف فإنك من الآمنين» و ما قد فعلوا آل الله سلام الله عليهم بالحق مثل حكم الرضا لصورة الأسد و ذكر الصادق لأنصار الحسين: "بأبي أنتم و أمي" ذلك حكم الله في صراط قويم و أما فعل شيعتهم مثل ما فعل الخضر لموسي عليه السلام و ما أخبرت النملة سليمان كل ذلك يحيي عند ربك بهذا الماء و إن ذلك تقدير محتوم من لدن عزيز حميد ذلك سر واقعي لما سئل من أخذ الفيض في سبل النجوم لما قد شهد بالعيان أهل الأفتدة من (عن) سر البيان و لا يحيط بعلم ربك إلا ما شاء إنه لا إله إلا هو قد كان علي ما يشاء قديرا و إن تريد الجواب من سبل الحدود لأهل السبحات ما أحب الاشارة إليها ولكن الله ربك لما قد أراد أن ينزل ماء الظهور علي تلك الأرواح المستنيرة نشير بإذن الله إلي بعض الشئون مما قد أبدع الرحمن بديعا (من عين) ماء الكافور و هو أن النجم الزحل قد أجاب أمر ربه قبل الشمس و بعد لاشك أن الشمس أشرف منه في القرب بالبدء فأيقن بحكم ربك أن نجم الزحل نجم الذي قد رضي بشهادة الحسين قبل فلك جدّة محمد {صلي الله عليه وآله} و لذا قد اختاره

الله لنفسه وجعل الشمس والقمر والنجوم له ساجدا وهذا مقام لم يصل الفيض من عند
الله إلي شيء إلا من عنده ولقد صدق بهذه الكلمة من اعتقد أنه كلمة التوحيد ولا يحيط
بعلمه العباد الذين قد احتجوا بغيره وكفي بالاشارة لمن عرف مواقع الأمر وقد شهد بذكر
البلاغ (البدع) دليلا.

الباب الرابع في الآية الرابعة

ولقد كتبت نسخة في بلد مكّة وأرسلت إليك أن اكتب ما نقلني إليك فيها في ذلك الباب لتكوننّ من الفائزين.

الباب الخامس في الآية الخامسة

وَأَمَّا مَا قَدْ سئِلْتُ مِنْ لَدُنْ نَفْسِكَ عَنْ سَبِيلِ السَّلْوكِ وَالِدَعَوَاتِ الْمَدْعُوعَةِ فِي أَيَّامِ الصُّعُودِ إِلَيَّ رَبِّكَ عَلِيَّ صِرَاطِ الْمَوْحِدِينَ أَنْ اتَّبِعَ حَكْمَ مَا أَلْقَيْتَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لِتَكُونَ مِنْ الْمَفْلُحِينَ إِنْ كُنْتَ قَدْ شِئْتَ أَنْ تَسْلُكَ إِلَيَّ اللَّهُ عَلِيَّ صِرَاطِ أَهْلِ لُجَّةِ الْأَحَدِيَّةِ وَتَدْخُلَ جَنَّةَ الْأَبَدِيَّةِ فَاغْمِضْ مِنْ حَيْثُ أَلْقَيْتَ ذَا إِلَيْكَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِنَّ هَذَا صِرَاطِ عَلِيٍّ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لِمُسْتَقِيمٍ فَاشْهَدْ بِعَيْنِ الْفُؤَادِ وَخُذْ حَظُّكَ مِنْ هَذَا الْقَلَمِ الْمَدَادِ وَاعْمَلْ لِلَّهِ بِسِرِّ الْإِبْجَادِ كَأَنَّكَ لَمْ تَرَمْ دُونَ اللَّهِ عَلِيَّ هَيْكَلِ الْإِنْجَادِ وَلَا تَشِيرْ إِلَيَّ اللَّهُ فِي مَقَامِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا قَدْ وَصَفَ لِنَفْسِهِ فِي عَزِّ أَرْزَلِيَّتِهِ كَانَ اللَّهُ وَلَمْ يَكُنْ مَعَهُ شَيْءٌ الْآنَ كَمَا كَانَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ.

وَقَفْ فِي تِلْكَ اللَّجَّةِ وَاشْهَدْ لِلْحَقِّ بِالْحَقِيقَةِ الْأَحَدِيَّةِ وَاعْبُدِ اللَّهَ حَوْلَ جَمَالِهِ وَرَاءَ مَطْلَعِ خَطِّ الْبَيْضَاءِ مِنْ صَبْحِ الْأَرْزَلِ عَلِيَّ ظَهْرَهُ لَكَ بَكَ وَطَفْ حَوْلَ نِدَاءِ رَبِّكَ عَلِيَّ عَرْشِ ظَهْرِهِ لَكَ فِي مَطْلَعِ الْبِهَاءِ غَيْرِ مَحْتَجِبٍ عَنِ الْأَسْمَاءِ وَالصِّفَاتِ فَإِذَا دَخَلْتَ هَذَا الْبَسَاطِ قَدْ حَلَّلَ اللَّهُ لَكَ وَصَفَ الْإِبْجَادِ بَعْدَ مَا قَدْ حَرَّمَ عَلَيْكَ كُلَّ الْأَسْمَاءِ وَالصِّفَاتِ فَإِذَا سَلَكَتِ هَذَا الْمَسْلُكَ الْمَطَّهَرَ عَنِ الْأَشْبَاهِ وَالْأَمْثَالِ قَدْ ظَهَرَ عَلَيْكَ نُورُ الْجَلَالِ وَإِنْ عَمِلْتَ نَفْسَكَ عَمَلًا فِي تِلْكَ اللَّجَّةِ يَحْكُمُ اللَّهُ عَلَيْهَا بِحَكْمِ الْأَحَدِيَّةِ لَيْسَ كَمِثْلِهَا شَيْءٌ لِأَنَّهَا قَدْ حَكَتْ مِنْ رَبِّهِ وَلَا يَعْرِفُهُ أَحَدٌ فِي الْإِبْجَادِ دُونَ رَبِّكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ وَلِذَا قَدْ شَهِدَ اللَّهُ لِأَهْلِ الْبَيَانِ بِمَا لَا يَشْهَدُ لِأَحَدٍ سِوَاهُمْ إِذْ مَا سِوَى أَهْلِ تِلْكَ اللَّجَّةِ لَا ذَكَرَ لَهُمْ عِنْدَ رَبِّكَ فِي مَطْلَعِ الظُّهُورِ وَإِنَّ تِلْكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ يَتَذَكَّرُونَ وَإِلَّا إِنَّ كَلِمَةَ أَهْلِ تِلْكَ اللَّجَّةِ لِأَعْظَمِ عَنِ الْوَصْفِ وَالْبَيَانِ وَأَجْلِي عَنِ الْإِشَارَةِ وَالتَّبْيَانِ إِنْ قُلْتَ هُمْ كَلِمَةُ التَّوْحِيدِ فَقَدْ أَشْرَكَتَ فِي وَصْفِهِمْ كَلِمَةَ نَفْسِكَ وَإِنْ قُلْتَ لَا أَعْلَمُ مِنْهُمْ شَيْئًا فَقَدْ اِحْتَجَبْتَ

نفسك من علو ظهورهم وإن قلت سبحان الله بارئهم عما يصفون فقد أدركت في مقامك إن كنت من أهل تلك اللجة ما كتب الله لك في الایجاد وإلا استغفر الله ربك عن الاشارة إلي أهل البيان وإن من ذلك الخط البيضاء قد شهد بالعيان أهل البيان إن عمل جسم أهل تلك اللجة لم يعدل علي عمل أهل جنة السبعة و حظايرهم لأن لهم علي حكم الكتاب ظل في السجين وإن الله قد أرفع من هؤلاء العباد ظل الأشباه و ضرب الأمثال و لا يحيط بشأنهم أحد إلا الله و من زعم أن للخلق سبيل في معرفتهم فقد ضاد الله في حكمه و نازعه في سلطانه و باء بغضب من الله و مأويه جهنم و ساءت مصيرا. فإذا وقف نفس علي تلك المقام فينبغي له أن يقول في خط الزوال.

دعائه في أول الزوال

بسم الله الرحمن الرحيم

"اللهم أنت المعبود لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك قصدتك بذكر نفسي لولا أنت لم أدر ما أنت أنت الله جمال نفسك لم تزل و لا يدعي أحد معرفتك إذ ذاتيتك مقطعة الكل عن الطريق و كينونيتك مدللة بالسد الطريق و أنك يا إلهي لا تكلف نفسا إلا ما آتيتها و إنني عبدك أقل من ذر علي إحصاء علمك أشهدك بما تشهد لنفسك في عزأزليتك قبل أن يكون شيئا مذكورا و إنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك و أن ما سواك مقطوع عن محبتك بصحة الابداع و ممنوع عن معرفتك عن وجود الاختراع فكيف يمكن من له حد الحدوث معرفتك فسبحانك يا إلهي ما من نفس قد أرادك بالكينونية إلا و قد احتجبت بذكر إنشائك عن نفسه و أعرض عنه كل الممكنات بحكم عدلك فتعاليت يا إلهي عما يصف المشبهون من أهل إبداعك و قد ادعي الظالمون في آياتك علوا كبيرا و ها أنا ذا يا مولاي أعترف لديك في مقامي هذا مما تحب لنفسك من أهل لجة المحبة الذين قد

جعلتهم محال معرفتك وآيات ربوبيتك حيث ما دلّوا في شأن إلا بالعبودية لنفسك والسّدّ الطريق عن محبتك كما أنت أهله ومستحقّه إنك أنت الله لا إله إلا أنت عزّ الموحّدين و عصمة اللائذين وبهاء المؤمنين ومنتهي غاية الطّالبيين وإله العالمين ليس كمثلك شيء و إنك أنت العليّ الكبير وأشهد لديك يا إلهي لمحمّد وآله وشيعتهم كما قد شئت في عزّ الابداع في شأنهم إنك علي كل شيء قدير وبكل شيء محيط ولا حول قوّة إلا بالله العليّ العظيم"

فيا أيّها الناظر تلك الورقة المنبته من الشجرة السّيناء والنّاطقة من نقطة الثناء الله لا إله إلا هو فأيقن باليقين ثمّ أيقن بالحقّ اليقين ثمّ اشهد بالعين اليقين أنّ سبل هذا المسلك وعزّ عظيم وما جعل الله لأهل تلك اللّجّة وصفا دون نفوسهم ولاشأنا في آية إلحاقهم وإلحاقهم وإلحاقهم إذا قرءوا هذا الدّعاء لم يشهدوا في حرف منها إلا ظهور ربّك لا إله إلا هو وهم إذا نظروا إلي شيء دون الله أو رأوه قبل شيء أو مع شيء فقد خرجوا من أهل تلك اللّجّة و كتب عليهم حكم حدّ الحديدية وإنّ اليوم ما أنت تقدر علي ذلك المسلك ولا أحد من المؤمنين إلا من شاء ربّك إنّه لا إله إلا هو لقويّ عزيز وإنّهم رجال قد خلق الله وجودهم قبل طلوع صبح الأزل علي عرش القدم ولا يوصف بحكم من أهل الكتاب وإنك لو وصفتهم علي علم شيء أو إحاطة شيء فقد كذّبت قدرة ربّك إذ هم لو يقتربوا بذكر شيء ما كانوا من أهل ذلك المقام وإنّهم رجال إذا رقدوا علي التراب قد شهد الله عليهم فوق عرش الجلال من فضله وعزّ الجمال من جوده وإن زارهم أحد علي تلك الأرض قد كتب الله عليه زيارة نفسه علي العرش ذلك فضل الله عليهم ولكنّ النّاس لا يعلمون من علم الكتاب إلا حرفا قليلا فيا أيّها السائل ومن نظر إلي تلك الورقة إن عرفتم حكم ما أنزل الله لأهل تلك اللّجّة إنكم إذا من أهل العلم لتكوننّ عند الله مكتوبا وإن لم تعلموا حكم الله فيها أن اتّقوا الله واستلوا من فضله فإنّ الله قد كان علي كل شيء قديرا وما أجد اليوم أحدا

قد عرف آيات الله بالحقّ ويسلك هذا الصّراط بالعدل ولكنّ الله قد أنزل برحمته تلك الآيات علي عباده المخلصين إنّّه لا إله إلّا هو ذو فضل عظيم فيا أيّها السّالك هذا المسلك فاعلم أنّك لو سلكت علي هذا الصّراط فإنّك إذا أنت أنت في علم الله ولو نظرت في سبل السّلوكة إلي وجه دون وجهة من الرّبّ لتنزل من أعلي العرش إلي أرض البعد والشكّ وبيعدك عن الوصول إلي تلك اللّجّة خمسين ألف سنة فاتكل علي الله وامض علي هذا الصّراط ما تؤمر فسوف تجد الله ربّك توابا رحيمًا وإنّك لو تريد أن تسلك إلي ربّك للبقاء في جنة الفردوس ما كتب الله عليك الورود عليها إلّا أن تري ظهور الله ربك والفردوس راى العين وتشاهد العلم نفس المعلوم بالعلم اليقين وما نرى شيئا الا وتري ظهور الله من قبله شاهدا ودليلا وما يري أهل ذلك الصّراط ذكرا إلّا ذكر الله ولا وصفا إلّا وصفه ولا نورا إلّا نوره ولا دليلا لنفسه إلّا نفسه ويري كلمة ربّه ظاهرا في كل شى وإنّ هؤلاء لا يردون موردا إلّا وقد حكموا بحكم البداء ونظروا بعين الثناء ونطقوا من شجرة السّيناء فوق طور الثناء الله لا إله إلّا هو العزيز المتعال وإنّك لو شئت أن تحيط بسرّك علي صلوح هذه الجنة فاعمل من حكم الله لنفسه في محضره إن استدركت ما ألقيت إليك من الاكسير الأحمر علي أرض كئيب الأخضر لعلّ الله يهديك إلي صراطه رشدا أو يحدث لك بعد ذلك الحكم أمرا ولا تظنّ بأنّك قدرت لأنّ ماء هذا الصّراط أرقّ من ماء التّجريد في عروق زجاجة الأفتدة وها أنا أرشح عليك من هذا الماء لتوقن نفسك من مشاهدة هذا الماء الطهور و يوقفك علي هذا الصّراط بالحقّ اليقين إذا صليت وشهدت في حرف من أحرف قرائتك دون ظهور الرّحمانية علي العرش بوصف نفسه فقد خرجت من أهل تلك اللّجّة ويحكم الله عليك بحكم ما شاهدت من الأمرو ما ربّك بظلام علي نفس من بعض الدّرّ قظميرا فصفّ نفسك ودقّ بصرك وألق ما في عندك من الدّلالة عن دون ربّك فهل تقدر أن تتلو سورة من الكتاب علي هذا الصّراط في حكم الباب فسبحان الله ربّك عمّا يصف الظّالمون علّوا

كبيراً ولكن لا تيأس من روح الله فإنَّ الله يَمُنُّ عليّ من يشاء كما يشاء وإنَّ ربَّك قد كان عليّ كل شيء قديراً أن اجهد في سبيل ربِّك حتَّى أدركت نفسك حطَّها من حكم ربِّك فإذا خلصت نفسك وأعرضت عمّا دون الله بسرِّك وجهرك ولاحظت ظهور الله في غيبتك و حضرتك فقد صلحت ذاتيتك عليّ دخول تلك اللجّة فاتكل عليّ الله ربِّك واحمده حمداً كبيراً واعبده كأنَّ الله لم يخلق دونك خليلاً واستقم عليّ الصراط بمثل عبد ذليلاً وإقراء بعد صلوة الظهر هذه المناجات جهرة وخفية.

دعائه في المناجات بعد صلوة الظهر.

" يا إلهي أشهدك بما قد شهد نفسك لنفسك من دون شهادة أولي العلم من عبادك إذ إنَّهم لن ينالوا إلا إليّ حظّ الابداع ولن يعرفوا إلا جودك عليّ كلمة الاختراع وإنَّك يا إلهي غنيّ بذاتك عن كل شيء ولا يعرف الشيء إلا شبيّهة ولا يحكي الخلق إلا من مقام العبوديّة وإنَّ الدليل يدلّ لمن لا يدلّ بذاته وإنَّ الوصف لمن يحتاج إليّ نعمته فسبحانك يا إلهي إنَّ طرق الامتناع فقد سدّ الخلق عن النعمت لدي محضرك فأبّي الوصف قد رضيت بنسبتها إليك و هي شاهدة بتفريقها من إنشائك فسبحانك يا إلهي من علو العظمة والمجد من منتهى الحمد والعزّة ولا يحصي أحد ثنائك كما أنت عليه من القدرة والجلال وأعترف لديك بأنّ الواصفون قدرتك قد شبّهوها بأنفسهم ولذا قد اجترحوا بآياتك من حيث لا يعلمون و إنَّ الذين قد ادّعوا معرفتك فقد كذّبت الدّعوة أنفسهم وهم لا يشعرون فيا إلهي إنَّ ذكر أنفسنا لدي وجهك كلمة شرك لا يعادلها ذنب وإنَّ احتجاج أنفسنا من دون آية نفسك كلمة عدل لا يساويها حكم فاستغفرك يا إلهي من كلّ ما قد أحاط به علمك وهربت من كل شيء قد ادّعي الحكم من غير نفسك وأسئلك أن تصلّي عليّ محمّد وآل محمّد كما أنت أهلّه

و أشهدك بأنني قد اعترفت في مقامي هذا مقامهم كما تشاء لهم إنك أنت الله لا إله إلا أنت غني بلا كفو ولا مثال ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

ثم احفظ ما قد نزلت إليك في هذا الصراط فإن الله ربك ليجزي الكل بعمله ويسئل عما يفعل وهو علي كل شئ شهيد وإن أردت أن تسلك في سبيل ربك حتى قد خلصت نفسك للقاء ربك في جنة السادس أن اتبع ما أوحى إليك من كتاب ربك فإنه لهو الحق المبين و راقب كل مقاماتك ولا تغفل عن مولاك أقل مما يحصي كتاب ربك ثم اعمل في سبيل الحقيقة بما قد نزل الله في علم الشريعة واعلم بأن الطاعة لا تقبل من أحد إلا بعد الحكم بحكم ربّه وكان الله لعزیز حکيم ثم اطلب العلم من أهل التوحيد ودع سبيل التّحديد فإن طلب العلم فرض علي كلّ وصف قد وقف في ذلك المقام ولكن اتق الله لا تحجبك الشؤون عن ربّ الصّفات فإنّ الله يعلم الأنفس حين علمها ولا تغفل من واردات السرّ فإنّها قد نزلت من شجرة الأمر وراقب سرّك كحفظ جهرك وأشهد بالعيان بأن نور البيان قد طلع عليك في كلّ آن فإذا لاحظت الأمرين نورك بإذن الله وإذا غفلت يبعدك من رحمة الله بعدله وأيقن بأنّ للسالكين علي هذا الصّراط عقبات كتود وطرقات منضود وقد موج الأبحر في السبيل لغرق السفينة لمن نظر بالدليل واحتجب عن وجه الجليل فإذا عملت لله علي عمل أهل لجة الابداع واحتملت كلّ الكثرات بما يمكن في الاختراع ولا يحجبك شأن من اللقاء فارقد باليقين علي الأرائك المتكئة عن تلك اللجة وأقبل بوجهه إلي كل شئ وأوصله حظّه فإنّك وليّ بإذن الله في الملك وإنّ ربك قد دعي أهل تلك المقام بآيات نفسه وذلك مقام قد وعد الله أهل التّهجد في الليل عسي أن يبعثك ربك مقاما محمودا و اعلم أنّ لكلّ نفس قد كتب الله بأيديه أسفارا في سبيل سلوكه وإنك إذا أردت يوم النزول إلي خلقه فاحفظ نفسك ألا تتعلّق بشيء إلا بحبّه فإن سكنت نفسك بشيء دون حبه فقد حرّم عليك يوم الصعود حرم المحمود وكنت من أهل الحدود عند ربك مسطورا وإن كنت

في يوم الصعود فخذ أيدي كل الخلق بالسُّلوك معك إلي الله فإن اجتهدت واتبعت الآيات فإن جنود الله قد كان في حكمك وإن أعرضت عنك آية إن الله يقبل منك حكمها إذ إنه لا إله إلا هو ذو فضل عظيم وإتاك لو تسافر من الحق إلي لقائه لم تجد لشأن الله تعطيلاً و عليك فرض حكم الأحديّة علي كل أهل الابداع والاختراع وكفي بنفسك اليوم عليك في هذا الشأن خبيراً وإن تريد مسلك الكبري سافر بعين الخلق إلي الحق فإن فيها سبل الآيات مجتمعة وكلّ الدلالات مفتقرة وما غنيّ إلا الله ربك فاسلك هذا السبيل فإن الأمر لديه أظهر من كل شيء ولا يحجبك شأن عن شأن شيء وإن هذا صراط ربك في هذا السبيل وما أجد لفيض الله تعطيلاً وراقب الموت في سرّك وجهرك مراقبة الحضور كأنك حين الطلوع من أفق الغيوب ولا تحبّ أهل الدنيا فإنهم يحجبك عن لقاء الله ويمنعك إشاراتهم من طرق الصعود إلي الله ولا تتكلم في حال إلا بالخضوع في كلّ مقام فإن ربك حاضر يسمع ندائك ويعرض عمّن لا يستحي عن وجهه وشاهد الحكم من الله في كلّ شأن حتّي لو خطرت في شيء حكما يظهر حكم الله في نفسك لو تري الواقع لن تعرف الفصل في حكم الله وتشاهد حكم الحق في كلّ أعمالك وحركاتك ولحظّاتك كالعين اليقين وأبشر نفسك إذا رأيت ما ألقى إليك من إكسير الأبيض بلقاء الله سرمد الأبد إلي ما شاء ربك إنه علي كل شيء قدير. وإقرأ بعد صلوة الفجر هذا الدعاء لتكوننّ من المفلحين.

دعائه بعد صلوة الفجر

"يا من حكم علي الصّباح بنور الضياء وأظلم الليل علي إمضاء القضاء وأتقن سبل العباد علي ما قضى في البداء لا إله إلا هو فاشهد لديه في مقامي هذا كما شهد ذاته لذاته إنه لا إله إلا هو عالم حكيم قادر حلیم غنيّ في أزل الآزال لم يزل ما كان له وصف وهو كما هو عليه في عزّ كينونيته لا يعرفه شيء ولا يأخذه وصف من شيء ولا نعت عن شيء ولا يعلم

كيف هو إلا هو عادل في الحكم محمود في الفعل قد بعث محمداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ علي ذروة الانشاء من بحبوحة الابداع علي مقام دلائله مطهراً عن الدلالة إلي غيره ومنزهاً عن الاقتران بشيء من عباده ليعلم الناس أن ربهم الرحمن لا إله إلا هو عادل في الفعل و مطاع في الحكم وهو العلي المتعال وبعث الأوصياء من ذريته علي هذا الصراط القائم بالحق لئلا يقول نفس في طوله وفضله من بعض القول حرفاً سبحانه وتعالى يعلم ما في السموات وما في الأرض وهو العلي الكبير وعلي هذا المنهج البيضاء قد بعث النبيين والمرسلين والأبواب في هذا الضياء من هذا المصباح في المصباح الزجاجية الزجاجية ورقة مضيئة من شجرة مباركة لاشرقية ولاغربية توقد من نار الله قبل أن يمسه نار نور علي نور يهدي الله لنوره من يشاء لا إله إلا هو العلي العظيم وصلي الله علي محمد وأوصيائه مظاهر عز القديم في مقعد عز كريم و سبحان الله عما يصفون والحمد لله رب العالمين".

وإن تحب أن تسلك إلي الله في أرض الكتيب الأحمر مع التقباء فاسلك علي هذا الصراط الأعظم نور الله في السموات والأرض الذي يسجد له من في السموات ومن في الأرض وكل له قانتون أن امش بإذن الله علي أرض القدس في حكم آيات محبتك لله في السر والجهر واعمل لله في آناء الليل والنهار علي سبيل الشريعة وشاهد الآيات وبالسر المتجلية عن الحقيقة في كل ما ورد عليك في كل الآيات فإن احتجبت عن الحقيقة في عمل لم يشهد الله عليك عمل المحبين وكنت في صحف الغافلين مكتوبا وراقب الزوال في قربها (وقتها) لئلا تحتجب بنفسك من بعدها فان لكل في ذلك الحين قد كان حظا مكتوبا وإقراء بعد فراغك من صلوة الظهر كلمة التوحيد أربعة عشر مرة وراقب حالاتك في كل المقام ولا تشغل بشيء يحجبك عن ذكر الله واعلم بأن أعظم الرياضة عند ربك ما كانت إلا كلمة القطع في بحبوحة الوصل تلك حدود الله للسالكين في هذه الأرض ومن يتعد حدود الله لن يستطيع أن يتخذ إلي الله سبيلا فاسلك علي هذا الصراط القيم فإن كلمة

الأبواب قد كانت في هذا السبيل مقصّيا وإن كنت أردت في كينونيّة ذاتك مسلك هذا القضاء فاسلك علي هذا الصراط الحمراء واستمع نداء الوراقاء في أرياح هذا الصبح البيضاء كنداء الشجرة في الطور السينا الله لا إله إلا هو وامش علي جلال البهاء في أرض البيضاء خاضعا خاشعا كحكم ذرة المندكة من طور السينا لدي تجلّي نور الفؤاد فإنّ هذا المسلك نور لا ظلّ له وعلم لا جهل فيه وبقاء لا فناء له ويظهر من السالك فيها عجائب آيات الملك وجرائيم فردوس العزّ ولا يقترن بنعت سالكها وصف من أهل البعد ويعمل في كلّ شأن علي هيكل حجة الله كأنه شجرة قد أثمرت بالشريعة ودعت عن الحقيقة بلا وصف البينونة ونعت الربويّة بل علي وجه العبوديّة كذلك قد فصل الله أحكامه للسالكين علي هذا الصراط لعلمهم بآيات الله يهتدون.

فيا أيّها السالك هذا السبيل فعليك فرض كلمة اليقين والعمل حول الذات في علم اليقين قرب هذا الصراط فإنه نور في المشكاة يضيء السموات والأرض باسمه و يتلو عليك أحكام نفسك لكنت من الشاكرين ذلك حكم الله في تلك المرتبة ألا تظنّ في حكم ذكر اسم ربك بعضا من القول ولتكوننّ من الشاكرين وكفي بالله عليك في السلوك نصيرا وإن كنت قد أردت أن تسلك في علانيتك كحكم سريرتك فاسلك في جنات الأربعة كحكم كلمه الاربعه بلاعلم التّحديد ولاجمع في كنه التّفريق وكن في سلوكك علي كلّ صراط كحكم تلك الكلمة جهرة وسرا وطف في حول كلّ واحد منها كطوافك حول البيت سبعة أشواط في كلّ صباح ومساء وراقب أن لا ينسبك الشيطان حكمك فإنّ الاشارات يحجبك عن الوصول إلي بيت الجلال وها أنا ذا أريد إتمام الكلمة في الجواب وكفي بالله للسالكين نصيرا أن اعمل في سبل الشريعة علي ما ألقى إليك حينئذ فإنّ صراط ربك هذا قد كان في أم الكتاب لمستقيم فإذا طلع خطّ البيضاء من أفق السّوداء فأيقن طلوع نور وجودك من صبح الأزل وصلّ صلوة الصبح علي هيكل محبتك وإقرء في الركعة الأولى

سورة الفجر وفي الثانية {سورة} الكوثر وراقب في صلوتك ألا تخرج عن لقاء وجه ربك فإن الخارج عن الصلوة متصور بشكل الحمار ولا تشير إلي شيء في معراجك دون الله فإنّ الاشارات إلي دون الله بعد كلمة التكبير حكم من الكذب علي نفسك اتق الله أن لا تشرك في عبادة ربك أحدا فإذا فرغت فاجلس علي هيكل النبوة إلي مطلع الشمس فإنّ رزق الأئمة قد قسّمت في تلك الساعة و من نام قد حرم من نصيبه وإقرء من القرآن بعد صلوة الفجر علي لحن نزوله بالحزن والسكون ما أقبلت نفسك وقف عند كلّ آية كأنك طرف من الوحي فإنّ الله قد خاطبك بلسانك و يتجلّي لك بآياته في قرائتك و لاتحرم نصيبك من نفحات قدسه و بركات تجلّيه واشرب ماء الكوثر من أيدي متجليك ولها موجلا موقرا متلذذا كأنك فوق العرش مستمع من الله كلامه فنعم المقام للمتولين علي هذا الصراط قد كان عند ربك مرتفعا وإنك لو قرائت آية في كلّ يوم علي هذا الشأن الذي ألقيت إليك بإذن الله لكان خيرا لك من إنفاق الدنيا ذهبا و تلاوة ختم القرآن بلا عددا **وإنّ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء من عباده والله ذو فضل عظيم وراقب دعوات التعقيب بالحق المستتر وإقرء كلمة الصّباح النّازلة من لسان عليّ {عليه السلام} فإنّ فيها أنوار القدس مكنونة و أسرار الفردوس مخزونة و آيات المحبّة مختومة وإقرئها بلسان مبدعه فإنك لو قرئتها بلسانك فقد احتجبت من نورها وكفي بنفسك اليوم عليك خبيرا فإذا طلعت الشمس قم من مقعدك والتفت بوجه المحبّة إلي أهل بيتك و من ورد محضرك من الأحباء وكلم علي كلمة التفضل والبهاء فإنّ حكم ربك هذا كان في أم الكتاب مقضيّا واعمل سبل الصّوم من حكم ربك من أوّل يوم الفرض في كلّ شهر عشرة أيام إذا بلغت عمرك ثلاثين سنة فإذا بلغت سنك إلي هذا المقام فصم نصف الشّهر إلي اتّصل البقاء إلي الأربعين فإذا بلغت هذا المقام من السن صم في كلّ شهر ثلاثة أيام يوم الخامس من العشرين واليوم الرابع من الوسطي إلي أن بلغت سنك إلي الخمسين هنالك ما أحبّ لك الصّوم إلا ما فرض الله عليك في الشهر**

الحرام شهر رمضان الذي نزل فيه القرآن كذلك قد فصل الله أحكامه في الكتاب من قبل لعل الناس بآياتنا يهتدون و أما شربك فدد بصرك فخذ بحول الله وقوته أيدي نفسك كل أول كل يوم جزء من الكندر و القرنفل مساويا بالسكر الخالص واشرب كأسا من الماء الذي طبخ فيه ورقة المبيضة الآتية من الصين فإن شربها ترق الطبيعة وتجذب الرطوبة وتسد سبل الإشارة وتحيي شاربها بقاء أهل الحقيقة وفيها منافع لا يحصيها الا من شهد بالعيان سبيل البيان وإن تريد أكثر من كأس فاشرب وترا فإن الله قد أحب الوتر في كل شأن وإن تحب فاشرب معه اللبن إذا لم يك بردا ذلك حكم الله في شربك بعد ساعة من مطلع الشمس و لا تشرب أزيد مما أمرتك و لا شيئا بعده إلا الحلويات اللطيفة فإنها حل لك في كل شأن واشتغل بشأن الذي قد كتب الله و إذا قرب الزوال خلص نفسك لأمر ربك بعد ما ترقد ساعة قبل الزوال فإذا قمت من النوم فاستك بالعدل ثم طهر جسمك بالماء وأعطر ما استطعت وانتظر نداء ربك فإذا زال الزوال كبر الله ربك سبعة مرة و قل هذه الكلمة: "سبحان الله و الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة و لا ولدا و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الدل و كبره تكبيرا" و اقرء بعدها إثني عشر مرة سورة التوحيد ثم اعمل النوافل فإن الله قد وعد لعاملها كلمة الأبرو و إن العبد لو يري فضل ربه لقد كان في مقام النوافل سمعه سمع ربه و لسانه لسانه و نظرتة نظرتة و حكم يده حكم عطائه و إذا سكت أجابه ربه بنداء الخفي أقرب و لا تخف فإنك لدي الله من المقرين فإذا فرغت من النوافل صل صلاة الظهر علي مطلع الظهر في أفق الطور هنالك قف فإن حينئذ يصلي ربك قف واستمع ندائه سبوح قدوس ربك و رب الملائكة و الروح و أشهد جماله في آيات معراجك و لا تحرم نصيبك من لذة ذكره و قرب جلاله فإن للمصلين مقام القرب عند ربك قد كان مكتوبا فإذا فرغت عن الصلوة سبح الله ربك بتسبيح الكبرى تسبيح فاطمة الزهراء و اقرء بعدها دعاء التحميد ما نزل في الصحيفة ثم قم بلا تعطيل و لا تفريق و اعمل لله في نوافل العصر و صلوته و راقب

أحكام الشريعة فيها حتى لا يفوت عنك ذرة من بركات ربك فإذا فرغت من حكم ربك فاسجد لله طويلاً ثم امش إلي محلّك وكل من نعم الله بعد صلوة العصر سبعة لقمه إن قدرت وإلا أربعة عشر لقمه ولا تأكل أزيد من ذلك في سبيل سلوكك إلي الله إلا إذا علمت أن لا يضر سرّك وراقب نفسك في أكلك ان لا تقرب شجرة الحرام ولا ما يشبهها ثم اجلس محلّك علي المتكئة باليمين واعمل في سبيل الطّعام هذا السبيل ثم قل "بسم الله" في أوله واجلس علي هيكل التوحيد متكئاً علي الشمال ولا تأكل وحدة وراقب نفس الذي قد جلس معك وكل علي هيئة حبّك في وجه الله كأنك في بين يديّ الله رسول قد كنت قاعداً وابدء بالملح واختم بالحلو واحمد الله في سرّك وجهرك علي كلّ وجهة واسترح في بين أكلك كأنك قد كنت في الفردوس وهذه نعمة ربك كذلك قد بين الله آياته في كتابه لعلّ الناس بلقاء الله يهتدون فإذا فرغت خلّل ثم استك بالعود الصّغير ثم اشتغل بما قد كتب الله لك ولا تغفل من أحكام الله في شأن فإنّ كلّ ما ينزل عليك في كلّ شأن من ربك عليك ألا تشرك في عبادة ربك أحداً وإن كنت ذي كسب اتق الله في صراطك فإنّ علم الفقه فرض لمن أراد التّكسّب ولا يحلّ لنفس ممّن آمن بالله التّجارة إلا بعلم الفقه واعلم بأنّ الكمال كلّ الكمال قد كان عند ربك الفقاهاة في الدّين والصّبر علي النّائبة وتقدير المعيشة كذلك قد بين الله آياته لعلّ الناس بآيات الله ليقنّون وإن اشتغلت بحكمك عن الله أن افرغ نفسك من شغلك قبل الغروب بعشرة دقائق لتخليص نفسك للقاء ربك واعمل فرائض اللّيل ونوافله علي حكم آل الله فإذا نزلت من معراجك أن اشرب ماء المسكّرة المشيرة ما تحبّ وترضي ثم اطّلع من كتاب الأحاب ما شئت فإنّ فيها أبواباً من الخيرات لا تفتح إلا بما ألقيت إليك بحكم الله ولا تطالع أكثر من ساعة فإذا مضى من اللّيل ثلاث ساعات فاطلب رزقك وكل أربعة عشر لقمه بالسّكون والوقار لثلاثيفوت عنك لذّة النّعم فإذا فرغت من الطّعام فارقد ساعة بالوضوء واستعمل العطر وارقد ما كتب الله لك في الرّقود ولا تسكن

وحدة فإن الله ما أحب لك تلك الحالة و لو رقدت وحدة بعد قدرتك فقد أشركت برّبك و لا يعدل ذنبك وراقب حكم الله في النساء فإنهنّ و رقات من شجرة السّيناء و لا تؤذهنّ بطرف العين فإنهنّ أعزّات في حكم الكتاب عند الله عمّا يظنّ الناس بهنّ و كفي بالله في سرّك و جهرك عليك شهيدا وارقد ساعة علي المتكئة فإنّ لكلّ حقّ معلوم وارقد عند مطلع ساعة الخمس إلي آخر مضي ساعة الثامن فإذا بقي ثلث آخر الليل قم بحول الله و قوّته و أطيب نفسك لله ربّك علي الرّوح و الرّيحان و اغتنم أيّام لقائه و باشر حكمه في صلوة اللّيل عسي أن يبعثك ربّك مقاما محمودا واطرح ثلث اللّيل علي ثلث آيات و ثلث للسّكون بين يديّ الله ناظرا إلي جمال تجلّيه و ثلث لحساب نفسك عمّا اكتسبت من مطلع الفجر إلي مقامك هذا و احسب نفسك كأنّ الله قد جعلك من عنده عليك حاكما و حسيبا ذلك حكم الله للسّالكين في كلّ شأن و من يتعدّد من حدود الله لن يجد في يوم القيمة عند ربّه عهدا و إنّ هذا صراط الله في السّموات و الأرض فاستمسكوا بحبله و اعلموا أنّ الله يعلم غيب السّموات و الأرض و كفي بالله لعباده شاهدا و نصيرا و إنّ ذكر اسم ربّك قد فصلّ أحكام السّالكين في كتابك هذا لئلا يقول أحد لو عرفني الله آياته لكنت من المهتدين و تعالي الله عمّا يقول الظّالمون علوا كبيرا.

الباب السادس في الآيات السادسة

أن اقرأ هذا الدعاء في ليلة الجمعة

بسم الله الرحمن الرحيم

"أحمد لله الأحد الفرد القيوم الذي لا إله إلا هو العلي العظيم يا إلهي أنت الذي تدع بقدرتك الخلق لا من مثال قبلها علي هيكل محبتك ابتدعا وتخترع حقايق الأفئدة علي شكل قبولها بلا شبه يعادلها اختراعا ثم قد أقمت الخلق في منهاج معرفتك جودا و امتنانا فلك الحمد و العظمة بما قد تجلّيت للخلق بعزّ قدرتك طهرا من ضرب الأمثال و نعت الأشباه فسبحانك يا إلهي قد جلّت عظمتك و علت قدرتك و لا يمكن حقّ العرفان في آلائك و لا أداء الحقّ بشيء من عطاياك أنت الذي لن تعرف بكنه الكينونية و لن توصف بعزّ الذاتية إذ ما سواك محدود بحدود الانشائية و محدثة بوصف المثلية فأشهد أنك أنت الله لا إله إلا أنت و أشهد أن ذاتيتك يا إلهي مقطّعة الكلّ عن الاشارة إليك و أن كينونيتك مدلّة علي نفي الدلالة لغيرك فكيف أصف حسن ثنائك بعد ما أعلم سدّ السبيل للخلق و منع الدليل في الوصف و لا يدرك العبد إلا إنيته و لا يوصف الخلق إلا ذاتيته فكيف يمكن معرفتك للخلق بعد ما قد أبدعتهم لا من شيء بغير وصف من نفسك و لا دلالة من ذاتك فسبحانك حاشا الظنّ بك من معرفة الكنه و لا الوصف علي أزليّة الصنع أنت الذي لن تحدّ و لن تجسّ و أنت الذي لن توصف و لا تحسّ مشيتك مدلّة بنفي وجودها من قرب ذاتك و إرادتك محدّثة بالمنع عن معرفتك فلك الحمد بما تعرفني نفسك علي حقيقة ربوبيّتك و لك المجد بما تلهمني من ذكرك علي علوّ أزليّتك و لقد قصر بي السّكنونات بالذّكر من آلائك و قصاري الاقرار بالنعّة عن امتنانك أنت العالي و لا شبه لنفسك و أنت الكبير و لا مثل لعدلك فتعالى نفسك عن الوصف و جلّت كينونيتك عن النّعّة فلا يدلّ

نعت الخلق إلا وصف أنفسهم ولا تحكي حقايق الأفئدة في علو المعرفة إلا بنعت حقايقهم
 فيها أنا إذا أعترف في مقامي هذا بالعجز والتقصير وما عرفتكم كما تعرفني نفسك وما
 عبدتك كما تدعونني إليك فلم تزل إنك الاله الفرد المتفضل العزيز المتكبر لن يشبه عطيتك
 شيء ولم يعادل إحسانك شيء فلك الحمد من ثناء نفسك نفسك ولا يصعد إليك إشارة
 من خلقك فإنك يا إلهي قد خلقتني ولم أك شيئاً وربيتني في عوالم محبتك بأيدي رحمتك
 جوداً بعد ما لا أستحق بشيء منها فلك الحمد والجلال والعظمة والثناء بما يستحق ذاتك
 في إبداع الصفات واختراع الشؤون إنك أهل البهاء والجمال وإنك أنت الكبير المتعال
 يا إلهي هب لي بجودك في الشهر الحرام كمال الانقطاع إليك في البيت الحرام واجذبني
 بنفحات قدسك إلي مقعد العز والجلال وألهمني آيات محبتك في كل شأن بما قد أحاط
 علمك لأن أدخل ساحة قربك وأقر لدي محضرك بما قد تجليت لي في يوم إنشائك بنور
 ندائك أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له فرد قيوم دائم وتر الذي لم يتخذ صاحبة و
 لا ولداً ولم يكن له وصف من الخلق لا إله إلا هو ليس كمثل شيء وهو العزيز الحكيم يا
 إلهي إن علو إحسانك ظاهرة لا تختلف وإن عظمة امتنانك ناطقة لا تحتجب قد خلقتني و
 لم أك مذكورا من قبل وأكرمتني نعمائك ما لا نستحق بشيء من بعد فكل ما أذكر نفسي ما
 أشهد إلا عصيانه وما أرى إلا إحسانك ومداراتك فيا إلهي كيف أذكر نفسي وسياته بعد
 ما كنت أعلم أن وجودي لدي وجهك أعظم ذنب لا تشبه نار فسبحانك يا إلهي فبعزتكم و
 جلالتك ولا حول ولا قوة إلا بقدرتك ما أحببت في شأن إلا حبك وما أردت في وجه إلا
 وجهك بعد ما قد كسبت إشارات البعد بذكر الحيوية ومددته القضاء بالامضاء عدلاً من
 حكمك الذي لا عدل له وإنصافاً من أمرك الذي لا شبه له فآه آه ممّا قد أحاط علمك
 بنفسي من إشاراتها إلي لجة العظمة ودلائلها من غير طمطام الأحذية وسكونها في غير
 وجه الهوية وقربها إلي دون بهاء الصمدانية فآه آه عمّا يحصي الكتاب من جريبات العلامات

من نفسي عمّا يحكي من دون فطرة توحيدك ودلّ علي غير نعت أزلتِكَ فبحقّكَ الَّذي لا إله إلا أنت لو اردت حكم عدل علي جزاء ما اكتسبت نفسي بالاغفال من أمركَ لدي محضرك لقد ملاً أركان الابداع من النَّار وكبرت جسمي علي قصور القدرة في الاختراع و لم يبق شيء من حرّ سخطك فسبحان الله الرَّبِّ البارِّ الرَّؤْف لا يردّ سخطك إلا عفوك و لا ينجيني من غضبك إلا حلمك فلك الحمد حمدا شعشعانياً متلامعاً مقدّساً منزّها كبهاء ثناء الله علي نفسه حمدا يفضل علي كل شيء كفضل الله علي الخلق أجمعين والله الحمد من إلهاّمه حمدا يملأ السّموات والأرض قسطاً ويؤتي كلّ ذي حقّ كتاباً حفيظاً فأسئلك اللهم يا إلهي بجودك أن تنزل علي حبيبك وآله من نفحات عزّك وآيات مجدك ما أنت مبدعها لم تزل كما أنت أهله فأسئلك اللهم أن تصلي علي محمّد وآل محمّد بشئوننا أيّام إنشائك ما قد أحاط علمك إنك أنت الله لا إله إلا أنت غنيّ في الذات وعادل في الصّفات لن يشبه شيئاً من عطاياك عطية كلّ الخلق و لم يعدل آيات محبّتك شيء من العباد فأسئلك اللهم بجودك أن تسلّم علي محمّد وآل محمّد محالّ معرفتك ومقامات محبّتك ومعادن عظمتك وأركان توحيدك كما أنت أهله ومستحقّه وأشهد يا إلهي في مقامي هذا بفضل محمّد وآله وكما تشاء بما تشاء لم يحط بعلمك أحد وإنك علي كل شيء قدير وأعترف لديك يا مولاي في هذا المشهد الكبري والموقف العظمي بأنك من علوّ نفسك الَّذي لا ينال إليك شيء قد جعلت محمّد وآله مقام معرفتك ومعادن ولايتك وخزان علمك وآيات قدرتك وقضيت لأنفسهم بحملّ مشيتك ولشئوناتهم يمكنهم إرادتك إذ كنت إله إلا أنت لا تدرك شأننا من قدرتك حقايق الأفتدة والأبصار ولا تحوي بأدني آيتك خواطر الأفكار ولا تحيط بشيء من آثارك غوامض الأنظار وإنه لا إله إلا هو وفوق ما قد نطق الكتاب بالعجز في وصفه: «لا تدركه الأبصار وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير» يا إلهي إنّ أمواج بحر محبّتك متلاطمة بعزّ كينونيتك وإنّ سبل الانقطاع لامعة لأهل

الخشوع لدي باب رحمتك فأسئلك بعلو كينونيتك وقرب أهل ولايتك الذين ما بدع لهم شبه إلا لأنفسهم وما يبدع لهم مثل إلا لقدرة الله في شأن تجليهم أن تجعل كل الشئونات وجهة واحدة في محضرك وكل الآيات شأنا واحدا عند تلقاء وجهتك لأن الوجه في كل شأن بقاء وجه حجبتك بن حجبتك محمد بن الحسن علي إذن من نفسك وحكم من قدرتك ذو المن القديم والحكم البديع فأسئلك اللهم أن تصلي وتسلم علي وليك القائم بأمرك والغائب بإذنك والمنتظر وعدك بكل شأن أنت أثنت علي نفسك وأن تنجز له ما وعدته وتقرّب أيام سلطنته وتظهر أيام كلمته إنك علي كل شى قدير وبالاجابة قريب جدير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم والحمد لله رب العالمين"

وإقرأ هذا الدعاء في أول كل شهر فإنني قد قرأتها بإذن الله علي أرض الحرمين سنة ١٢٦١
وفي أول كل شهر

بسم الله الرحمن الرحيم

"الحمد لله الذي قد أذن علي آية ملكه في هذه السنة بالطلوع علي عبده في أرض
المقدسة حرم القدس أرض الحرمين ليعلم الناس كلمه البدع في كل المواقع من حكم
ربهم لا إله إلا هو العزيز الحكيم يا إلهي أشهد لديك في هذا اليوم أول ساعة من السنة
الجديدة من اليوم البديع كما تحبّ لنفسك وللذين قد جعلتهم في مقام محبتك من إهل
الأبداع أجمعهم أنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك ليس كمثلك شيء وإتاك
أنت الغني المتعال يا إلهي بتعريفك نفسي قد عرفت سبل الأنقطاع في محبتك وبدعوتك
نفسي إلي بيتك الحرام قد شهدت علي سبل الأمتناع من معرفة نفسك فسبحانك يا إلهي
أنت الذي لن تعرف ولا تحدّ وأنت الذي لن توصف ولا تجسّ وأنت الذي لم تحسّ و
لا تماسّ وأنت الذي لا تنعت بنعت من الخلق ولا تشار باسم من الشان فسبحانك تقدّست
ذاتيتك من أن يعرفه شيء وتعالى كينونيتك من أن يدلّ إليه شيء فيا إلهي إنّ إيتك القديمه
شاهدة بالتفريق عن معرفتك وبالقطع البين عن محبتك إذ كنت أنت الله لا إله إلا أنت
وحدك لا شريك لك لم تزل قد كنت ولم يكن معك شيء وإنّ كلّ البدع قد دلّ علي
الحدود فكيف توصف بما لا ذكر له لديك فسبحانك عمّا يصف المشبهون في آياتك علّوا
كبيراً يا إلهي إنّ هذا شهر قد قتل فيه حجّتك أبو عبدالله الحسين عليه السلام وإتاك من علّو
رحمتك قد نزلت علي كلّ شيء في مطلع قمر هذا الشهر قميص الحزن ليتلجج كلّ الذرّات
بتلجج شئون أهل محبتك في يوم اللقاء بالرّضا بقتل نفوسهم لإعزاز كلمه توحيدك و
إثبات صراط القيم في سبيلك ليوصل الكلّ إلي ذلك الحظّ شأن المصيبة علي صدق
السريّة فأسئلك اللهم يا إلهي أن تسلّم علي حجّتك الشهيد في سبيلك كما أنت أهله من

الثناء والبهاء وأن تنزل علي الذين قد قتلوا في وجهه يوم العاشورا في هذا الشهر كما انت
تستحق من العزو والعطاء وأن تصلي علي الذين قد سافروا إلي زيارة حجّتك ويتبعون انفسهم
في سبيل محبتك لزيارة وجهك و علي الذين يذكرونه بالبكاء ويتشهقون في سبيل محبته
ابتغاء لوجهك كما أنت تحبّ لنفسك إنك أنت الله لا أله الا أنت قدير عليم تحكم ما
تشاء وتفعل ما تريد فأستلك اللهم يا إلهي إن تعذب الذين قد عادوا حبيبك و حاربوا وليك
كما هم يستحقون من العدل إنك عادل في الفضل و مطاع في الحكم لا أله الا أنت
وحدك لا شريك لك فأستلك اللهم أن تحفظني في هذا الشهر عن أتباع الهوي وسدّدي
في كلّ ساعاته بذكر حجّتك بن حجّتك بالبكاء عليه إنك ذو المنّ والجود فسبحانك اللهم
يا إلهي لو علم الناس فضل ذكر ثأرك لن يرضوا بذكر دون ذكره ولا بمقام دون بكائه فصلّ
اللهم عليه و علي أهل محبته كما أنت أهله العظيم و سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و
سلام علي المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين".

الباب السابع في الآية السابعة

أن اتّبع حكم ما نزل إليك الآن من كتاب كريم وأما ما قد سئلت من علم دخول حرم الحسين أن اخلص نفسك من كل شئ يحجبك من آيات ربك ثم اتّبع ما يلقي إليك من كتاب الله لا مبدّل لكلماته ولن تجد من دونه ملتحدا واعلم إذا ذكر الوراق في أرواح تلك الألواح فحينئذ تري الصّبح قريبا ثم اعلم بأنك لن تقدر أن تزور الحسين إلا أن يشاء الله ربك إنّه لهو القويّ العزيز.

ألا يا أيها الملاء من أهل العماء أن اذكروا ربكم إذا جلّي النور بالضياء وأضاء النار في المصباح ونطق الشجرة في السّيناء الله لا إله إلا هو فمثل ذلك فليدخل الموحّدون في لجة الأحديّة وإنّ ذلك لهو الفوز العظيم وإذا أردت مولاك القديم أن تزوره بزيارة أهل جنّة الثامن كن وجهة لنفسه غير بائن (باين) من نفسك لنفسك بعد ما كنت ناظرا بوجه ربك من وجهة من غير تشبيه لنفسك من دون نفسه أدخل بالله في لقاء الأحديّة واستمع نداء الشجرة من وجه الهويّة واستقرّ في عزّ ذات العبوديّة غير (باين) بائن من وجهة وجه الربوبية وأخلص فؤادك عن إشارات الامكانية ثم كبر ربك في مطلع خطّ البيضاء من وجه شجرة خضراء علي كلّ وجه من سبل الحقيقة بلا شأن عن موارد الكيفيّة ولا حرف من جواهر الكينونيّة ولا شيء من مقام الذاتيّة ولا شبه في عرش الاتيّة قل بلي وربّي لا إله إلا هو العليّ الكبير. فيا أيها الزائر الكريم أدخل في باب الشريعة من غير البيّنونة من حكم ربك في الشعر من دون الشعر فإنّ شرف الكبرى عند ربك أن يظهر على شجرة الطور في منتهي ذر من الظهور أن اغسل في عالم الفؤاد بماء الجلال من غير إشارة إليها ولا كشف لديها ولا وصف في وجهها ولا نعت عن اسمها إلا إنّ تلك الاشارات، أمثال لأولي الألباب منكم الذين هم بآيات الله يسجدون ثم اغسل في عرش العظمة بذكر ربك في نفسها من غير وجه دون تجلّي

ربك في عز ذاتيتها بكنه عبوديتها ثم انزل إلي مقام الكرسي واغتسل من قبل كل الخلق
بذكر ربك في نفسك من سمو المقام و علم البيان أوصيك يا أيها الانسان في هذا البحر
لدي الغسل قد غرق خلق كثير لأن فيها كل شأن مذكورة وفي سمائها كل النجم مركوزة و
أن أرياح السكون من أهلها في كل حين نازلة ولقد موج البحر بالشئون وفيها حيتان من
ظلّ العكوس يعلو مرة إلي أفق السماء ويسفل أخري إلي طمطام قعر يمّ الابداع أوصيك يا
أيها الوارد بالبهاء احفظ نفسك أن لاتغرق في تلك القلزم الموج ألا يا أيها الملامن أهل
العماء من أراد أن يغتسل في هذا البحر الأجاج فعليه فرض كلمة الاخلاص أن لايشير بشيء
من دون ربه ولا أخذا بأيديه هدية من أهل تلك اللجة إلا بإذن بارئه أن ادخلوا بالله المعبود
واغسلوا لوجه الله المقصود واخرجوا باسم الله الحي المعبود ثم أنزلوا إلي سماء القضاء
واغسلوا في بحرها قلزم ماء البداء واعلموا أن كل مقام قد وردوا عليها عالم بمثل عالمكم
هذه فيها كل شئ أن اتقوا الله ولا تسكنوا بغير حكم الله في شأن فإن من وقف في مقام بغير
إذن ربه فقد سكن في ذلك الحين في النار وإن تري حكم اليقين لتشهد ما ألقى اليك في
علم اليقين ثم اخرج منها وادخل جنة الخامس واعلم أن فيها أنهار كثيرة تجري بإذن ربك
في أرض ياقوت حمراء أن استقم حول النهر الرابع واغتسل بماء الخمر حكم اليقين لتشهد
ما ألقى عليك في علم اليقين ثم اخرج منها وادخل جنة الخامس واعلم أن فيها أنهار كثيرة
تجري بإذن ربك في أرض ياقوت حمراء أن استقم حول {النهر} السابع واغتسل بماء الخمر
فإنها حل لمن أراد زيارة الحسين لوجهه ولا تشرب من أنهار التي تجري فيها فإنه قد قتل
عطشان في يوم الاذن ولا تتكلم بأهلها فإن مقام الذي أنت قصده لم يعدله شيء وكل
لديه من الخاضعين ثم أخرج بإذن الله وادخل لجه السادس واغتسل بماء الصفاء الذي
يخرج من تحت شجرة البيضاء الذي تنبت بالورقة الحمراء ولا تقرب الشجرة ولا تأخذ من
ثمرتها فإنها حلّ عليك اذا رجعت من زيارة مولاك القديم ثم ادخل بحر السابع واغتسل

بإذن ربك ثم اخرج أقرب من كل شأن يمكن عند قدرتك فإن سمعت من كل مقاماتك نداء الورقاء في الطور لا إله إلا هو فقد فزت بما ألقيت إليك من كتاب ربك واعلم أنّ ورودك في تلك البحور أقل من محو الظهور واستغفر الله ربك عن التّحديد بالكثير وسبحان الله عمّا يصفون وإنّ في تلك الأمثال آيات للذين يريدون الله وأوليائه فكانوا من السّاجدين فإذا فرغت من مقامات عزك فاغتسل في عالمك هذا إن استطعت بماء الفرات وإلا ما تجد ممّا حلّ لك في الكتاب علي حكم كلّ ما نزل من السنة آل الله لأهل البيان فإذا فرغت فالبس أحسن ما خلق الله لك في يومك هذا واعطر بعطر الخالص واشهد في يوم الذي أذن الله لعبده لقائه عظم قدرك وامش بالوقار والخشية كأنك بين يديّ الله ولو علم الله في قلبك وجهة من الشّرك لينهاك من وجهه وانظر إلي بدائه في كلّ قدمك فإنّ العبد في كلّ شأن مقصّر علي حدّ الذي لو يعذّبه الله بكلّ قدرته لكان يستحقّ به من عدله الله أكبر من عدل الله الذي لا يقوم به شيء وسبحان الله عمّا يصفون.

فإذا وردت باب الحرم الأوّل قف وكبر الله ما أقبلت وجهك في تلقاء وجهه وقل:
 "اللهم انى قصدتك بنفسك وأردت حجّتك بما قد دعوتني من رحمتك فإنك يا إلهي تعلم سرّي وعلانيتي فأنزل عليّ من بركاتك واحفظني في تلقاء وجهك عن الإشارة إلي دونك فإنك غنيّ ذو المنّ لاتعاضمك شيء في السّموات ولا في الأرض وإنك علي كلّ شيء قدير" ثم ادخل علي كلمة التّوحيد ثم امش بالسّكون الحمراء والورقاء البيضاء واعلم بأنّ قربك قد ما تحدث نارا في سرّك وكلّما قربت إلي القبر قد اشتدّ نار الظهور فنعم المقام للزّائرين علي هذا الصّراط قد كان عند ربك مرتفعا وكبر الله في مشيك إلي اتصّلت إلي باب الرّواق هنالك قف واستأذن عن الحرم وأهلها وسبّح اسم ربك لدي الباب سبعين مرّة ثم ادخل بالمحو الآيات والصّحوة العلامات فإنك لو خطرت في ذلك المقام ذكرا من دون ذكر ربك ينادي الملك أن ارجع فإنّها محرّمة في قرب الحضور لمن كان له وجه شكور

ثم امش بذكر الله وحده طهرا عن الاشارة من دون ربك فإذا وصلت باب الحرم تلقاء القبر قف وكبر الله ربك مائة مرة ثم اقرأ هذا الدعاء:

"اللهم أنت السلام ومنك السلام وإليك السلام قصدتني بذكرك نفسي ولولا ذكرك ما كنت شيئا وإنك قد دعوتني إلي حرمك ولولا ندائك ما اخترعت عزًا فها أنا ذا يا إلهي في مقامك هذا أشهد أن لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك لن يعرفك كما أنت عليه إلا أنت وإنك أنت الكبير المتعال وأشهد لمحمد حبيبك كما تشهد لنفسه بنفسه في يوم الانشاء حيث قد خلقتة لنفسك مطهرا عن دلالة غيرك لا إله إلا أنت العزيز المنان وأشهد لأوصياء حبيبك صلواتك عليهم كما تحب في شأنهم إنك أنت المقتدر على ما تشاء كما تشاء و انك انت الكبير المتعال وأشهد لأهل محبتك كما قد أحاط علمك بهم إنك تعلم كل شى ولا يخفي عليك شىء في السموات ولا في الأرض وإنك علي كل شى محيط يا إلهي أشهد أن الحرم حرمك والمقام مقامك فأذن لعبدك بالورود فإنك لو أردت أن تأذن بالعدل لقد كنت يوم الحضور من مقامك لمردود فحاشا الظن بك ما أعلم منك إلا جودا وفضلا فأذن بجودك ومن حكم عبادك الذين قد أوجبت الاذن منهم وإنك أنت الجواد الحليم ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم قل بسم الله وبالله ولا حكم إلا لله عليه توكلت وإليه أنيب"

ثم ادخل حرم الحسين بالحزن والسكون كأنك قد وردت علي عرش ربك فإذا دخلت الحرم قف متولها ناظرا إلي وجهه متجليك في يوم الانشاء من غير كشف السبحات ولا حرف من الاشارات حتى رجع نفسك إلي مقام الأمن امش خمسة أقدام ثم قف وكبر الله ربك سبعة مرات ثم قل: "السلام من الله الذي لا إله إلا هو على محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسي وعلي وموسي وعلي والحسن ومحمد صاحب الأمر كما هو أهله ومستحقه إنه لا إله إلا هو لحميد مجيد" ثم قل:

"السّلام عليك يا أبا عبد الله ورحمة الله وبركاته فكيف أصف يا مولاي نفسك بعد ما أيقنت أنّ سبل كلّ الموجودات لديك مسدودة وإنّ نعت كلّ الأشياء لدي محضرك إلي أنفسهم مردودة لا أحصي ثناء عليك أنت كما أثنيت علي نفسك ولا يعلم أحد كيف أنت إلاّ الله الذي قد خلقتك وجعلك علي العالمين إماما مبينا فيها أنا ذا معترف في مقامي لديك كما تحبّ لنفسك من أهل الابداع وما يبدع من حكم ربّك إنّه لا إله إلاّ هو العزيز الحكيم وأشهد أنّ ذكر نفسي لديك أعظم ذنب فكيف أقارنها بوصف قد اكتسب الذنب ذنبا أخري فسبحان الله الفرد الأحد عمّا يصف المشبهون نفسك من غير علم الكتاب وتعالى الله عمّا يشركون"

ثمّ امش من لدي الرّجل متلذذا متولّها متذكرا لقاء الله علي العرش حتي اتصلت شطر الظّهر هنالك قف وسلم علي الشّهداء بما قد أجري الله من لسانك ثمّ صلّ ما شئت تلقاء القبر فنعمة المقام مقعدك مقعد صدق كريم عند مليك مقتدر عظيم فيا طوبي لأهل الصّلوة في تلقاء الوجه بالوجه والله عزيز حكيم (حميد).

ألا يا أيّها الملاء أن اسكنوا لدي شجرة الحمراء واستمعوا نداء شجرة السيّئاء عن يمين الطّور لا إله إلاّ هو إياي كلّ الخلق ليسجدون ولا تسكن في الحرم إلاّ بالروح والريحان غير محتجب عن وجه الجلال بالجمال ولا تشير إلي مقام ربّك في القضاء ولا تمش فوق الرّأس فإنّها مقعد عزّما أري الوجود لنفس فيها وإنّ أيام الله الذي قد كنت في تلك الأرض ما قربت هذا المقام أبدا فإياك إياك أن تسكن حرم الله بالوحشة أو تصبر في جنب وجه الله من غير وجه الجلال في الرّاحة واعلم بأنّ قربك خطوة لا مفرّ لك إلاّ عن يبعدك ما لا يري بصرك فإذا فرغت عن الصّلوة أن أخرج من تلقاء الرّجل واستشعر حكم ربّك في الحرم بين يديه فإنّ الميزان هنالك قد وضعت والجنّة قد أزلفت والجحيم قد سعرت وكلّ نفس بما كسبت قد أحكمت كلّ ذلك حكم من لدي ربّك أن أبشر في تلقاء الوجه بالوجه ولا تخف

في مقعد الوصل عن الفضل فإن فضل الله أكبر عما كان الناس يعلمون واعلم بأن أول من زار الحسين قد كان هو الله ربّه الذي لا إله إلا هو وفي كلّ حين قد كان الأمر كما قد كان وما كان لحكم الله في بعض من الشّان تبديلا وإنك يا أيّها الزّائر لدي الوجه تلقي بالوجه ولذلك قد نزل في كلام آل الله: "إنّ من زار الحسين عليه السّلام عارفا بحقّه كمن زار الله في عرشه" فأعظم قدرك ولا تحرم نصيبك في أيّام حياتك فإنّ نفسا في سبيل زيارته أو زيارة أبواب مولاك الحيّ لم يعدل ملك الآخرة والأولي واعرف بأنّ سبيل معرفة الذات وزيارته مسدود وإنّه كما هو لن يعرفه شيء ولا له وصف في شيء سبحانه وتعالى عمّا يصفون قد خلق محمّدا وأوصيائه من ذروة الانشاء بأنفسهم من دون دليل سواهم وخلق الخلق من جمال عكوس جلاله فاطمة من غير تشبهه عن جلالته ما يحكي الخلق إلا أنفسهم وما تدلّ الاشارات من العباد إلا إلي حقايقهم فكيف يعرف من كان في حدّ الحدوث ونعت الحدود ربّه الذي لا إله إلا هو خلّو عن الأشباه ولا يعلم كيف هو إلا هو ما عرف محمّدا إلا نفسه وما وصف عليّا إلا وجهه من قال هو هو فقد باين الأشياء من حكمه ومن قال كيف هو فقد جعل الخلق مثاله سبحانه وتعالى لا يعلم كيف هو إلا هو دام الملك إلي مقامها وانتهى الابداع إلي شكلها السبيل مسدود والطلب مردود دليل الرّب آياته ووجود الخلق إثباته فإذا عرفت ما ألقيت إليك من حكم الأحمر سلّم باب إمامك الحيّ روعي فداه ثمّ فداه بما قد أحاط علم الله ثمّ فدا أبوابه واعلم أنّه نفس الذي قد بلغ حكم الله في حياته ورجع إلي وجه مولاه لعزّ فداه حبّا فدا إلي لقاء الله إذا أردت زيارته فاعرف حكم كلمة التّسبيح وركنها ثمّ قف لدي رجل المرقد ساكنا موقرا بإذن ربّك ثمّ كبر الله أربعين مرّة ثمّ أشهد لله ولأحبّائه كما قد ألقى الله علي قلبك إنّه قويّ عزيز ثمّ قل:

"السّلام عليك يا باب الله السّلام عليك يا كلمة الله السّلام عليك يا نور الله السّلام عليك يا وجه الله أشهد أنّك باب الواسعة وكلمة ما أشبهه وشجرة ما أعدله قد بلغت أمر الله و

أتممت حكم الله فجزاك الله يا مولاي من لدن مواليك آل الأطهار كما هو أهله و مستحقه
إنه لا إله إلا هو العزيز الحميد وأشهد لديك يا مولاي بأنك قد أظهرت كلمة العدل و بينت
حكم شجرة الطور و ما نزل إليك من لدن مولاك القديم فصلّي الله عليك من ربك الذي لا
إله إلا هو العليّ الحميد فأشهد لي يا مولاي في مقامي هذا بأنّي قد آمنت بالله و آياته
و اتبعت أنوار الذي قد نزل من لدنك في ألواح حفيظ فأشهد لي يوم القيمة عند ربك فإنّ
لك مقام كريم و أشهد أنّ الذين اجترحوا في أيامك بردّ آياتك لن ينالوا بعلم الكتاب بحرف
و أولئك في ضلال بعيد و سبحان الله ربّ السموات و الأرض و ما بينهما عمّا يصفون و
سلام علي المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.

" فإذا فرغت فارجع إلي منزلك واسترح علي مقعد عزك ثمّ سلّم أخا الحسين علي مرقد
بما قد ألقى الله علي قلبك و اعرف قدرك ما كنت في تلك الأرض و لاتحرم نصيبك من
فضل الله و راقب سرّك و علانيتك ألا تحتجب بشأن منها ورقّ أيام عشرتك في سبل الطعام
و الشراب فإنّ من فاز بقاء وجه الله لغني عن ملاحظة الأغيار و لك حلّ قدر ما نزل في
حكم الكتاب مثل ما فعلوا آل الأطهار ذلك حكم الله في كلّ حرم قدس من مصارع آل
الله فافعل بما تؤمر و اشكر بما تسئل و احفظ بما تدعو من ذكر الله فإنّ ذلك لهو الفوز العظيم.
و لقد فصلت في صحيفة علم الحجّ سبل زيارة آل الله بإذن الله بالحقّ علي صراط عزيز
حميد و لو شاء الله أن يظهرها فاتبع حكم ما أنزل فيها فإنه لهو الحقّ المبين و لقد علمت أنّ
أكثر الناس لن يستطيعوا أن يزوروا مولاك القديم علي هذا المسلك الوعر العظيم ولكنّ الله
ربك قد شاء أن ينزل الآيات من باطن اللوح لمن أراد أن يذكر و كان من الساجدين ولكن
لا تياس من روح الله و اتكل علي الله ثمّ أسئل من فضله فإنّ الله ربك لا إله إلا هو يمنّ علي
من يشاء كما يشاء و كان الله علي كل شى مقتدرا و لقد فرض الله في الكتاب أن يكتب
آيات تلك الصحيفة كلّ المؤمنين ليهدتوا بآياتنا و كانوا علي صراط قويم ألا من صرف في

سبیل الله ذرّة ممّا ملکت یدیه بأن یکتب آیات الذّکر بالمداد الذّهب علی ورقات مذهّبة لیعطي الله ربّک له عشر أضعاف مثله وإنّ له فی الآخرة أجر من لدنا عظیم وإنّ الله قد فصل آیاته وتمّ حجّته من ذلك الكتاب بالحقّ ألا إنّ ذلك لهو الفوز العظیم وأنّه لا إله إلا هو لقویّ عزیز و سبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون ولقد نزلنا الصّحيفة بالحقّ لقوم یعدلون و الحمد لله ربّ العالمین.

توضیح : این اثر مبارک از سایت (آثار و نوشتجات بهائی) دانلود شده و با نسخ ذیل در حد توان مقابله شد

۱- نسخه پرینستون

۲- نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۳- نسخه کمبریج

۴- نسخه اول در سایت بیانیک

۵- نسخه دوم در سایت بیانیک

۶- نسخه شخصی (الف)

۷- نسخه شخصی (د)

جهت استفاده قارئین گرامی متن کامل صحیفه اعمال سنه با توجه به نسخ

دیگر ضمیمه این مجموعه گردید

صحیفه اعمال سنه

الباب الاول فی علم الكتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي نزل الكتاب بالحق هدى وذكرى للخاصين وانه لكتاب قد فصل
 في حكم شهر الله في القرآن هدى ورحمة من عند الله لقوم ساجدين وان ذلك الكتاب
 حكم بقية الله امام حق مبين هو الذي بيده ملكوت كل شيء ولا يعزب من علمه بعض شيء
 وان المؤمنين في حكم الكتاب له عاملون قل اعملوا بما انزل في ذلك الكتاب فانه لهو
 الحق من عند الله بمثل ما كنتم في حكم القرآن لتنطقون وان ذلك الكتاب ذكر من عندنا
 صراط الله في السموات والارض هذا كتاب مبين.

السورة الأولى في الشهر الأول

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله في الشهر الصيام عن يمين زوال الشمس لا اله الا هو قل اياى فاعبدون
كتب الله في شهر رمضان حكم الصوم وقدر في ليلة القدر حكم البدع هدى وبشرى لقوم
يعملون وان الله قد فرض حكم الصوم بعد الصمت ليعلم الناس ان ربهم الرحمن يعلم ما
هم في ايام الله ليفعلون قل حرم في الكتاب قرب النساء والحكم بغير العلم في ايام الصوم
وما انتم في دين الله لتحكمون بل الصوم حكم لمن لم ينم قلبه من ذكرنا وان اولئك
هم في كتاب الله لصائمون وان الذين لم يؤمنوا بآياتنا ما قدر في الكتاب لهم حكم وان
اولئك هم الخاسرون قل ان هذا حكم الله في شهر رمضان الذي نزل فيه القرآن وفصل فيه
آيات البدع فهن قدر من دون حكم ذرف في الكتاب فرض عليه بان يصوم مما استقام الحكم
عليه في ثلثين عدة ولم يحل عليه من علم خط البيضاء الى افول ما بقى من غروب الشمس
في وجه السماء على حرف كذب في آياتنا ولا اقل من خردل اكل ولا حكم ما يدخل على
الصدر ولا ما يخرج منها وما قد فصلنا في الكتاب بالعدل تلك حدود الله فمن اعتدى
بالعلم من امر الله فعليه فرض في كتاب الله عتق رقبة او ما نزل بعد العسر اطعام ثلاثين مسكينا
او صوم شهرين بالعدل و يوم قضاء ما كتب الله له ذلك حكم الله ان لم يفطر بالحرام و
الاحكم ربك كلمة الثلاث بما بين بقية الله في حكمه تلك حدود الله فلا تعتدوها لعلكم
في دين الله لتفبحون قل يا ايها المؤمنون ان اتقوا الله في الشهر الصيام ولا تقولوا في شئ الا
الحق وانفقوا مما كتب الله لكم بالليل والنهار من دون ذكر ولا منة واذكروا الله كثيرا لعلكم
ترحمون قل اقرؤا من آياتنا في الشهر الحرام اقبلت افئدتكم في وجه الله لان بها تثبت الولاية
للذين جعلهم الله ائمة العدل وان اولئك لهم المقربون قل اتلوا كتاب الله فيكم وما نزلنا
في شان يوسف لعلكم تنزلون جنات عدن تبدع فيها ما اشتهدت انفسكم بين يدي الله وان

الذِّكْرُ فِيهَا أَكْبَرُ عَمَّا كُنْتُمْ تَسْأَلُونَ قُلْ أَقْرَأُوا عَلَى حُكْمِ مَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاسْتَقْرَأُوا فِي أَحْرَفِ آيَاتِهِ وَ لَا تَقْرَأُوا حُرْفًا مِنْهَا إِلَّا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ مَا مِنْ نَفْسٍ تَلَى ذَلِكَ الْكِتَابَ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ عَلَى حُكْمِ مَا نَزَلَ عَلَى قَلْبِهِ إِلَّا وَ يَكْتُبُ اسْمَهُ فِي صَحْفِ الْإِبْرَارِ لِمُسْتَتْرٍ وَ أَنَّ ذَلِكَ لَهُوَ الْفَضْلُ الْعَظِيمُ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لِمُسْتَقْرَأِ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مِنْ أَهْلِ الْعِمَاءِ إِنْ أَتَّبَعُوا حُكْمَ اللَّهِ عَنْ يَمِينِ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَيُّهُ فَاتَّقُوا إِذَا شَهِدُوا شَهْرَ اللَّهِ فَاشْهَدُوا بِمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَ أُولُو الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ إِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ثُمَّ أَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ بِالسَّكِينَةِ مِنْ رَبِّكُمْ فَإِنَّ خَيْرَ الْحُكْمِ فِي كِتَابِ اللَّهِ ذِكْرَ الْعَدْلِ لِمُسْطَوْرٍ قَوْمُوا يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مِنْ مُرَاقِدِ قُدْسِكُمْ فِي الْأَسْحَارِ سَجَّدَا لِلَّهِ وَ أَنْتُمْ خَاشِعِينَ وَ اذْكُرُوا لِلَّهِ كَذِكْرِهِ نَفْسَهُ وَ أَقْرَأُوا آيَاتِ احْسَنِ الْقِصَصِ فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُوَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ وَ لَا تَغْفَلُوا مِنْ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ لَا تَنْسُوا ذِكْرَ الْحُسَيْنِ قَبْلَ حُكْمِ اللَّهِ فِي الْفَجْرِ وَ اذْكُرُوهُ كَذِكْرِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُوَ السِّرُّ الْقَدِيمُ وَ لَا تَرْقُدُوا لَيْلَةَ النِّصْفِ وَ لَا اللَّيْلَتَيْنِ مِنْ اخْتِي الْقَدْرِ وَ لَا لَيْلَةَ الْآخِرِ مِنَ الشَّهْرِ الْأَكْبَرِ وَ اذْكُرُوا لِلَّهِ فِيهَا بِقِرَائَةِ سُورَةِ الرُّوحِ سَبْعِينَ عَدَةً فَإِنَّ ذَلِكَ مَقَامُ الْمَحْمُودِ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لِمُسْتَسْرٍ وَ اتَّبَعُوا حُكْمَ الْوَحْيِ فِي سَاعَةِ الْقَدْرِ وَ صَلُّوا عَلَى كَلِمَاتِ الْفَضْلِ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ وَ اخْتِيهَا فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُوَ الْفَضْلُ الْقَدِيمُ ثُمَّ أَقْرَأُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ آيَاتِ مَا نَزَّلْنَا فِي الرُّومِ وَ بَعْدَهَا وَ خَذُوا نَصِيبَكُمْ فِيهَا مِنْ حُكْمِ الْكِتَابِ فَإِنَّ فَضْلَ اللَّهِ أَكْبَرُ عَمَّا كَانَ النَّاسُ يَعْمَلُونَ قُلْ أَفْطَرُوا بِالرَّطْبِ الْجَنِيِّ ذِكْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَعْمَلُوا الْعَطْرَ فِي كُلِّ حِينٍ حَكْمًا مِنْ اللَّهِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَ أَنَّ يَوْمَ النِّصْفِ هَذَا مِنَ الشَّهْرِ قَدْ وُلِدَ الْحَسَنُ ابْنُ عَلِيٍّ إِنْ أَشْكُرُوا لِلَّهِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنُ لِأَمْرِهِ فَإِنَّهُ لِعَزِيزٍ شَكُورٍ وَ أَنَّ يَوْمَ الْإِحْدَى بَعْدَ الْعِشْرِينَ مِنْ هَذَا الشَّهْرِ قَدْ شَهِدَ عَلِيُّ عَلَى الْأَرْضِ الْكُوفَةِ إِنْ أَذْكُرُوا لِلَّهِ لِأَمْرِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ اطْرَافِ النَّهَارِ ذِكْرًا كَثِيرًا قُلْ أَتَّبَعُوا أَحْكَامَ الدِّينِ مِمَّا نَزَّلْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ قَبْلِ فَإِنَّ الَّذِينَ يَتَعَدُونَ مِنْ حُكْمِ اللَّهِ لَنْ يَجِدُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي أَعْمَالِهِمْ عَدْلًا أَوْلَيْكَ هُمْ أَصْحَابُ الْحَجِيمِ قُلْ إِنْ أَكْبَرَ كُلِّ الْأَعْمَالِ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ ذِكْرُ

الحسين عليه السلام بما نزل في الكتاب من قبل والله عزيز حميد قل اغتسلوا في ساعات
الوتر وما نزل في القدر وبعدها ذكرا من الله لقوم يعملون قل ان فضل الله وحكمه في الشهر
الحرام ينزل للذين يؤمنون بآيات البدع والله عليم حكيم واذكر الله ربك في الحين على
كلمة البدع وقل ان الحمد لله رب العالمين واقروا آيات الله في الصحيفة لتكون من
الفائزين لمسطور ثم اتلوا

هذا الدعاء في كل يوم و بعد كل صلاة لتكون من الذاكرين لمكتوب

الدعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت المعبود لا شريك لك قد عرفتنى نفسك واهممتنى ذكرك ودعوتنى الى
وجهك ولولا انت ما كنت شيا حتى اعبدك فاسئلك اللهم بجودك في هذا الشهر الحرام
بما تحب لاهل محبتك الذين قد ابدعتهم لامرك و اخترعتهم لطاعتك واصطفيتهم
لمحبتك واجتبيتهم لمعرفةك وجعلتهم في كل شان مقام عزتك ومظهر قدرتك لئلا
يفوت من شئ شئ عن مقام اجابتك وشهد كل شئ من خلق كل شئ آيات عظمتك
حتى لا يحجب عن احد ظهور تجليتك في شان ويراك ظاهرا موجودا في كل شان لا اله
الا انت العزيز الحكيم واشهد لديك في ذلك المقام بما تنزل في القرآن من احكام
ربوبيتك وآيات قدرتك وما انت تبتدع من بعد في شان اهل ولايتك الذين قد جعلتهم
اركان توحيدك وآيات تقديسك كما انت تعلم لاسواك وكما انت تحب لا دونك انك
انت العلى الجواد يا الهى فكيف اعترف بما اكتسبت نفسى لديك في احكام محبتك و
آيات معرفتك بعد ما لا اعلم شئ منها كما انت تعلم جريرتها فان عملت خيرا لاريب انه
خطا لنسبته الى نفسى و ان عملت شرا فآه آه بعد حكم كتابك ونهى اهل ولايتك
اجترت عليك فسبحانك يا ذا العفو والرحمة ان تحكم لى بما كنت اهله لم يبق شئ

الآ ويهلك في الحين فسبحانك سبحانك فمن يوم الذي خلقتني الى الان قد تجليت
 لي في كل اقل من لمحة ما قد احاط علمك بظهور تجليك مثل يوم الذي لم اك شيئا و
 الى دوام نفسك قد ايقنت بذلك الفضل منك وهذه كلمة لا يشابهها شيء ولا يعادلها
 فضل فلما نزلت تلك الظهور احتجبت عن وجهك بما قد اشرت اليها فآه آه كل الان قد
 نزل من عندك كل خير قد احاط علمك الى كل شيء ولا يستشعر به احد الا الذين قد اردت
 الحكم لهم ولا يعمل بحكمه نفس الا الذين قد نزلت الامر في شانهم بل من سوء حالي
 وجريرات اعمالى لما نزل الامر في نفسى فمنك خير وفضل ولكن غير بسوء مقامى حتى
 ارتفع الحكم منه ويجر الحكم بمثل نفسى فآه آه اى ذنب اعظم منه و اى خطاء اكبر عنه
 فلم ادركيف يسكن القلب لديك وان سكونها ذنب لا يساويها ذنب فيا الهى كل الطريق
 بغير اذنك مردودة وكل السبل بغير رضاك مسدودة ان استشفعت بالخلق فقد كنت مشركا
 وان التجأت بدونك فقد كنت هالكا فآه آه ما لى السبل ولا اجد المقام للدليل وانك
 يا الهى رب جليل غنى الذى لا يتعاضمك شيء فى السموات ولا فى الارض وانك على
 كل شيء قدير فيا الهى لما كان فى مقاتلى اجتراح عظيم لا يستقر فوادى الا ارتكبت باجتراح
 اعظم وكلمه اكبر فمن قبل الذكر يا ذى الجود عفوك ومن قبل البيان يا ذى العفو سترت
 فانك عذابى يا الهى فى منتهى املى وما هى الا فتنتك فلولم يكن خوفى عن بعد قربك
 فمن يقدر ان يحزننى ويبكىنى تلقاء وجهك فسبحانك انت النار يا الهى سرى و علانيتى
 فلولا خوفى عن حجاب وجهك لعظمة نفسك فمن يقدر ان يحول بينى وبينك فكل
 الشدائد يا الهى منك فلولا انت لم تريد فلم يقدر ان يذلنى عن بعد حلمك فسبحانك
 سبحانك اقول ولا اخاف من احد الا منك لك وحدك لا شريك فكل ما شهدت
 بموارد الخوف لم ار الا من عينك فآه آه ان مقاتلى هذا تشهد مقاله عبدة الاوثان لان من
 العبد لم يجرى مثل تلك الحكم ولكنك يا الهى تعلم سرى و علانيتى لما قد طلاطم

ابحر الحزن و الفراق بين يديك يرشح محبتك قد خرج من يدى جبل سكينه نفسى و
بذلك يا الهى تغرق فى الماء و تخرج ثم تغرق فى الماء و تنطق ثم تغرق فى الماء و تعزك
فانت يا الهى منتهى مطلبى و قرارى و انك يا الهى نعمتى و رجائى و انك يا مولائى
منتهى مقصدى و مناى و اشهد ان كل ذلك سيئة منى لا يعرف احد حدها الا انت و حدك
لا شريك لك و ان قولى انت انت ذنب على ذنب و ان مقالتي نسبة النار اليك ذنب
اعظم من الذنب ولكن كليهما لديك مردودة بمثل نفسى و راجعة حكمها الى سرى و ان
لديك النور كالظلمة و ان كلمة النار مثل القرار و حكم الاقبال مثل الادبار لمشهود و لو
كان اهل المحبه من اجترحاتى بين يديك يتلذذون اكثر من مقالات عدلى اليك ولكن
الحكم لما كان منك لن يتخلف و ان الامر لما كان من حلمك على قدر المعلوم ينزل لن
يبدل فاه آه من كل ما قلت و احصيت و من كل ما يظهر منى ما قد احاط علمك فمن كل
ذلك استغفرك و اهرب منك و اتوب اليك انك انت الجواد الكريم اللهم انى اسئلك
فى هذا اليوم من الشهر الحرام ان تلاحظنى بنظره عزتك و تنادينى ببناء عظمتك حتى
ادخل بحر محبتك و اعمل بين يديك ببناء سرى جها كما تحب و ترضى و امددنى يا
الهى فى هذه الساعة بالانقطاع اليك حتى يمحو كل شى عنى و تستقر نفسى تلقاء
وحدانيتك من غير اشارة الى غيرك انك قدير عظيم و اسئلك اللهم يا الهى ان تصلى
بما انت اهله و تسلم بما انت تستحق به على محمد و آله و اهل طاعتهم انك حميد مجيد
و اسئلك اللهم يا الهى ان تكتب لابوى و لمن اتبع آياتك بالعدل كل الخير ما احاط
علمك و العصمة من كل سوء ما يحصى كتابك انك انت الله لا اله الا انت
لا يتعاطمك شى و انت على كل شى محيط و عن العالمين غنى حميد فسبحانك يا الهى
لا حول و لا قوة الا بك استغفرك و اتوجه بك بما نزل فى القرآن لاهل محبتك بان آخر
دعويهم كلمة الحق من عندك ان الحمد لله رب العالمين

ثمّ قل اتلوا هذا الدّعاء فى ثلثى اللّيل او فى ذكر آخرها ذكرا من الله لانفسكم ان كنتم
تعقلون وانه لدعاء ما نزل بمثله ولم يقرأ آياته احد بالعدل الاّ وقد استحق فضل ربك فى
يوم قريب.

السورة الثانية فى اول الشهر الحج

بسم الله الرحمن الرحيم

الم حكم الله فى ليلة الفطر لا اله الا هو قل اياه فاسجدون وان فى مثل تلك الليلة
 فليعبد الخاشعون بارئهم خوفا من يوم كل الى الله يحشرون وانه ليوم القيمة لا ريب فيه قل
 انتم وما عملتم فى سبيل الله يومئذ الى الله ليبعثون وانه لا اله الا هو يجزى الكل بما
 كسبت وما كان الله ليظلم نفسا من بعض خردل والله غنى حميد قل ان حكم هذه الليلة
 مثل قدر فى كتاب الله ان اعبدوا الله ربكم بركعتين من الصلوة ووحده فى الركعة الاولى
 بحكم على الف عدّة وفى الثانية عدّة وحده لعلكم ترحمون قل استغفروا ربكم بعد الختم
 مائة عده ثم سلموا بين يدي الله تلقاء مرقد الحسين عليه السلام بما قد شهد الله لنفسه انه لا
 اله الا هو العزيز حميد قل افطروا يوم العيد ببعض خردل من طين ارض المقدسة واغتسلوا
 بحكم الله فى الليل واول النهار لتكونن من الفائزين لمكتوب قل يا ايها المؤمنون صلوا يوم
 العيد فرضا فى كتاب الله لمن فرض الله حكمه ولا تعرضوا من حكم الله فتقلبوا الى انفسكم
 خاسرين وانها الصلوة قد قرء محمد رسول الله صلى الله عليه وآله فيها خمس قنوت فى
 الركعة الاولى واربعة عدّة فى الثانية ذكرا من الله لقوم يعملون قل اقروا هذه الدعاء لدى
 بسط اليدين لتكونن من الذاكرين لمكتوب.

الدعاء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا الهى انّ لك الجلال والبهاء ومنك قد نزل كلمة العظمة والسناء لا اله الا انت اشهدك بما تشهد لنفسك قبل كل شى لا اله الا انت واشهد لمحمّد كما قد شئت لنفسه و خلقت الخلق لحكمه لا اله الا انت واشهد لاوصياء محمد حبيبيك كلمة العدل من نفسك لا اله الا انت واشهد لكلّ حق قد آمن بهم وبسرّهم ما قد احاط علمك كلمة العفو من نفسك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك اللهم انّ يومك والمقام مقامك واتى اقلّ ذرّة من عبيدك سائل بابك ولائذ بجنابك فاكتب لى بجدوك كل الخير ما تحبّ لنفسك واغفر لى ولابوى ولاهل محبتك ما انت اهله ومستحقه انك اذا اردت بشيى فقبل ان تقول له كن لديك لموجود فسبحانك اللهم وبحمدك اعترفت بحقك ان لا اله الا انت ولا اذكر لديك الا بما تصف لى نفسك وانك على كل شى شهيد وبما تشاء كما تشاء قدير والحمد لله رب العالمين.

و اذا فرغت عن الصلوة سبح ربك بعدة معدودة لتكونن فى العالمين لمسطور واقراء دعاء ما نزلنا فى الصحيفة وما نزل فى صحف القبل فانّ حكم الله فى كل آن لمشهود و قل يا ايها الملاء زكوا انفسكم وما قد جعل الله حكمه بايديكم فى يوم الفطر قبل الزوال بتسعة ابطال مما رزقكم الله من فضله لتكونن من المؤمنين فى ام الكتاب لمسطور قل ان احبّ ما قدر الله لكم فى ذلك الحكم ثمرة التخل ان اتبعوا امرالله لعلكم ترثون ممّا قد اعدّ الله لكم فى الرضوان وانه لا اله الا هو لغنى عزيز قل اتى احبّ ان انفق فى سبيل الله فى ذلك الفرض سكر المكرر وكذلك قد كان حكم الله فى ام الكتاب مقضيا قل اذكروا الله فى ليلة النصف من هذا الشهر فانّ فيها ساعة يتنزل الامر من عندنا على حكم مستتر ان اسمعوا يا ايها الملاء من اهل العماء نداء الورقة على السّيناء فى آناء يوم العيد من كلمة العدل لا

اله الآ هو قل آياه فاذكرون ما من نفس قد قرء فى ذلك اليوم سورة الزوال الآ وقد كتب
اسمه فى صحف المقرئين لمستتر و لقد نزلنا تلك الآيات للذين يدخلون الجنة بالباب ثم
يقولون على كلمة الرحمن ان الحمد لله رب العالمين.

السورة الثالثة فى اول شهر الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله فى الورقة الخضراء عن يمين بحر الاحمر لا اله الا هو قل اياى فارهبون
انا نحن قد نزلنا الروح فى الشهر الحرام للذين يصومون الله ربهم الرحمن الذى لا اله الا هو
العزير الحميد ان اتبع ما اوحى اليك من كتاب البدع فانه لهو الحق مثل ما كان الناس فى
علم الله ليوقنون و لقد حرم فى الكتاب حكم القتال فى اشهر الحج الا لمن اعرض من
ذلك الحكم عن كتاب ربه فحينئذ حل للمؤمنين على حكم القرآن لمفروض قل يا ايها
الملا ان اتقوا الله وافعلوا الخير بالعدل فى اشهر البدع لتكونن من الساجدين لمكتوب وان
هذا الشهر فى حكم الكتاب اسم الحسن فى لوح الحفيظ لمسطور قل يا ايها الملا ان
ذكروه كذا ذكر الله انفسكم فان الحكم والاسم لدى ذكره عند الله لمقطوع ان اتلوا هذا الدعاء
فى كل يوم بعد الزوال لعلمكم ترون الفردوس من حكم الله خالدا ابدا الدعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله لنفسه بما هو اهله لا اله الا هو العزيز الحكيم واشهد لمحمد رسول الله صلى الله
عليه وآله بما قد شهد الله لنفسه بذاته ان لا اله الا هو الغنى الحميد واللهم انى اسئلك
بالورقة المصفرة المنبته من شجرة البيضا ان تصلى على جحتك ابن جحتك الحسن ابن
على عليهما السلام شئونتك البديعة التى لا يعلمها احد سواك انك انت الجواد القديم
اشهد لديك يا الهى بانه نور من نفسك وآية من قدرتك ومراه لوجهك الذى قد تجليت
له بعزائيتك طهرا عن الاشارة والاشباه ولا يحيط بعلمه اهل من الخلق اذ انه لا يدل فى
شان الا عن نفسك ولا يحكى فى مراه الا عن وجهك ولا يعرفه احد من الخلق كما انت
ابدعته لنفسك وجعلته مقام عزتك لا اله الا انت فاسئلك اللهم يا الهى ان تسلم عليه و
على جدته وآبائه وامه واخاه وعلى التسعة المقدسة احرف التوحيد ائمة العدل الذين

يعملون بامرک و يحکمون من خشيتک كما انت اهلہ و مستحقه انک ولیّ حميد و اسئلك
 اللّهم يا الهی ان تصلى على شيعتهم كما هو يستحقون لديک انک انت العزيز الجواد
 لا يتعاضمک شیئ فی السموات و لا فی الارض و انت على کل شی قدير و عن العالمين
 غنى حميد و لاحول و لا قوّة الاّ بک و الحمد لله ربّ العالمين.

و انّ فی يوم الخامس بعد العشرين من هذا الشهر قد رحى الكعبة باذن الله فاذكروا لله فی
 ذلك اليوم بذكر الحسين ذکرا طويلا و انّ فی يوم الآخر من هذا الشهر الحرام قد قبض
 محمد الجواد بايدي ربّه و انه لا اله الاّ هو لعزیز حلیم ان اذكروا الله بذكره فی ذلك اليوم
 فانّ حکم الله فيه مثل عشر المحرّم فی امّ الكتاب لمسطوروا تلوا هذا الدعاء فی ذلك اليوم
 لتکوئن من الفائزين لمشهود.

الدعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الحي لا اله الا انت قد خلقت الخلق بامرک واحتمت الموت لعبادک لتجزى فى النشأة الاخرى لكل مما عملت ايديهم فى سبيلک واحببت اهل الولاية فى حکم الموت بايدى نفسک كما قد نزلت فى کتابک المحکم على محمد رسول الله وخاتم النبیین باسم نفسک انک تتوفى الانفس حين موتها فاشهد ان فى ذلك اليوم قد ارفعت الحجاب عن وجه حجّتک ابن حجّتک محمد ابن على عليهما السلام واتصلته الى مقام الذى قد قدرت له فى عالم القدس اللهم به قد خلقت الخلق وبه قد حتمت الرجوع واشهد انه فى كل شأن قد كان على غاية الاعتدال ولولا اجترح قاتله بامرہ وما نزل القضاء من حکمه لن يتبدل جسمه حتى اتصلت بها الى مقام الجنة فآه من قتل اهل ولايتک ولولا اهل الشرك يجترحون عليهم لن يتغيروا من قديم الامر الى ما يضمن من الاحداث واشهد انهم بعد القتل كمثل ما قبلهم احياء عندک يعملون بامرک ويحكمون بحکمک و لا يأخذهم حد ولا سنة مغيره فسلم اللهم عليهم كما يستحقون وعذب اللهم اعدائهم كما يعملون وانزل على مرقد من ارفعه فى ذلك اليوم اليک ما انت تستحق به من العطاء انک منان ذو الجود و انک على كل شى قدير ولا حول ولا قوة الا بامرک واقول من حکم الكتاب انا لله وان الحمد لله رب العالمين.

سورة الرابعة في الشهر الحجّ

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله للورقة الحمراء عن يمين بحر الاخضر لا اله الا انا قل آيى فاسجدون
 الا يا ايها الملاء ان اتبعوا حكم الله فى الحج فانه فرض لمن استطاع من سبيل البرالى
 البيت سبيلا ان احرموا لله بثوبين بيض من ارض التى قد ذكرها رسول الله صلى الله عليه و
 آله وسلم لكل طائفة منكم حكما للعمرة المتمته الى الحج لعلكم ترحمون وان حكم الله
 للرجال السر من حول النقطة ثم للرجال المستسر حول الالف ثم للرجال المقنع حول الباء
 ثم للرجال الاعراف حول الهاء فى ام الكتاب لمسطور وكذلك حكم الله للنساء فى حين
 الاحرام و من يتعدّ حدود الله لن يستطيع يوم القيمة بحكم و اولئك هم الخاسرون و لقد
 فصلنا حكم ما حرم فى الاحرام و ما نزلنا من عند الله فى حكم الطواف و ما فصل فى حكم
 السعى بين الصفاء و المروة و ما قدر بعده فى كتاب لبحر لو شاء الله ليظهره و الله عليم حكيم
 وكذلك قد فصلنا فيه حكم الحج و ما قدر فى العرفات و المشعر و المنى على شأن الذى
 لم يذكره احد من قبل ذلك و الله خير عليم ان هذا الشهر فى حكم الكتاب اسم الحسين
 عليه السلام ان اشهدوا لله فى يوم التاسع منها تلقاء المرقد بذكره لتكونن فوق العرش من
 زائر الرب مشهودا و ما ارى لذلك حد فى كتاب الله و ان عدة الحج لديه فى ذلك الشأن
 لمسدود فيا ايها الملاء ان اتبعوا حكم الله فى تسعة صوم يوم من اول الشهر و يوم الثامن بعد
 عشر الثانى عيد الاكبر و يوم الرابع من العشر الثالث الى يوم السابع لتكونن من العابدين بين
 يدى الله لمشهود ان اتلوا ما نزلنا فى الصحيفة من قبل يوم العرفة و قبله و يوم الثامن بعد
 عشر الثانى عيد الغدير و بعده فان ذلك فضل الله فى الكتاب و انه لا اله الا هو لعزيز حميد
 و اشهدوا كلمة الحزن من يوم السابع من العشر الاول فان يومئذ قد غيب بعد الموت جسد
 محمد ابن على الاول فى ارض المدينة و ان ذلك يوم لدى الله بمثل يوم عشر المحرم لعزيز

عظيم واتبعوا حكم الله فى صلوة الغدير ويوم الرابع بعد العشرين بمثله قبل الزوال فانه لصلوة قديم وانه لركعتين صلوة حق قد قرء آل الله سلام الله عليهم فيهما بعد كلمة الاوّل سورة التوحيد وآية الكرسي الى حرف التّون وسورة القدر كل واحد منها عشرة عدّة حكم من الله لقوم يعملون قل يا ايّها الملائ من اهل الفردوس ان ادخلوا الباب بتلك الصلوة فانه لخير ذكر عظيم تعدل فى كتاب الله حكم حج البيت من دون عدّة مكتوبة مائة الف حج ومثل ذلك فى حكم العمرة فضلا من الله للخاضعين جميعا وانفقوا فى سبيل الله يوم الغدير ما قد رضيت افئدتكم فى سبيل الله فانّ جزائه من حكم الحدّ لممنوع قل اقروا الى يوم العاشر هذا الدّعاء لتكونن من السّاجدين لمكتوب.

الدّعاء

بسم الله الرّحمن الرّحيم

شهد الله انه لا اله الا هو لن يحيط بعلمه الا هي سبحانه وتعالى عمّا يصفون اللهم انّ الشهر شهرك والايام ايامك اسئلك بمن قد اظهرت حكمه فى هذا الشهر وجعلت فضله لذكر شانه ان تسلّم على على اميرالمؤمنين وليك القائم بامرک و المنتجب لسرك الذى قد اقمته مقام حبيبك فى كلّ شان و خلقت الخلق ليومه فى هذا الشهر المكرّم كما انت اهله انك انت الله لا اله الا انت من دون عدّة وانك انت الله لا اله الا انت من دون ذكر مجده وانك انت الله لا اله الا انت من دون هندسة بديعة وانك انت الله لا اله الا انت من دون اسم قديمة وانك انت الله لا اله الا انت من دون نعت متشابه وانك انت الله لا اله الا انت من دون وصف مخترعة وانك انت الله لا اله الا انت من دون آية مبتدعة و انك انت الله لا اله الا انت من دون مثال محدثه وانك انت الله لا اله الا انت من دون شبه فى الذكر يحبه وانك انت الله لا اله الا انت من دون امر يحده وانك انت الله لا اله الا انت من دون شأن يقدره سواك لا اله الا انت اسئلك ان تصلّى على محمّد رسولك

خاتم النبيين بافضل ما قد احاط علمك ويحصى كتابك و على ائمة العدل بمثل ما قدرت له انك وليّ حميد اشهد لديك بانّ اسمائهم قد اشتقت من اسماء نفسك و انهم على و فاطمة والحسن و الحسين و على و محمّد و جعفر و موسى و على و محمّد و على و الحسن و الخلف المنتظر صلواة الله عليهم محالّ محبتك و اركان توحيدك و آيات عظمتك و علامات عزّتك الذين بهم كلّ الخلق في كلّ شان ليعدلون و اسئلك اللهم بجودك ان تنزل على شيعتهم ما كتبت من جودك لنفسك انك انت الله لا اله الا انت العزيز القديم

قل اتبعوا حكم الله في يوم العيد بما نزلنا من قبل لتكوننّ من الفائزين لمسطور و لمن قدر على ارض المنى فرض عليه حكم الهدى و لدونه سنه الله قد قضى بالعدل و كان الحكم في ام الكتاب مقتضا ان اتلوا كتاب البدع في ساعات هذا الشهر لتكوننّ من المجاهدين في كتاب الله لمكتوب و اقروا هذا الدعاء

في يوم العرفة و يوم قبله و بعده و يوم الغدير و كل جمعة و يوم البدع و الرابع بعد العشرين من هذا الشهر بال غسل فانّ فيه اسم الله العظيم لمستور
الدّعاء

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت السلطان بلا ضدّ و انت المقتدر بلا ندّ قد ابدعت الخلق بحرف من الابداع لا من شئ و جعلت في حقائق كل شى ذكرا من نفسك لا من شبه فاشهد لديك بتلك الآيات القديمة في ذلك اليوم العظيم بما قد شهد ذاتيتك لنفسه قبل كل شى لا اله الا هو و لا يعلم احد كيف هو الا هو يا الهى اشهد ان ذاتيتك مقطعة الوصف عن البيان و انّ كينونيتك مسدّدة النعت عن الاستدلال و انك يا الهى كما انت لن تعرف الا بنفسك و لن توصف الا بوجهك و انّ منتهى مقام الخلق قد تزوّتت من نقطة الفصل و انّ اعلى

جواهر العباد قد تجلجلت من نقطة الياس لن يدلّ المثل في حقائق الممكنات الآ بالمنع
ولاستدّل الهندسة في ذاتيات الخلق الآ من مقام القطع فسبحانك يا الهى من عمل
الخلق وكل ما هم عليه من الامر لآتهم لا يعرفون الآ حظ انفسهم ولا يشهدون الآ بما قد
جعلت في حقايقهم فسبحانك من اراد توحيدك فقد احتجب بنفسه و لذا قد مددته
القضاء من عندك ليحتمل كلمة الشرك في صقعه و من اراد الوصف لنفسك فقد ادعى
الضدّ لذاتك لانّ الوصف لدى الاشارة مردود الى نفسه فسبحانك كلّ الخير منك ولك
وحدك لا شريك لك و ما ينسب الى الخلق و يظهر منهم آيات ملكك لا اله الا انت
فسبحانك يا الهى لا احصى ثناء عليك و لا احبّ ذكر الشئى الا لوجهك فكيف اذكر
حالى لديك بما قد احاط علمك دون ما لا اعلم نفسى شيئاً منها فاشهد يا الهى بانّ من
ذكرى توحيدك قد اكتسبت سئة لو تعذبني بكل قدرتك جزاء ذلك العمل سرمداً الابد
بدوام ذاتك لكنت مستحقاً به و لا يعدل ذنبى فآه آه من جريرات الكبرى و المصيبات
العظمى عما ارتكبت فى تلقاء وجهك من دون اذن من حكمك فها انا ذا فى مقامى
لديك استغفرک و اتوب اليك واعترف بان استغفارى من الذنب ذنب يحتاج الى كلمة
الاخرى و هى لانفادها الا العجز منى و العفو منك سبيله لا اله الا انت فاسئلك اللهم
بجودك ان تصلى على محمد و آل محمد بما قد احاط علمك و احصى كتابك انك
انت الجواد ذو المنّ لا يتعاضمك شئ فى السموات و لافى الارض و انك على كل شى
قدير و بما تشاء سريع قريب اللهم انّ اليوم يومك و المقام مقامك فاسئلك اللهم بحقك
الذى لا يعلمه احد سواك ان تصلى على وليك القائم بامرک و الرّاضى بحكمك و
الدّاعى الى نفسك حجّتک ابن حجّتک الذى قد اخترته لنفسك و اجتبته لمحبتك و
اصطفيته لولايتك و جعلته مقام نفسك فى المعروفة و العطاء اذ انت لم تزل لم تقترن
بجعل الاشياء و لا تتغير فى شان بالعطاء و انك انت العزيز المتعال اشهد انّ مشيته فى

كل شى ذات مشيتك و ارادته على كل قضاء حكم الامضاء منك لم تغيرة الازمنة و الدهور
لعزّ جلاله و لاينال الى قدس معرفته احد من الخلق لعلوّ بهائه و لا يغرب من علمه شىء فى
السّموات و لا فى الارض و ما من شىء الا بحكمه و اليه يرجع حكم الخلق و الامر باذنك
انت الله لا اله الا انت الغنى القديم اللهم سلّم عليه فى كلّ شان بما انت اهله و مستحقه
واحفظ اللهم غيبته و انجز ما وعدت له اّتك بكلّ شىء محيط و على ما تشاء قدير و اسئلك
اللهم بجدك ان تصلى على عبده الذى قد ارسله الى الخلق بالآيات البيّنات و بين سبيل
معرفته فى آيات المحكمات و اشهد انه قد بلغ ما حمل من حكمه و اّتك على كل شى
شهيّد و لاحول و لا قوّة الا بالله العليّ العظيم و الحمد لله رب العالمين.

السورة الخامسة فى الشهر المحرم

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله للورقة الحمراء عن شمائل بحر الاخضر لا اله الا هو قل آياى فاشهدون
وان فى يوم الاول من هذا الشهر من سنة خمس و ثلاثين و مائتين بعد الالف قد ولد الذكر
على الارض المقدسة وينادى الحق فى الحين ان الملك لى و اتى انا العلى الكبير فما
من عبد قد صلى فى ذلك اليوم لذكرى بركعتين على عدة اربعة عشرة سورة التوحيد و
ركعتين على سورة الذكر و الزوال الا وقد فرض عليه حكم الفردوس وان الله ربك لا يخلف
الميعاد قل صوموا ذلك اليوم شكرا لوجهه انه لا اله الا هو العزيز القديم و اذا طلع الشهر
فلبسوا على هيكل الاحدية فى انفسكم و ما قد جعل الله فى حكمها رداء السوداء و لا تغفلوا
اقل من لمححه عن ذكر الحسين فانه لامام عدل قتيل و لو تعلموا فضل ما قدر الله فى بكائه
لن تختاروا لانفسكم الا ذكره انبيوا الى الله بالعدل لعلمكم تشهدون و اعلموا بان بعضا من
العمل فى ذلك اليوم لا ينفعكم الا بعد طاعتنا فى ذلك الباب ان اتقوا الله و لا تتبعوا اهواء
انفسكم لعلمكم تشكرون و ما من نفس قد عمل كل الخير ثم يكفر بحرف من آياتنا الا و
نحشره يوم القيمة بين ايدينا فى تابوت من حديد فيومئذ لا يستطيع بشيىء من الحكم و كل
الى الله يبعثون و اذا ورد عليكم يوم العاشر خذوا حظكم من نصيب الكتاب و ابكوا لوجه
الله ما استعظتم فانه قد قتل فى مثل ذلك اليوم عطشانا فريدا عذب الله الذين حاربوا
بالحسين هم فى يوم الحق و الذين قد رضوا بفعالهم قد كانوا فى الحكم بمثلهم و ان
اولئك لهم الكافرون و لا تقربوا الكلام و لا الدخان و لا الاشارات فى معقد ذكره فان كل
ذلك سيئة فى كتاب الله و الله عزيز حميد و ان الله قد حرم ذكره فى صور المثل ان اتقوا الله
و لا تنسبوا الى انفسكم اسماء العدل و اهل الحرم فان من تشبه بالحسين لذكره فقد احتمل
حجة الولاية لله ان اعرضوا يا ايها الملامن خطوات الشيطان فان الله قد حرم فى الكتاب

اعمالكم و انتم بآيات الله لاتعملون ان اقروا فى مساكن ذكره آيات البدع و ما نزل فى الآيات من اسمائنا لتكونن من الفائزين عندالله مشهودا و انا نحن ما نحبّ فى ايام الذكر حرف الشعر ان اقروا آيات الله بالعدل و ما نزل فى الاخبار بالحق فانّ ذلك لهو الفوز الكبير واقروا كتاب البدع فى يوم الخامس بعد العشرين من هذا الشهر المجلّل فانّ فى ذلك اليوم قد قبض على ابن الحسين فى المدينة و انه ليوم بكاء عظيم و لاتقربوا الاشارة يوم عاشورا فانه لدينا لذنوب عظيم و سلّم على الحسين فى يوم عاشورا و ليله بهذه الآيات لتكونن من اهل الحضور لمسطور

بسم الله الرحمن الرحيم

شهدالله لعبده بشهادة نفسه ان لا اله الا هو الحىّ القديم اللهم انت السلام و منك السلام و اليك السلام و حدك لا شريك لك اشهد ان اليوم هذا يومك و المقام هذا مقامك و الشهيد فيه حجتك ابن حجتك و انت يا الهى قد دعوت لما قد وعدت بالحق لاهل اجابتك عن زيارة نفسه بنفسك و عن محضر عرشه بقدرتك و عن ذكر ذلته بذكر عزّتك و عن مقام مقهوريته بمقام قوتك و عن مصرعه بمقام رحمانيتك انك ذو الجود العظيم اشهد انه و ان قتل بين ايديك ولكن حىّ لديك و لا يعجز فى قدرته شىء و لا يعزب من علمه شىء و لاتغيره الدهور و الازمنة لانه من نور ذاتك قد خلقته و لازوال له سرمدا ابدأ فجلت مصيبته يا الهى لديك و عظمته بلائه يا الهى عندك و انت تعلم حقه لاسواك و انك قد عرفت بلائه لادونك فسلم اللهم واجزه من رضاك كما انت اهله و انزل الرحمة بجودك على الذين قد قتلوا بين يديه فى ذلك اليوم كما انت تستحق به فانّ اولئك لهم الفائزون المقربون و اكتب رحمتك للذين يعملون فى سبيل نفسك و يتبعون انفسهم فى سبيل ذاتك و سيكون فى ايام العدل لوجهك كل الخير ما قد احاط علمك فانك جواد ذو المن لا تامر به حكّم الا و تخلق قبل ذكره جزائه فى الفردوس لمن اتبعه و كان من

الساجدين السلام عليك يا ابا عبد الله ورحمة الله وبركاته اشهد يا مولائي لديك بانك و ان قتلت لم تمت بل بحياتك حيّ وجود افئدة الخلق و بوجود ثارك يقبل الله شهادة المتوحدين واشهد انك نور الله الذي لا يخفى و امر الله الذي لا يقهر و سرّ الله الذي لا يعرف و اسم الله الذي لا يوصف قد علت ذاتيتك عن الوصف و جلّت كينونيتك عن النعت و لا يعرف احد كيف انت الاّ الله الذي خلقك و تلى بذكر ثارك الى نفسه لا اله الاّ هو و اشهد انك حين قطع الرّأس متّصل بنور الله ربّك و حين وحدتك على الارض كلّ الموجودات خاضعة لديك و خاشعة لوجهك و منصعقة لمصيبتك لا ذليل نفسك و الله في كل شأن معزّك و لا انت مغلوب في شأن الاّ و كان الله ناصرك انت القليل بلا مثل و انت الفريد بلا شبهه فصلّى الله عليك يا حجة الله كما هو اهله أنّه عزيز حميد اشهد لديك بانّ من ثارك قد تغيّر حكم احرف الاحدية في اجمة اللاهوت و تبدل حكم كلمه التّسيح باحرف التكبير في ارض الجبروت و ما من شئ الاّ و قد سبح الله بذكرك و يبكى في كل شى لوجهك الله يعلم يا مولائي مصيبتك و كبر بلائك و انّ ما سواك في حكم الشهادة و الالم كتوحيد النملة لديك فسبحان الله الاحد الفرد الحيّ القيوم الذي لا يعلم احد كيف هو الاّ هو اللهم انى اشكو ابشى و حزنى في ذلك اليوم اليك فاسئلك اللهم بوجودك ان تدخلنى في باب حرمك و تكتب اسمى في الرّائرين لنفسك و تعذب الذين قد جعلوا هذا اليوم يوم الفرح و رضوا بفعل حزب الشيطان بعذابك الدائم الابد انك تقدر على ما تشاء و تحكم بالعدل لمن تشاء بما تشاء فاسئلك اللهم بحقّك و بحقّ من قتل في ذلك اليوم بين يديك ان تعذب اعداء الدّين الذين قد حاربوا معك و قتلوا حجّتك و الذين اتّبعوا اعمالهم من بعد بما انت تقدر به عند الاخذ انك على كل شى قدير و بكل شى محيط و لاحول و لا قوة الاّ بالله العليّ العظيم و الحمد لله رب العالمين.

السورة السادسة فى الشهر الصفر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الم ذكر الله للورقة البيضاء عن الشجرة الحمرا لا اله الا هو قل ايها فارهبون قل
اعملوا في ايام الله فان دار الآخرة لحق وكل الى الله يحشرون قل صوموا يا ايها الملا يوم
السابع من هذا الشهر فان فيه قد ولد عليّ ابن موسى وانه لعيد حق عظيم ان اعلموا حكم
الله في ايام مولدهم كيوم حكم رسول الله في العدل وان الله يعلم ما انتم لتفعلون وان في
يوم السابع بعد عشر الاول من هذا الشهر قد قبض بايدي الله من ولد فيه وانه ليوم مثل عشر
المحرّم في ام الكتاب لمسطور ان ابكوا لوجه الله ما استعظتم فان وعد الله لحق وانه لا
اله الا هو لغني حميد ان اقروا يوم العشرين ذكر الله في الزيارة الجامعة فان ذلك حكم الله
للمؤمنين جميعا وان في ذلك اليوم قد اتصل ما قطع للكافر بما قد شاء ربك فضله وان
ذلك من امر الله في ام الكتاب لمستروان في يوم الثامن بعد العشرين قد قدم يوم عاشورا
وقد قبض فيه من حكم الله كلمة العدل محمد رسول الله والحسن ابن علي نفسه قل اعملوا
ما شئتم في وجه الله فان ذلك اليوم في ام الكتاب عظيم واقروا في ذلك اليوم كلمة
التوحيد سبع مائة عدة لتكونن من الزائرين لذكر الله في ام الكتاب لمسطور والى ذلك الشأن
قد نزلنا الحكم بالعدل و اردنا من قبل ان نفصل في ذلك الكتاب احكام السنة هدى و
بشرى لقوم يعملون وان الآن لما قد قرأنا كتب القوم انتقمنا باذن الله عنهم و حرّمنا عليهم
آياتنا الا لمن اذن الله بالحق الى يوم حق معلوم ولما بقى من الزوال بعض من النهار نفصل
للناس احكام ايام الله الذي قد كتب الله عليهم لعل الناس بآيات الله ليقفون .

السورة السابعة في الشهر الكتاب عين الأول

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله للورقة المباركة عن يمين بحر الاحمر لا اله الا هو قل آيى فاشهدون فو
الذى استقر العرش على الماء منع حرف من كتاب الله اكبر للناس من نار جهنم ان كانوا
بآيات الله يشعرون ان اذكروا وجه الله الاكبر الحسن ابن على ابن محمّد فى يوم الثامن من
هذا الشهر فانه قد قبض فيه باذن الله و على مثل ذلك فلييك الموحّدون انا لله و كل له
ساجدون و ان يوم التاسع بعد ذلك اليوم فاشكروا الله لمن دخل فى النار و اجعلوه عيد
اكبركم لعلكم تشكرون و انّ فى يوم نصف هذا الشهر قد ولد اسم الله الاكبر على ابن موسى
فاشكروا الله ربكم الرحمن لذكره فصلّوا عليه لعلكم ترثون فردوس عدن كل ما تحبّون بلا
ذكر شئى لدى انفسكم لتوجدون و انّ فى يوم السابع بعد عشر الاول قد ولد محمّد رسول
الله و انه لعيد حق عظيم و انّ فى ذلك اليوم قد ولد ذكر الله الاكبر جعفر ابن محمّد ان
اشكروه لوجه الله و اذكروه لحكم الله لعلكم بلقاء الله توقنون ان اقروا فى ايام الله من الصحيفة
و الآيات ما شئتم فانّ ذلك لهو الفوز الكبير .

السورة الثامنة فى الشهر الايمان عين الثانى

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله للورقة الحمراء عن الشجرة الصفراء لا اله الا هو قل اياى فارهبون ان
اذكر الله فى يوم العاشر من هذا الشهر فان فيه قد ولد الحسن ابن على ابن محمد وانه لعيد
حق فى كتاب الله لمسطور ان اذكروا الله فى كل الايام بمثل يوم الغدير وكل ساعات الليل
بمثل ليلة القدر لعلكم تفلحون وسلموا على آل الله لدى مرقدهم فصلوا على الباب تلقاء
الباب لعلكم تشكرون وارسلوا الى فى ايام العيد وورقات الاعمال ليغفر الله عنكم عما كنتم
لا تعملون ولا تعقلون.

السورة التاسعة في حكم جيم الاوّل

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله عن يمين الطور لا اله الا هو قل اياي فاسمعون انا نحن نقدر على كل شى
وانا نحن لعاملون وانا نحن نعلم كل شى وانا نحن لشاهدون وان فى يوم نصف هذا الشهر
قد ولد اسم الله الاكبر على ابن الحسين وانه لامام عدل مبين ان اشكروا الله فى ذلك
اليوم وسلموا عليه لعلكم ترشدون الله يعلم حيث ينزل حكم الوحي وانا له عابدون .

السورة العاشر في حكم جيم الثاني

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله ربك في النار عن يمين جبل الثلج لا اله الا هو قل اياى فانصرون وان
 فى يوم الثالث من هذا الشهر قد قبضت ما ولدت فى يوم العشرين وانها لورقة مباركة عن
 الشجرة الصفراء لا اله الا هو قل اياى فاسجدون يا ايها الملا الذين اتبعونى فى حكم الله
 شرفوا كل واحد منكم فى كل سنة الى مراقد آل الله ثم سلموا منى عليهم وكذلك فى
 حكم الحج لعلكم باسم كلمة المستسرفى كتاب الله لمسطور وان ذلك لهو السر المجلل
 فى كتاب الله لمكتوب وسبحان الله رب العالمين عما يصفون وسلام على المتبعين حكمى
 وان اولئك لهم المقربون والحمد لله رب العالمين.

السورة احدى عشر فى الشهر الحرام (رجب)

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر ربك فى الشهر الحرام لا اله الا هو قل اياى فاحضرون يا ايها الملاء صوموا فى هذا الشهر ما استطعتم فان آيات الفضل فيه لمكتوب وان فى يوم الثانى من هذا الشهر قد ولد بالعدل ما قبض فى يوم الثالث وانه لعلى ابن محمد فى ام الكتاب لمكتوب ان اشكروا الله فى يوم الاول واحضروا لدى مرقده فى يوم الثالث فانه ليوم حق عظيم وان فى يوم العاشر قد ولد محمد ابن على باذن الله على الارض المقدسة وانه لامام عدل كريم وان اليوم ذلك يوم العهد فى ام الكتاب لمكتوب ان اقروا صلوة العدل فى ليلة التصفى واختيها فان ذلك افضل الاعمال فى ام الكتاب لمسطور ان اعلموا يا ايها الملاء ذكر ليلة السابع من العشر الثالث من هذا الشهر لعلكم ترشدون وانها ورقة من الشجرة الحمراء لا اله الا هو قل اياى فاشهدون ولا ترقدوا فى تلك الليلة فان من ساعة فجرها قد بعث محمد رسول الله على الامر وانه ليوم عز قديم ان اقروا فى تلك الليلة من آيات البدع ما استطعتم فان ذلك لهو الفوز الكبير فى ام الكتاب لمكتوب ثم اتلوا ما نزلنا فى الصحيفة من قبل فى تلك الليلة لعلكم ترحمون واذكروا الله فى ذلك الشهر بذكر نفسه لا اله الا هو ثم قولوا ان الحمد لله رب العالمين.

السورة الثانية عشر في الشهر المؤخر عن شهر الحرام (شعبان)

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذكر الله للورقة الصفراء قبل ورقة الخضراء لا اله الا انا قل اياى فاتقون ان اعلموا حكم الله فى هذا الشهر فانه يشهد حق قديم قل صوموا ماشئتم وانظروا فى بدع انفسكم وخلق تلك الآيات لعلكم تتذكرون بآيات الله ثم لتهدتدون وان فى يوم الثالث قد نزل الروح على العرش وانه ليوم عيد عظيم ان احضروا عرش الله ثم لمن استقر عليه فانه لامام حق شهيد وان فى ليلة النصف واختيها صلوا مثل ما القينا اليكم فى الشهر الحرام لعلكم بآيات الله لتوقنون وان فى ليلة النصف من سنة ١٢٥٥ هذا الشهر قد ولد بقية الله امام حق عظيم صوموا يا ايها الملا فى النصف ولا تترقدوا فى ليلة فان ذلك فضل الله فى كتاب مبين واجهدوا فى هذا الشهر بحكم آيات البدع لعلكم ترشدون ان اعبدوا الله ربكم الرحمن ثم صوموا يوم الآخر ولا تقطعوا عما قد امر الله ان يوصل به فان ذلك ذكر بديع واقروا يوم التحويل كلمة التوحيد بعدة ايام السنة فان ذلك اسم بدع عظيم واذكروا الله فى كل شأن بذكر ما نزل فى القرآن ان الحمد لله رب العالمين.

واقروا هذا الدعاء فى كل يوم من هذا الشهر عند الزوال

بسم الله الرحمن الرحيم

شهد الله لنفسه قبل كل شى بمثل ما يشهد الان لنفسه لا اله الا هو العزيز الحكيم اللهم انى اشهد لديك فى ذلك اليوم من هذا الشهر شهر حبيبك محمد صلى الله عليه وآله شعبان الذى قد فضلته على اشهر الحرم بفضل حبيبك على كل الخلق ولا يعلم كيف ذلك الا انت بما تشهد لنفسك بانك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك غنى لم يزل والان بمثل ما كنت فى الازل لا يعلم كيف ذلك الا انت سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واشهد لمحمد وآله صلواتك عليهم كما تقدر فى شانهم وتشاء لهم

فى كل شان انك على كل شى قديريا الهى ان آية هذه الشمس فى ذلك الحين قد كورت
باذنك الى محل الزوال وان لك فى كل حين نفحات تمن بها على من تشاء ولا يحيط
بها احد سواك فاسئلك اللهم يا الهى ان تصلى على محمد وآل محمد اصل الخلق فى
الايجاد وآيات قدرتك فى العباد و مظاهر عظمتك فى آيات الملك و خلق الفؤاد
عبادك الذين انتجبتهم لنفسك و اصطفيتهم لمحبتك و جعلتهم مقام نفسك فى كل
شان ليدعوا الناس الى نفسك ولا يعرف احد بينك و بينهم الا كلمة العبودية لا اله الا
انت اللهم صل على محمد وآل محمد كما قد جعلتهم شجرة العدل فى الانبياء و موضع
الرسالة فى الاصفياء و معدن العلم فى الاولياء و اهل بيت الوحي لما تخلق و تشاء حيث
قد بينت ذلك الحكم فى محكم كتابك على شان قدرتك فى سيد الاوصياء لحبيبك
محمد صلى الله عليه وآله للبلغاء المستحفظين الائمة الراشدين الذين يعملون بامرک و هم
من خشيتك يشفقون قلت و قولك الحق و ما كان لبشر ان يكلمه الله الا وحيا او من راء
حجاب او يرسل رسولا فيوحى باذنه ما يشاء انه على حكيم و بينت حكم تلك الآية بقولك
الحق فى شان قدرتك و انه فى ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم صل على محمد وآل
محمد الفلك المستقر على ابحر الابداع فى يوم الانشاء و السفينة الجارية على يم المسجور
فى لوح الاختراع يعلو مرة الى افق السماء و ينزل اخرى الى طمطم قعر الابداع اشهد ان
من ركبها يامن من اشارات الشيطان عن اهل الهلاك و ما من عبد تركها الا و يغرق فى دار
البوار جهنم يصلونها و بنس القرار اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة المقصود و
الآية المحمود عبادك الذين قد جعلتهم كهف العباد فى العالمين و عصمة اهل الايجاد
فى الشأتين ملجا للضعفاء و المساكين و منجا اهل الخوف و الراجين امنائك الذين قد
فرضت طاعتهم و اوجبت محبتهم و قرنت ولايتهم بولايتك و الاقرار بعبوديتهم الاقرار
بوحدانيتك عبادك المكرمون الذين يعملون بامرهم و هم لوجهه عابدون اللهم صل على

محمّد وآل محمّد صلوة ينبغي من قدرتك ولا منتهى له فى علمك صلوة تفضل على
 كل شى كفضلك على الخلق اجمعين اللهم صلّ على محمّد وآل محمّد اداءً فى الامضاء
 وقضاءً فى ابداء و دائماً بمشيئته الانشاء و سرمداً على غاية الاختراع باذن منك وجود من
 نفسك وآية من ربوبيتك و ملكة من سلطنتك و هندسة من عظمتك بقوة منك يا مولى
 العالمين اللهم صلّ على محمّد وآل محمّد المصطفين الاخير الذين قد جعلتهم محلّ
 مشيتك و مكن ارادتك و محلّ قضائك و قدرك عبادك الذين مايشاؤون الا بمشيئتك
 و لا يحكون الا لارادتك و لا يدلّون الا عن عظمتك و سلطنتك معدن العلم و منتهى
 الحلم ائمة الدين و هداة الخلق اجمعين اللهم صلّ على محمد و آل محمد بما تحب و
 ترضى و كما انت تصف نفسك لاسواك و حدك لا اله الا انت اللهم بحقك عليهم و
 حقهم فى كتابك ان تسكن افئدتنا بمحبّتك و قلوبنا بمعرفتك و لاتجعلنا من الغافلين
 و اكتب لنا كلما تحبّ لحبيبك محمّد صلى الله عليه وآله فى هذا الشهر المعظّم من نفحات
 قدسك و آيات مجدك و علامات تجليلك و بما لا يحيط به احد غيرك و لا يقدر بذلك
 سواك اللهم انقطع الرجاء الا من فضلك و استعينت عن الكلّ بالعلم على قدرتك و انت
 يا الهى لا يخفى عليك شىء فى السموات و لا فى الارض و انت تحكم بين الكل يوم
 القيمة بالعدل فاكتب الفضل لمن عرفك و العدل لمن لا يعلم حكمك انك قادر على ما
 تشاء و لا يمنع عطيتك احد من خلقك و انك على كل شى قدير و الحمد لله ربّ العالمين.

السورة الرابعة عشر في الفضل

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب ذكر من لدنا للعالمين جميعا وان الله لن يقبل من احد عملا الا
بعهد ذكر اسم الله العلى الحميد يا ايها الملا بلغوا آيات الله الى كل نفس بمثل ما قد
جعلكم الله مقام امره لعلكم ترشدون واتبعوا حكم البدع فى كتاب الآخرفانه لصراط حق
شكور وان فى ايام الله افضل كل الخير ذكر البدع و آياته فى ام الكتاب لمسطور يا ايها
الملا صلوا عليه اذا ذكروا اسمه ثم ارسلوا اليه ورفقات العدل مما اكتسبتم فى ايام الله فى
حكم ذلك الباب و اشكروه و قولوا ان الحمد لله رب العالمين.

اين توقيع مبارك با نسخ پرينستون نمرة ٢١٤ ص ١٦٩ و نسخه شخصى (د) ص ٣٦٠
مقابله شد. انتهى